جوان:
انتظارات و مسئولیت‌ها



محمد احسانی

بسم الله الرحمن الرحیم

جوان، انتظارات و مسولیت ها

نویسنده:

محمد احسانی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

جوان، انتظارات و مسولیت ها

مشخصات کتاب

سرشناسه : احسانی، محمد، ۱۳۴۱-

عنوان و نام پدیدآور : جوان ، انتظارات و مسولیت ها/ نویسنده محمد احسانی؛ تهیه کننده مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر : قم: دفترعقل،۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۱۵۲ص.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۶۳-۳۷-۹

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه: ص.[۱۴۱] - ۱۴۵.

موضوع : جوانان مسلمان

موضوع : نوجوانان و جوانان -- وضع اجتماعی

موضوع : جوانان -- راه و رسم زندگی

موضوع : اسلام و خانواده

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : BP۲۳۰/۱۶۵/الف۳ج۹ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۸۳

شماره کتابشناسی ملی : ۱۸۹۴۵۶۵

ص:۱

اشاره

ص:۳

فهرست مطالب

دیباچه

دیباچه

جوانی، بهار زندگی است، بهاری ارزشمند، بهاری پرتحرک، بهاری بارور از استعدادها، بهاری سرنوشت ساز، که بسیاری از رویش ها و شکفتن ها در این دوران شکوفا می شود. فصل جوانی فصل فروغ و درخشندگی، فصل عبادت و خودسازی، ایام مبارزه و جهاد و سازندگی، هنگام فراگیری و قبول مسئولیت، فصل بروز لیاقت ها و شایستگی هاست. به همین دلیل، از جوان انتظار می رود سرمایه های عظیم خود را در راه کشف مکارم اخلاقی و فضایل انسانی به کار بندد.

تاریخ بشر نشان می دهد رشد و بالندگی هر کشوری در گرو جوانان آن سرزمین است زیرا دوران جوانی، دوران ورود به مرحله تکلیف پذیری و پذیرش مسئولیت های فردی و اجتماعی است. در این دوره، فرد برای انجام وظایف دینی و اجتماعی رشد لازم را پیدا می کند و شایسته است از فرصت جوانی برای خودسازی و سازندگی بهره جوید و به مسئولیت های خود جامه عمل بپوشاند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی خطاب به جوانان فرمود:

شما جوانان عزیز باید بدانید که امروز مسئولیت سنگینی بر دوش شماست و آن مسئولیت خودسازی است، خودسازی از لحاظ علمی و فکری، خودسازی از لحاظ نیروی جسمانی، خودسازی از لحاظ اصلاح اخلاقی،

خودسازی از لحاظ معرفت دینی و عمل دینی. وظیفه همه به خصوص جوانان است که این صلاحیت ها را کسب کنند. (۱)

اگر خواهان حفظ امنیت اجتماعی و سلامت اخلاقی و رشد اقتصادی و سیاسی و... جامعه دینی خود هستیم باید درباره نیروهای جوان کشور بیش از پیش سرمایه گذاری کنیم، نیازها و انتظارات آنها را از جامعه و خانواده بشناسیم تا بر اساس آن برنامه ریزی صحیحی داشته باشیم.

سودجویان و سوداگران بین المللی بیشترین تهاجم خود را بر روی این نسل متمرکز کرده اند، چنان که یکی از هدف های فرهنگی قدرت های استکباری دور کردن نسل جوان از مسئولیت هاست. بنابراین، اولیاء و مربیان و مدیران جامعه به خصوص اصحاب رسانه ملی باید ویژگی های جوانان و نیازها و مسئولیت های آنها را بشناسند تا بتوانند بر اساس نیازها و آرزوهای آنها برنامه ریزی کنند.

پژوهشگر محترم جناب آقای محمد احسانی در این پژوهش کوشیده است تا با استفاده از آیات و روایات امامان معصوم(ع) نیازها، انتظارات و مسئولیت های جوانان را تبیین کند. امید است این اثر مورد توجه برنامه ریزان و برنامه سازان و تهیه کنندگان صداوسیما قرار گیرد.

انه ولی التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

۱- حدیث ولایت، ج ۹، ص ۹۰.

پیش گفتار

پیش گفتار

دوره جوانی، بهترین دوران زندگی و بهار عمر انسان است که در قرآن و روایات، فراوان از آن یاد شده است. داستان حضرت یوسف(ع) در قرآن از نمونه های برجسته زندگی یک جوان باتقوا و پاک دامن است. در احادیث معصومان(ع) هم داستان هایی از زندگی جوانان مؤمن و باتقوا ذکر شده که بسیار ارزنده و برای نسل جوان، آموزنده است. جوان استعدادهای فراوانی دارد که برای هدایت و استفاده درست از آن توانایی ها، شناخت ویژگی های وی لازم است. به دیگر سخن، نخست باید جوان را شناخت و از خصوصیات او آگاه شد و سپس برای رشد و بالندگی وی برنامه ریزی کرد تا در پرورش استعدادهای او به توفیق لازم و شایسته دست یافت.

این پژوهش درصدد است ویژگی های جسمی و روحی جوان را شناسایی و آن را به اولیا و مربیان معرفی کند تا هم جوانان قدر جوانی شان را بدانند و توان خویش را در مسیر صحیح به کار گیرند و هم مربیان برای رشد و تکامل آنان، برنامه ریزی درستی داشته باشند. همچنین در آن، انتظارات جوانان از خانواده و جامعه بررسی شده است. در پایان، وظایف و مسئولیت هایی که جوانان در قبال آن خواسته ها و نیازها به عهده دارند،

برشمرده و به کاربرد هر یک از موارد یادشده در صدا و سیما، اشاره شده است.

فصل اول: کلیات

اشاره

فصل اول: کلیات

زیر فصل ها

۱. طرح مسئله

۲. اهمیت موضوع

۳. پرسش های پژوهش

۴. فرضیه پژوهش

۵. روش پژوهش

۶. پیشینه پژوهش

۷. گستره موضوع

۸. کاربرد رسانه ای

۹. مفهوم شناسی

۱. طرح مسئله

۱. طرح مسئله

دوگانگی میان نسل جوان و اولیا و مربیان، به ویژه پدران و مادران، یکی از مشکلات جامعه امروزه است که خانواده ها نیز با آن درگیر هستند. دوگانگی در گفتار، اندیشه، رفتار و بسیاری از بخش های زندگی. اهمیت ندادن به پدران و مادران، نادیده گرفتن حقوق آنان و احترام نگذاشتن به آنها، در بسیاری از خانواده ها دیده می شود که مهم ترین عامل این مسئله، وجود دوگانگی میان نسل قدیم و جدید و نرسیدن آنها به درک و شناخت از همدیگر است.

با بررسی و ریشه یابی دقیق علمی این مسئله، علل آن، شناسایی و راهکارهایی برای درمانش یافت می شود. به نظر می رسد بسیاری از مشکلات موجود میان فرزندان و پدران و مادران در محیط خانواده و اجتماع، ناشی از درست نشناختن جوان،

ویژگی ها، نیازها و انتظارات اوست که منشأ بدرفتاری و پرخاشگری وی می شود. این نوشتار به بررسی این موضوع می پردازد تا آغازی باشد برای پژوهش های بیشتر و عمیق تر در زمینه جوان شناسی و مسائل مربوط به نسل جوان. اگر اولیا و مربیان و

مدیران جامعه، از جوانان و آرزوهای آنان شناخت کافی داشته باشند و به نیازهای آنان پاسخ بدهند، جوانان نیز ضمن هماهنگی با آنان به وظایف خود عمل خواهند کرد. در نتیجه، شکاف موجود میان نسل قدیم و جدید _ که عامل بسیاری از نابسامانی ها است _ به تدریج از میان خواهد رفت، چنان که سیره معصومان(ع) نشان دهنده اهتمام و توجه ایشان به جوانان است.

۲. اهمیت موضوع

۲. اهمیت موضوع

هدف و اهمیت موضوع تا حدودی از بیان مسئله روشن شد و به تبیین دوباره آن نیاز نیست، ولی به نظر می رسد برای تأکید بیشتر، طرح مجدد هدف ها و ضرورت بحث از نگاه دیگر، مفید باشد. امروزه تهاجم فرهنگی، وجود ابزار و راه های بی شمار آسیب زا در محیط اجتماعی و فرهنگی و در دسترس بودن انواع رسانه های ارتباطی از یک سو و آسیب پذیری نسل جوان از سوی دیگر، اهمیت و ضرورت پرداختن به مسائل مربوط به جوانان و زمینه سازی تربیت درست آنان را بیش از هر زمان دیگر ایجاب می کند. به یقین، تربیت دینی و اسلامی نسل جوان از مهم ترین مسائل روز است و هرگونه کوتاهی یا کم اهمیت جلوه دادن آن، پی آمدهای جبران ناپذیری به همراه خواهد داشت.

برخورداری از امنیت اجتماعی، سلامت اخلاقی، رشد اقتصادی و دیگر مسائل اساسی و زیربنایی جوامع انسانی به پرورش نیروهای مؤثر و کارآمد بستگی دارد. نسل جوان، تأمین کننده نیروهای مفید در هر جامعه است و باید برای رشد علمی و اخلاقی آنان تلاش کرد و زمینه های تکامل همه جانبه آنها را فراهم ساخت.

پس، هرکس در حد توان خود (چه در زمینه علمی و پژوهشی و چه در امور عملی و کاربردی) باید در جهت ترقی نسل جوان گام بردارد؛ زیرا رشد جسمی و روحی جوانان به پیشرفت جامعه کمک می کند.

امام خمینی رحمه الله درباره تربیت جوانان می فرماید:

اگر جوانان یک جامعه تربیت اسلامی و قرآنی شوند، بسیاری از مشکلات اجتماعی و فرهنگی جامعه برطرف می گردد. کوشش کنید که فرهنگ را فرهنگ اسلامی درست کنید. جوان هایی که در این فرهنگ تربیت می شوند، همان هایی هستند که مقدرات کشور در دست آنهاست. اگر اینها درست بار بیایند، همه خدمت گزار به مردم، امین بیت المال باشند، سعادت جامعه تأمین می شود و همه اینها تحت رهبری اسلام تحقق پیدا می کنند.(۱)

بر این اساس، موضوع حاضر (جوان، انتظارات و مسئولیت ها) به منظور شناخت بهتر و جامع تر جوانان و درک نیازهای آنان و معرفی الگویی مناسب برای نسل جوان تهیه شده است.

۳. پرسش های پژوهش

اشاره

۳. پرسش های پژوهش

زیر فصل ها

الف) پرسش اصلی پژوهش

ب) پرسش های فرعی

الف) پرسش اصلی پژوهش

الف) پرسش اصلی پژوهش

جوان چه ویژگی هایی دارد و انتظارات او از خانواده و جامعه چیست و چه مسئولیت هایی دارد؟

ب) پرسش های فرعی

ب) پرسش های فرعی

۱. دوره جوانی از نظر اسلام چه اهمیتی دارد؟

۱- سید روح الله موسوی خمینی، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله ، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۸۹.

۲. ویژگی های جسمانی، عاطفی، عقلانی و اجتماعی چه تأثیری در جوان دارند؟

۳. نیازهای جوان چیست و چگونه باید آنها را تأمین کرد؟

۴. وظایف جوان در برابر خانواده، همسایه و دوست چیست؟

۵. کاربرد پژوهش در صداوسیما چیست و چه کمکی می تواند به برنامه سازی داشته باشد؟

۴. فرضیه پژوهش

۴. فرضیه پژوهش

دین اسلام اهمیت ویژه ای برای دوره جوانی و جوان قائل است و این مطلب را از آیات قرآن، روایات اسلامی، سیره معصومان(ع) و دیدگاه های دانشمندان مسلمان به خوبی می توان دریافت. بنابراین، می توان جوان را بر اساس متون دینی شناخت؛ انتظارها و مسئولیت های او را معیّن کرد و به پرسش های تحقیق پاسخ مناسب داد.

۵. روش پژوهش

۵. روش پژوهش

هر پژوهشی براساس منابع مورد نیاز، روش ویژه ای می طلبد که از ابتدا تا پایان اثر به کار رود. این تحقیق، بیشتر، از منابع نقلی مانند: آیات و روایات و نیز علوم جدید از جمله روان شناسی بهره گرفته است. ازاین رو، روش توصیفی و تحلیلی را شیوه کار خود قرار داده و مراحل جمع آوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل و پردازش و تدوین متن را پیموده است؛ زیرا شیوه یادشده، مناسب ترین روش در پژوهش های کتاب خانه ای است.

۶. پیشینه پژوهش

۶. پیشینه پژوهش

گفتنی است کتاب های متعددی درباره جوان و امور مربوط به او تدوین شده، ولی هیچ یک انتظارات و مسئولیت های جوان در قبال خانواده و جامعه را جداگانه بررسی نکرده است. این پژوهش ابتدا ویژگی های جوان و سپس انتظارات و مسئولیت های او را به صورت مقایسه ای بررسی می کند که در نوع خود کاری تازه است. همچنین کاربرد رسانه ای این پژوهش، کار نو و ابتکاری است که در تحقیقات پیش از این وجود نداشته است. البته مطالب پراکنده ای در منابع مختلف وجود داشته که به عنوان منبع از آنها استفاده شده است.

۷. گستره موضوع

۷. گستره موضوع

موضوع این پژوهش، جوان و مسائل مربوط به اوست که جنبه های مختلفی دارد. محورهای عمده این تحقیق عبارتند از: خصوصیات و نیازهای جوان وجنبه های گوناگون آن، نظیر: بعد عاطفی، شناختی و رفتاری. محور دیگر، انتظارات جوان از خانواده و جامعه است که در قالب های کاربردی، برای عموم، به ویژه نسل جوان بیان شده است.

وظایف یا مسئولیت های جوان در برابر خدا، خانواده، جامعه و طبیعت از مهم ترین جنبه های موضوع پژوهش است که با توجه به آیات و روایات و یافته های علوم روان شناختی و تربیتی بررسی خواهد شد. همچنین به مسئولیت جوان در قبال خود، می پردازیم، که جوان در برابر جسم و روح و جوانی خویش چه وظایفی دارد.

۸. کاربرد رسانه ای

۸. کاربرد رسانه ای

هدف از تدوین این نوشتار، استفاده در صدا و سیما است. در این پژوهش، کاربرد در صدا و سیما با عنوان «همراه با برنامه سازان»، در پایان کتاب نخواهد آمد، بلکه شیوه کاربرد هر موضوع، جداگانه برای برنامه سازان بیان می شود. شاید این روش بهتر از بیان کاربرد در صدا و سیما به صورت مستقل و بخش جداگانه باشد، چون از روش کاربرد موضوع های خاص در صداوسیما غفلت می شود و کاربرد هر موضوع باید در رسانه تبیین شود.

۹. مفهوم شناسی

اشاره

۹. مفهوم شناسی

زیر فصل ها

الف) جوان

ب) انتظارات

ج) مسئولیت

الف) جوان

الف) جوان

واژه «جوان» ترجمه واژگان عربی «شاب» و «فتی» است و در زبان فارسی به معناهایی چون: بُرنا، نوخاسته، به سن بلوغ رسیده، رشد یافته و هر چیزی که اندک زمانی از عمر آن گذشته باشد، به کار رفته است.(۱)جوان و جوانی بر اساس دیدگاه ها و فرهنگ های مختلف، مفهوم وسیع و گسترده ای به خود می گیرد و معنای متفاوت پیدا می کند. روان شناسان دوره سنی ۱۷ تا ۳۰ سالگی را دوره جوانی می نامند و آن را با ورود به دانشگاه و آشنایی بیشتر فرد با تفکر منطقی، هم زمان می دانند.(۲)

در فرهنگ های عمومی مردم، عوامل بسیاری چون: تأهل، تجرد، شغل، سن ازدواج، هم بستگی گروهی با همسالان و تضاد نسل ها، در تعیین حد و

۱- علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، واژه «جوان»؛ آذرنوش آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی-

فارسی، تهران، نشر نی،۱۳۸۱، واژه «شاب» و «فتی».

۲- محمدرضا شرفی، جوان و بحران هویت، تهران، سروش، ۱۳۸۰، ص۱۴.

مرز مفهوم جوان نقش دارنـد.(۱) این محـدوده سـنی (هفـده تـا سـی سالگی) در بعضـی جوامع به افرادی اطلاق می شود که دارای خصوصـیات زیر هسـتند: نسبت تجرد در میان آنان بالاست؛ اوقات فراغت بیشتری دارند؛ مشـغول به تحصیل هستند؛ از هم بسـتگی گروهی زیادی برخوردارنـد و خود را جزو نسل جدیـد می دانند.(۲) به نظر برخی دیگر، جـوان(۳) به فردی گفته می شود که از نظر فکری، انـدکی بـا خـانواده فاصـله دارد و هنوز به آن درجه از اسـتقلال مـادی و اقتصادی نرسـیده است که بتواند خانواده مستقل تشکیل دهد و آن را اداره کند.(۴)

به هر صورت، تعیین دقیق دوره جوانی مشـکل است و نمی توان مرز آن را با دوره های دیگر به طور دقیق معیّن کرد؛ چون در این مورد، میان اندیشـمندان اتفاق نظر وجود ندارد. در این گفتار، جوان به کسی اطلاق می شود که دوره کودکی و نوجوانی را سپری کرده و وارد مرحله تازه ای به نام «جوانی» شده است؛ یعنی از نظر جسـمی، فکری، روحی و روانی در حدی است که می تواند بیندیشد، جوانب امر را بررسـی و ارزیابی کند، تصـمیم بگیرد و آن تصمیم را به اجرا بگذارد. همان گونه که ابراهیم خلیل(ع) پس از دوره نوجوانی با انـدیشه تصـمیم گرفت که بت ها را بشـکند و آن تصـمیمش را به اجرا گـذاشت و بت ها را شکست. قرآن کریم در این زمینه می فرماید: «قالُوا سَمِعنا فتی یذکُرُهُم یقالُ لَهُ ابراهیمُ؛ گفتند: شنیدیم جوانی از آنها [به بدی] یاد می کرد که به او ابراهیم گفته می شود.» (انبیا:۶۰) این سخن را زمانی گفتند

۱- منوچهر پهلوان، جامعه شناسی جوانان، بابل، کمال الملک، ۱۳۸۴، ص۴.

۲- جوان و بحران هویت، ص۱۴.

۳- Yung.

۴- جامعه شناسی جوانان، ص۳.

که قوم حضرت ابراهیم(ع) بـا بت های شکسته روبه رو شـده بود. شایـد ابراهیم(ع) در زمان شکسـتن بت ها به لحاظ سنّی با آنچه از تعریف جوان در کلام روان شناسان آمده، تطابق نداشته باشد، ولی روشن است که از نظر جسمی و روحی ــ روانی، فردی بالغ و جوان بوده و ازاین رو، در قرآن به او جوان (فتی) اطلاق شده است.

ب) انتظارات

ب) انتظارات

این واژه جمع «انتظـار» از ریشه «نظر» به معنای توقع، چشم داشت، چشم به راه بودن و منتظر کسـی بودن است.(۱) در اصطلاح و عرف مردم نیز بـه کسـی اطلاـق می شـود که توقـع و چشم داشـتی از دیگران دارد و منتظر این است که به او تـوجه شـود یا کمکی در حق او انجام گیرد. در این نوشـتار، منظور از انتظارات، توقعات متقابل جوان و خانواده و جوان و جامعه از همـدیگر است.

نکته قابـل توجه، مفهوم دو سویه انتظـار است، به این معنا که یک سـری توقعاتی جوان از خانواده و اجتماع دارد و انتظارهایی نیز خـانواده و جامعه از جوان دارنـد. هر یک از این توقعات مهم است و بایـد بـدان ها توجه شود. ازاین رو، هم جوان بایـد به انتظارات خانواده و جامعه پاسـخ دهد و هم خانواده و جامعه باید به نیازها و انتظارات مشـروع جوان جواب دهند. اگر هر یک از این نهادهـا به انتظارات همـدیگر اهمیت دهنـد و در صـدد تأمین آن باشـند، فاصـله فرهنگی موجود میان نسل جوان و نسـل قدیم کاهش می یابد و بسیاری از مشکلات اجتماعی حل خواهد شد.

۱- فرهنگ معاصر عربی- فارسی، واژه «نظر».

ج) مسئولیت

ج) مسئولیت

کلمه مسئولیت از ماده «سأل»(۱) گرفته شـده و به معنای «پاسخ گو بودن در برابر چیزی» یا «در معرض بازخواست بودن» آمده است که با «وظیفه» تلازم دارد.(۲) هرجا سخن از مسئولیت باشد، وظیفه نیز مطرح است؛ زیرا مسئولیت پذیری ایجاد وظیفه می کند و فرد مسـئول باید در حوزه مربوط به وظایفش عمل کند. از اینجاست که از فرد مسئول پرسش و بازخواست می شود که به وظایفش عمل کرده است یانه؟

مسـئولیت در اصـطلاح و عرف جامعه، نزدیک به همان معنای لغوی به کار می رود و منظور از آن در این گفتار، عبارت است از: وظایف دینی، اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی که به عهـده فرد گذاشـته می شود و او باید به آن عمل کند و ممکن است آن وظایف در محیط خانواده، مدرسه و اجتماع شـکل بگیرد؛ زیرا انسان در برابر دیگران وظایف گوناگونی دارد. جوانان با توجه به توانایی های خاص خود مسئولیت های گوناگونی در قبال خانواده و جامعه دارند و آنان باید با شناخت درست آن وظایف، در عمل کردن به آن نیز کوشا باشند.

۱- ۱.ابراهیم انیس، المعجم الوسیط، قاهره، ۱۳۹۲ هـ . ق، واژه «سأل».

۲- ۲.مجتبی مصباح، فلسفه اخلاق، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله ، ۱۳۸۱، ص۱۸۵.

فصل دوم: اهمیت و ویژگی های جوان

اشاره

فصل دوم: اهمیت و ویژگی های جوان

جوان به دلیل خصوصیات جسمی و روانی، از دیگران متمایز و سزاوار تمجید است. هر یک از این خصوصیات، مهم و درخور توجه است و بایـد جداگانه بررسـی شود. ازآنجاکه در این نوشـتار فرصت محدود است و نمی توان به همه ویژگی های جوان پرداخت، ناگزیر به مهم ترین آنها ــ که به لحاظ تربیتی و اجتماعی، آثار سازنده ای دارند ــ اشاره می شود.

۱. اهمیت جایگاه جوان در اسلام

اشاره

۱. اهمیت جایگاه جوان در اسلام

زیر فصل ها

الف) اهمیت جایگاه جوان در قرآن

الف) اهمیت جایگاه جوان در قرآن

جوان در فرهنـگ اسـلام از جایگـاه والاـیی برخوردار است و جوانی بهترین دوره زنـدگی انسان به شـمار می رود. در قرآن و

حدیث، تعبیرهایی گوناگون نظیر «فتی»(۱) و «شاب»(۲) درباره جوان و واژه «أشُدّ»(۳) برای دوره جوانی به کار رفته است.

۱- «قالُوا سَمِعْنا فَتی یَذْکُرُهُم یقَالُ لَهُ اِبراهیمُ؛ گفتند: شنیدیم جوانی از آنها [به بدی] یاد می کرد که به او ابراهیم گفته می شود». (انبیا:۶۰)

۲- «إنّ الله تعالی یحب الشابّ التائب؛ خداوند جوان توبه کننده را دوست دارد». (منتخب میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۰، واژه «شاب»، ص۲۶۶)

۳- «لِتَبْلُغُواْ أَشُدَّکُم؛ تا به کمال نیرومند خود برسید». (غافر:۶۷)

قرآن کریم، زندگی آدمی را به سه دوره طفولیت، بلوغ و پیری تقسیم می کند که بهترین آن دوره ها، دوره جوانی است: «...ثُمَّ یخرِجُکُم طِفْلًا ثُمّ لِتَبلُغُوا أشُدَّکُم ثُمَّ لِتَکُونُوا شُیوخاً...؛ ... و بعد شما را [به صورت] کودکی برمی آید تا به کمال قوّت خود برسید، و سپس تا سالمند شوید». (غافر: ۶۷)

کلمه «أشُد» از «شُدّ» به معنای شدت و قوّت است که در برخی جاها، در مورد تحکیم نیروی جسمی و رشد قوای نفسانی انسان به کار رفته است.(۱) واژه «أشُدّ» در این آیه با فعل «تبلغوا» به کار رفته و فاصله میان کودکی و پیری را نشان می دهد که همان دوره جوانی است.

خداوند درباره حضرت موسی(ع) می فرماید: «وَ لَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ واستَوَی آتَینَاه حُکْماً و علماً... ؛ و چون به رشد و کمال خویش رسید، به او حکمت و دانش عطا کردیم...». (قصص: ۱۴)

«أشُدّ» آن است که انسان از نظر جسمانی به کمال برسد و آمدن آن با واژه «استوی»، اعتدال و استقرار در امر زندگی را می رساند که بعد از کمال نیروی جسمانی و عقلانی به دست می آید.(۲) در مجموع از آیه برمی آید که دوره جوانی موسی، بهترین دوران زندگی اوست که شایستگی دریافت علم و حکمت را پیدا می کند.

همچنین توصیف قرآن از دوره جوانی حضرت یوسف(ع) و مشکلاتی که برای او پیش آمد و موفقیت وی در برخورد با آن گرفتاری ها، نشان دهنده اهتمام قرآن به جوان و دوره جوانی است؛ زیرا قرآن از داستان

۱- مفردات الفاظ قرآن، واژه «شد»، ص۴۴۷.

۲- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۳، ج۱۶، ص۳۹.

یوسف ــ که بر محور جوان رقم خورده ــ به «احسن القصص»(۱) تعبیر کرده است. داستانی که فرازهای هیجان انگیزش، عالی ترین درس های زندگی، عفت و پاک دامنی، شکوه پارسایی و عزت نفس جوان را در برابر غرایز و شهوات نفسانی تبیین می کند.(۲) بنابراین، جوان در قرآن کریم از جایگاه ویژه و ممتازی برخوردار است که در آیات متعددی به آن اشاره شده است.

ب) اهمیت جایگاه جوان در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

ب) اهمیت جایگاه جوان در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

در سیره پیامبر اسلام، احترام به شخصیت جوان و عنایت ویژه به جوانان نمایان است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله به علی(ع) فرمود: «بادِرْ بِأربَعٍ قَبلَ أربَعٍ: شَبابِکَ قَبلَ هَرَمِکَ؛ چهار چیز را پیش از چهار چیز دریاب: جوانی‌ات را پیش از پیری.»(۳) در این روایت نبوی، بر اهتمام ورزی درباره چند چیز سفارش شده که یکی از آنها جوانی و بهره گیری از دوره جوانی است؛ یعنی جوانان باید ارزش جوانی را درک کنند و با غنیمت شمردن فرصت، هرچه بهتر از آن بهره ببرند.

همچنین در جای دیگر می فرماید: «الشَّبابُ لا یعرِفُ قَدرَهُ الا الشُّیوخ؛ ارزش جوانی را جز پیران نمی شناسند.»(۴) جوانان کمتر ارزش دوره جوانی را می فهمند، همین که به دوره ضعف و پیری می رسند، حسرت جوانی را می خورند؛ مانند ماهی، زمانی ارزش آب را درک می کند که دور از آب، در ساحل قرار گیرد.

۱- «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَیکَ اَحسَنَ القَصَص... ؛ ما نیکوترین سرگذشت را به موجب این قرآن به تو وحی کردیم...». (یوسف:۳)

۲- تفسیر نمونه، ج۱۶، ص۳۰۲.

۳- شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۱۳ ه‍ـ . ق، ج۴، ص۳۵۷.

۴- محمد محمدی ری شهری، حکمت نامه جوان، ترجمه: مهدی مهریزی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۵، ص ۴۰.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در عمل نیز ارزش زیادی برای جوانان قائل بود و به آنان توجه ویژه داشت. روزی دو نفر از اهل مدینه به مکه آمدند و در شرایط بسیار سختی حضور آن حضرت رسیدند و با شنیدن سخنان ایشان مسلمان شدند. سپس از پیامبر درخواست کردند کسی را همراهشان به مدینه بفرستد تا مردم را به آیین اسلام دعوت کند. پیامبر از میان یارانش، جوانی به نام مصعب بن عُمیر را به نمایندگی خود برگزید و به یثرب فرستاد. این جوان با ایمان و پرشور برای انجام مأموریت، تدبیری اندیشید و در مدت زمان کوتاهی همه مردم، به ویژه جوانان یثرب را به اسلام فراخواند. آنها نیز دعوت او را پذیرفتند و مسلمان شدند و نخستین نماز جمعه را به امامت مصعب در یثرب برپا کردند.(۱)

گذشته از اهتمام عملی و تکریم شخصیت جوان، پیامبر در بسیاری از سخنان خود به پیروانش سفارش می کرد با جوانان در کمال نیکی و خوبی رفتار کنند. حضرت در یک توصیه عام به مسلمانان می فرماید: «اُوصیکُم بالشُّبّانِ خیراً؛ شما را به نیکی با جوانان سفارش می کنم.» (۲) این دستور پیامبر، شامل همه خانواده ها و نهادهای اجتماعی می شود و برخورد نیکو با جوانان را به کسانی که با نسل جوان ارتباط دارند، سفارش می کند. روشن است که رفتار شایسته با جوانان، آثار سازنده و مفیدی در پی خواهد داشت که به اصلاح رفتار جوان و در نهایت، اصلاح جامعه خواهد انجامید.

۱- حکمت نامه جوان، ص۶۵.

۲- حکمت نامه جوان، ص۵۲.

ج) اهمیت جایگاه جوان در سیره امامان معصوم(ع)

ج) اهمیت جایگاه جوان در سیره امامان معصوم(ع)

جوان در گفتار و رفتار معصومان(ع) مشمول توجه ویژه ایشان بوده و هر یک از آن بزرگواران، سفارش هایی در این زمینه بیان کرده اند. حضرت علی(ع) در مراحل مختلف زندگی به ویژه در دوران خلافتش، شخصیت آنان را بزرگ می داشت. سخنان زیبا و دل نشین آن حضرت در نامه ۳۱ نهج البلاغه به عنوان منشور تربیتی امام علی(ع)، بیانگر اهتمام ایشان به شخصیت جوان است. این نامه خطاب به فرزندش، امام حسن مجتبی(ع) به عنوان یک جوان جویای تربیت، مطالب و راهکارهای بسیاری در باب جوان و تعلیم و تربیت او دارد. از محتوای سخنان آن حضرت پیداست که ایشان در زمان خویش، نگران تربیت جوانان بوده و به این منظور در یکی از حساس ترین مراحل زندگی خود،(۱) به تدوین رساله تربیتی نسل جوان اقدام کرده است. علی(ع) در مقام یک مربی دل سوز و مهربان، دورنمایی از شخصیت جوان و تربیت دینی او را در این نامه به طور مفصل ترسیم کرده است.

مخاطب این نامه در ظاهر، امام حسن(ع) است، ولی به آن حضرت اختصاص ندارد، بلکه همه جوانان، مخاطب واقعی کلام ایشان هستند. حضرت اوصافی برای متربی بیان کرده که از ویژگی های جوان است. برای مثال می فرماید:

۱- زمانی که امام از جنگ طولانی و طاقت فرسای صفین برمی گشت، در سرزمینی به نام حاضرین، از توابع حلب و قنصرین، در مقام یک مربی دل سوز، در مکتوبی مفصل خطاب به فرزندش، امام حسن مجتبی(ع) دورنمای تربیت اسلامی را ترسیم کرد. طبیعی است که جنگ خونین صفین و نتیجه حکمیت، شرایط نامساعدی را برای امام و یاران آن حضرت پدید آورده بود، ولی امام به دلیل اهمیت تربیت جوان، مدتی خلوت کرد، دست به کاغذ و قلم برد و چنین موضوع سرنوشت سازی را نگاشت.

اَلْمُولُودِ المُؤَمِّلِ ... وَ رَهینَهِ الاَیامِ وَ عَبْدِ الدُّنْیا وَ تاجِرِ الغُرُورِ وَ غَریم الْمَنایا.(۱)

جوانی با آرزو های بلند، در گرو روزگار، گرفتار دنیا، سوداکننده دنیای فریب کار و وام دار نابودی ها.

این فرازها در حقیقت، به ویژگی های روحی و روانی جوان اشاره دارد و آرزو و گرفتاری های او را برمی شمارد.

سراسر گفتار امام در این نوشتار مربوط به جوان و شیوه های هدایت و تربیت اوست که به صورت رهنمودهایی به امام حسن(ع) بیان شده است. صرف نظر از دیگر سخنان و سیره امام علی(ع)، همین نامه در بیان اهمیت جوان از منظر آن حضرت، کافی است.

د) آغاز مسئولیت پذیری

د) آغاز مسئولیت پذیری

دوره جوانی با ورود انسان به مرحله تکلیف پذیری و پذیرش مسئولیت های فردی و اجتماعی هم زمان است؛ زیرا فرد در این دوره به رشد لازم برای انجام وظایف دینی و اجتماعی می رسد و می تواند به مسئولیت های خود عمل کند. خداوند درباره یتیمان بی سرپرست می فرماید:

وَابتَلُوا الیتَمی حَتَّی اِذا بَلَغُوا النِّکاحَ فَإِن آنَستُم مِنهُم رُشداً فَادفَعُوا اِلَیهم اَموالَهُم... . (نساء: ۶)

و یتیمان را تا وقتی به سن زناشویی برسند، بیازمایید. پس اگر در ایشان رشد (فکری) یافتید، اموال شان را به آنان رد کنید... .

از این آیه به دست می آید که انسان در دوره کودکی هیچ مسئولیتی ندارد و هنگامی که به مرحله بلوغ و جوانی می رسد، طرف خطاب قرار

۱- امام علی، نهج البلاغه، ترجمه دشتی، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین(ع)، ۱۳۷۸، نامه ۳۱.

می گیرد و بایـد عهده دار مسـئولیت خویش شود. جمله «حتّی اذا بلغوا النکاح» در آیه شـریفه، مرز کودکی و نوجوانی را جدا می کند. بچه های یتیم تا آن زمان، هیچ مسـئولیتی در برابر مسائل مالی خود ندارند، ولی با رسـیدن به سن بلوغ و داشـتن عقل کافی باید خود، مدیر امور شخصی خویش باشند و حتی می توانند وظایف دیگری را نیز به عهده بگیرند.

بنابراین، از نظر قرآن کریم، جوانی، آغاز مسـئولیت پذیری انسان است و از این مرحله به بعد وی در ردیف بزرگ سالان قرار می گیرد و بایـد در برابر وظایفش پاسـخ گو باشـد. خانواده پیش از رسـیدن فرزنـد به حـد بلوغ و مسـئولیت پذیری باید زمینه روحی و روانی آن را در وی ایجاد کند و با آشـناسازی فرزند به وظایف دینی و اسـلامی (مانند وضو و نماز)، زمینه اجرای هر چه بهتر تکالیف را در نهاد او پدید آورد، چنان که امام صادق(ع) به هارون مکفوف فرمود:

یا اَبَاهَارُونَ إِنَّا نأْمُرُ صبَیانَنا بِتَسبیحِ فاطِمَه، کَمَا نأمُرُهُم بِالصَلَاهِ فَالْزِمْهُ فَإِنَّهُ لَم یَلْزَمْهُ عَبدٌ فَشَقِیَ.(۱)

ای اباهـارون! ما به فرزنـدانمان دسـتور می دهیم تا تسبیـح فاطمه زهرا(س) را بگوینـد، وقتی آنها را به خوانـدن نماز فرمان می دهیم. پس بر تسبیح فاطمه مداومت کن؛ زیرا بنده ای که پیوسته این تسبیح را بگوید، هرگز گمراه و سیه رو نمی شود.

از این حدیث استفاده می شود که امامان معصوم(ع) قبل از رسیدن فرزندانشان به بلوغ، زمینه پذیرش آن و انجام دادن وظایف دینی را در آنها پدید می آوردند؛ یعنی فرزندان را از نظر روحی و روانی برای پذیرش

۱- محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ج۴، ص۱۰۲۳.

مسئولیت های دینی و اجتماعی آماده می کردند تا اجرای آن در جوانی بر آنها سنگین نباشد. از نظر روان شناختی و تربیتی، آماده سازی فرزندان برای پذیرش مسئولیت مهم است؛ زیرا اگر پدر و مادر قبل از دوره جوانی چیزی درباره وظایف دینی به فرزندان نگویند و برخی از وظایف، مانند وضو و نماز را از آنها نخواهند یا دختران را نسبت به تکالیف اختصاصی شان آگاه نسازند، طبیعی است فرزندان هنگام روبه رو شدن با آن مسائل، مشکل خواهند داشت.

ه_) پرسش ویژه از دوره جوانی

ه_) پرسش ویژه از دوره جوانی

بنا بر تصریح آیات و روایات اسلامی، از انسان در روز قیامت درباره رفتارش در دنیا می پرسند. از جمله چیزهایی که پرسیده می شود، عمر انسان است که چگونه آن را به پایان رسانده و در چه کارهایی صرف کرده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

إذَا کَانَ یومُ الْقِیامَهِ لَمْ تَزُلْ قَدَما عَبْدٍ حَتّی یسْأَلَ عَنْ اَربَعٍ: عَنْ عُمْرِهِ فِیمَ اَفْنَاهُ وَ عَنْ شَبابِهِ فِیمَ اَبلَاهُ وَ عَمّا اکتَسَبَهُ، مِنْ اَینَ اکتَسَبَهٌ و فِیمَ انفَقَهُ وَ عَنْ حُبنَاَ اَهْلَ البَیتِ.(۱)

روز قیامت، بنده قدم از قدم برنمی دارد، مگر اینکه چهار چیز از او پرسیده می شود: از عمرش که در چه راه فانی کرده، از جوانی اش که در چه راهی به پایان رسانده، از مالش که از کجا به دست آورده و در کجا صرف کرده و از محبت ما اهل بیت(ع).

۱- ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ترجمه: احمد جنتی، تهران، امیرکبیر، ص۹۴؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ه_ .ق،ج ۸۸، ص ۱۳۲.

این چهـار مسئله، بسیار مهم است و انسان در قبال آنها مسـئولیت دارد، ولی آنچه به بحث مربوط می شود، پرسـش از جوانی است. با اینکه پرسش از عمر، دوره جوانی را نیز دربرمی گیرد، بنا به فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله ، در روز قیامت از جوانی، جـداگانه پرسـیده می شود که چگونه آن را به پایـان رسانـده است. این امر نشان دهنـده اهمیت جوانی است. بنابراین، جوانان باید اهمیت جوانی را درک کنند و تا می توانند در این دوره، کارهای نیک و شایسته انجام دهند.

و) ظهور امام زمان(ع) به صورت جوان

و) ظهور امام زمان(ع) به صورت جوان

همه می داننـد که قرن ها از ولادت امام مهـدی(ع) می گـذرد و به عقیـده شـیعیان، آن حضـرت، ناظر و شاهـد اعمال بنـدگان خداست و به صورت غیرمستقیم به پیروانشان کمک می کند. بسیاری از روایات معصومان(ع) حاکی از آن است که هر وقت مشیت خدا اقتضا کند، آن حضرت در حال جوانی ظهور می کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

یقُوُم فی آخِرِ الزمان رجلٌ من عِترَتی شابٌّ حَسَنُ الوجه اقنَی الانف یمْلأ الارض قِسطاً وَ عَدلاً کَما مُلِئَتْ ظُلماً وَ جُوراً.(۱)

در آخر زمـان، مردی از خانـدانم که جوانی زیباروی و بینی کشـیده است، قیام می کنـد و زمین را پر از عـدل می سازد، همان گونه که پر از ظلم شده است.

بر اساس این حـدیث نبوی، امام مهـدی(ع) در قیافه جوان ظاهر می شود و قیام جهانی را رهبری می کند. شاید به این علت که تأسیس حکومت جهانی و اداره کردن زمین با تمام ساکنانش کاری به ظاهر مشکل و

۱- حکمت نامه جوان، ص۶۲.

طاقت فرساست، هرچند امام معصوم(ع) در رأس آن باشد، باید از توان جسمی و قدرت اجرایی لازم برخوردار باشد تا بتواند بر همه امور مسلط شود و عدالت واقعی را به اجرا گذارد.

ابا صلت هروی از امام رضا(ع) می پرسد که نشانه های قائم شما، آن گاه که قیام کند، چیست؟ امام(ع) در پاسخ می فرماید:

عَلَامتُهُ أَن یکُونَ شیخَ السِّنِّ شابَّ المَنظر حتّی أنّ النّاظرَ الیه یحسَبُهُ ابنَ اَربَعینَ سَنه اوُ دُونَهَا.(۱)

نشانه اش آن است که کهن سالی جوان سیماست که هرکس به وی می نگرد، او را چهل ساله یا کمتر می انگارد.

روایات بسیاری در این مورد وجود دارد و از مجموع آنها به دست می آید که حضرت با وجود سن زیاد، در سیمای جوان قیام می کند و این کار به قدرت خدای متعال انجام می گیرد. این امر، اهمیت جوانی را به اثبات می رساند و اینکه دوره جوانی از نگاه اسلام و عرف، ارزش والایی دارد.

ز) بعثت پیامبران در جوانی

ز) بعثت پیامبران در جوانی

آنچه از آیات و روایات برمی آید، آن است که همه انبیای الهی در جوانی به رسالت مبعوث شده اند و هیچ پیامبری در پیری به نبوت نرسیده است. نمونه های بسیاری در قرآن کریم و احادیث اسلامی درباره انبیای گذشته وجود دارد مبنی بر اینکه آن بزرگواران در دوره جوانی وظیفه هدایت مردم را

۱- حکمت نامه جوان، ص۶۲.

عهده دار شدند، چنان که درباره حضرت ابراهیم(ع) تعبیر «فتی»(۱) آورده شده است.

همچنین درباره بسیاری از انبیا، مانند حضرت موسی، حضرت داوود و حضرت سلیمان(ع) آیاتی در قرآن آمده که نشان دهنده قدرت و توان آنها در آغاز دوره رسالتشان است. داستان حضرت یوسف(ع) به صورت مفصل در سوره ای به نام وی در قرآن آمده، به گونه ای که تمام صحنه های جوانی او را به تصویر کشیده و شخصیتی زیبا، متقی، پاک دامن، صبور در برابر سختی های روزگار و نیرومند در مقابل شهوات نفسانی از او نشان داده است. این داستان، پیام های تربیتی فراوانی برای جوانان دارد. آنها باید به عزت نفس، دوری از گناه، برخورد یوسف با زنان مصر و پناه بردن وی به خدا توجه کنند و درس بگیرند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره بعثت پیامبران فرمود: «مَابَعَثَ اللهُ نبیاً اِلا شابّاً؛ خداوند هیچ پیامبری را جز در جوانی، مبعوث نکرد.»(۲) پیامبر در بیان دیگری، قلمرو جوانی را این گونه بیان کرده است: «ما بَعَثَ اللهُ نبیاً إلا وَ هُوَ شابٌ و لا اُوتی عِلمٌ إلا وَ هُوَ شابٌ؛ خداوند هیچ پیامبری را جز در جوانی مبعوث نکرد و به هیچ دانشمندی، جز در جوانی دانش نداد».(۳)

بنابراین، علم نیز در جوانی به دست می آید، نه در کودکی و پیری؛ زیرا انسان باید در مراحل کودکی و نوجوانی درس بیاموزد تا عقلش در جوانی کامل شود. در این صورت، با استفاده از آن پیش زمینه ها می تواند در جوانی

۱- «قالُوا سَمِعنا فتی یَذکُرُهُم یقال لَهُ ابراهیم؛ گفتند: شنیدیم جوانی از آنها [به بدی] یاد می کرد که او را ابراهیم می گفتند». (انبیا:۶۰)

۲- حکمت نامه جوان، ص ۶۰.

۳- حکمت نامه جوان، ص ۶۰.

نتیجه بگیرد و به نوآوری و اختراع برسـد. در دوره پیری، اسـتعدادهای انسان به تدریج تحلیل می رود و توان فراگیری چندانی ندارد. ازاین رو، بیشتر انسان ها در جوانی به نبوت و علم دست یافته اند و این امر، اهمیت جوانی را می رساند.

۲. ویژگی های جوان

اشاره

۲. ویژگی های جوان

شناخت ویژگی های جسـمی، عاطفی و روحی ــ روانی جوان برای اطرافیان جوان ضـروری است؛ زیرا شناخت این ویژگی ها به مسئولان کمک می کند زمینه را برای تأمین نیازها و پرورش نسل جوان فراهم آورند. این ویژگی ها عبارتند از:

الف) ویژگی های جسمانی

اشاره

الف) ویژگی های جسمانی

جوان از نظر جسـمی، در مقایسه با دوره کودکی و نوجوانی ویژگی های متفاوتی دارد. کودکی، دوره ضـعف و ناتوانی انسان است و به همین علت نمی تواند کارهای سـخت و طاقت فرسا انجام دهد؛ حال آن که در دوره جوانی، عضـلات بدن به رشـد کامل خود می رسد و قوّت و قدرت در تمام اعضای بدن آشکار می شود.

در اینجا به چنـد ویژگی جسـمانی مهم جوان از نظر فردی و اجتماعی اشاره می کنیم تا جوانان قـدر آن را بداننـد و شـکرگزار نعمت جوانی خود باشند.

یک ــ قدرت و توان بدنی

جوانی، دوره رشد و شـکوفایی اسـتعدادها و ظرفیت های وجودی انسان است و توانایی های آدمی در این مرحله از زندگی به رشد و بالندگی مطلوب خود می رسد. توان جسمی جوان انکارناپذیر است و همه خانواده ها

و مردم جهان آن را می بینند و درک می کنند که جوانان نسبت به کودکان و سالخوردگان قوی ترند. با این حال، مسئله مهم، چگونگی بهره برداری از نیروی جوانی است و اینکه جوان، آن توان جسمی را در چه مسیری به کار می گیرد.

اسلام راه های درست استفاده کردن از توان جسمی را به جوان نشان داده است. خداوند در قرآن کریم علت انتخاب طالوت را (به فرماندهی نظامی جمعی از بنی اسرائیل) توان جسمی وی معرفی می کند و می فرماید:

إنَّ الله أصطَفاهُ علَیکُم وَ زادَهُ بَسطَهً فی العِلمِ و الجِسمِ. (بقره: ۲۴۷)

در حقیقت، خدا او را بر شما برتری داده و او را در دانش و نیروی بدن بر شما برتری بخشیده است.

طالوت از نظر جسمی، مردی بلندقامت، تنومند و خوش اندام بود و اعضای محکم و نیرومند داشت و از نظر روحی نیز بسیار زیرک، دانشمند و با تدبیر بود.(۱) همین توان جسمی و قدرت روحی طالوت، علت انتخاب او به فرماندهی بنی اسرائیل خوانده شده است که در مدت کوتاهی شایستگی خود را نشان داد.(۲)

تعبیر «اصطفا» درباره طالوت (انتخاب او به دلیل توان علمی و قدرت جسمی) راهنمای خوبی برای جوانان است تا نیروی جوانی شان را در راه خدا به مصرف برسانند؛ نه در کارهای خلاف و خوش گذرانی های بی حاصل. بیشتر داستان های قرآنی نشان دهنده آن است که انبیا و اوصیای الهی، همه از توان جسمی و روحی بالایی برخوردار بودند و آن توان را در

۱- تفسیر نمونه، ج۲، ص۱۶۷.

۲- تفسیر نمونه، ج۲، ص۱۶۸.

جهت هدایت و تربیت مردم به کارمی بستند. ازاین رو، هر کدام از آن بزرگواران در عصر خویش با همه قدرت های ظالم مبارزه کردند.(۱)

علی(ع) از خداوند نیرو و توان جسمی طلب می کند تا در راه خدمت به خدا و خلق خدا قدم بردارد. ایشان در دعای کمیل عرض می کند:

یا رَبِّ یا رَبِّ! قَوِّ عَلَی خِدمَتِکَ جَوارِحِی و اشدُد عَلَی العَزِیمَهِ جَوانِحِی.(۲)

پروردگارا، پروردگارا! اندام مرا برای خدمت گزاری ات توان مند ساز و درونم را در تصمیم گیری قوی دار.

کلمه «جوارحی» در کلام امام، با صراحت بر قدرت جسمی دلالت دارد. بنابراین، براساس راهنمایی های معصومان(ع) تقویت جسمی و توانایی های بدنی، از راه های مشروع، مانند ورزش، تفریح، پیاده روی، شنا و اسب سواری، مجاز است و بر آن تأکید شده است. این نیرو را هم باید در راه اسلام و قرآن به کار گرفت و برای نشر معارف اهل بیت(ع) و ترویج اخلاق اسلامی در جامعه تلاش کرد. این کار، از جوانان و نسل جوان شایسته تر است؛ زیرا آنان می توانند گام های مؤثرتری در این زمینه بردارند. به هر صورت، توان جسمی از ویژگی های آشکار جوان است که باید ارزش آن را درک و در مسیر صحیح از آن استفاده کند.

دو _ قدرت تصمیم گیری و اجرا

دو _ قدرت تصمیم گیری و اجرا

تصمیم گیری به معنای «مصمم شدن و کمر بستن برای انجام کاری»،(۳) فرآیندی است که عناصری چون مشاوره، برنامه ریزی، جزم قلبی، قاطعیت و

۱- نک: ناصر مکارم شیرازی، قصه های قرآن، قم، انتشارات مدرسه امیر المؤمنین(ع).

۲- شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، قم، ۱۳۷۶، صص ۱۰۱-۱۱۰.

۳- فرهنگ معاصر عربی _ فارسی، ص ۳۷۱، «واژه صمم».

فراهم ساختن شرایط مناسب برای اجرای طرح و برنامه را دربرمی گیرد. در قرآن کریم به تصمیم گیری و بعضی مقدمات آن اشاره شده است. خداوند در این زمینه به پیامبر اسلام می فرماید:

وَ شاوِرْهُمْ فِی اْلأَمْرِ فَإِذا عَزَمْتَ فَتَوَكّلْ عَلَی اللّهِ إِنَّ اللّهَ یُحِبّ الْمُتَوَكّلینَ. (آ ل عمران: ۱۵۹)

و در [کارها] با آنان مشورت کن؛ و چون تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن؛ زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست می دارد.

بر اساس این آیه، در هر موضوعی، به ویژه امور اجتماعی باید با صاحب نظران مشورت کرد، ولی وقتی تصمیم نهایی گرفته شد، باید آن را با قاطعیت، اجرا و در اجرای آن نیز بر خداوند توکل کرد. این دستور، فراگیر است و همه مسلمانان باید به آن توجه کنند،(۱) چنان که پیامبر خدا در برخی جنگ ها (مانند جنگ اُحد) با اصحاب مشورت کرد و بنا بر نظر آنها، لشکریان از شهر خارج شدند و در دامنه کوه با دشمنان جنگیدند.(۲)

تصمیم گیری در همه مراحل زندگی امکان پذیر است و انسان تا پایان عمر می تواند در زمینه های مختلف تصمیم بگیرد. با این حال، این امر، از جوانان بهتر ساخته است؛ چون آنان در شرایط مناسب تری قرار دارند و قدرت بررسی جنبه های گوناگون امر در آنها بیشتر است و هر کاری را به آسانی می توانند انجام دهند. امام صادق(ع) می فرماید:

كانَ أبی یقولُ: اذا هَمَمتَ بِخَیرٍ فَبادِر؛ فَإنَّکَ لاتَدری ما یحدُثُ.(۳)

۱- نک: تفسیر نمونه، ج۳، صص۱۴۸-۱۵۰.

۲- جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰، ج۲، ص ۳۳.

۳- منتخب میزان الحکمه، ص۳۲۹، واژه «عجله».

پدرم می فرمود: هرگاه تصمیم گرفتی کار نیکی انجام دهی، عجله کن؛ زیرا نمی دانی در آینده چه رخ خواهد داد.

شاید موانعی پیش بیاید که انسان نتواند تصمیم خود را اجرا کند و کار خیری را انجام دهد. ازاین رو، سرعت در انجام کار خیر، مطلوب است و جوان، با شور و نشاطی که دارد به چنین کاری شایسته تر خواهد بود.

پس می توان گفت قدرت و توان در تصمیم گیری، یکی از ویژگی های جوان است. البته جوانان باید به این نکته توجه داشته باشند که عاقلانه تصمیم بگیرند و برای اسلام و کشور کارهای منطقی و مفید انجام دهند؛ زیرا پیشرفت مادی و معنوی جامعه به تصمیم های عاقلانه نسل جوان و اقدام عملی آنها در اجرای پروژه های علمی و ملی نیاز دارد تا ضمن تأمین نیازهای کشور برای همه مسلمانان جهان، مایه عزت و سربلندی باشد. برای نمونه، فعالیت جوانان متخصص و فنی کشور در زمینه انرژی هسته ای و به سامان رساندن این پروژه عظیم ملی و بین المللی، موجب افتخار مسلمانان و مایه شکست و زبونی قدرت های بزرگ دنیا شده است.

سه ـ قدرت کار و خدمت رسانی

سه ـ قدرت کار و خدمت رسانی

قدرت داشتن بر کار و خدمت رسانی، یکی دیگر از ویژگی های دوره جوانی است. از نگاه اسلام، خدمت رسانی و گشودن گره از کار مردم، بسیار ارزش دارد و در روایات معصومان(ع) پاداش های بزرگی به خدمت گزاران وعده داده شده است که توجه به آنها، در انسان انگیزه ایجاد می کند تا در این زمینه گام های عملی بردارد.

پیامبر اسلام، در مورد خدمت رسانی به خلق خدا می فرماید:

اَحبُّ الاعمالِ الی اللهِ من أطعَمَ مِن جُوعٍ او أدفَعَ عَنهُ مَغرَماً او کَشَفَ عَنهُ کَرباً.(۱)

دوست داشتنی ترین کار نزد خدا آن است که گرسنه ای را سیر کنند یا وامش را بازدهند یا رنجی از او بردارند.

بنابه فرموده پیامبر، اطعام گرسنه، پرداخت بدهی فقیر و برطرف ساختن رنج و ناراحتی از مسلمان، کاری پسندیده است که خداوند آن را دوست دارد و به صاحبش اجر مادی و معنوی می دهد. حضرت در حدیث دیگری می فرماید:

کانَ عَلَی الطَّرِیقِ غُصنُ شَجَرَهٍ یؤذِی النّاسَ فَأماطَها رجُلٌ فأُدخِلَ الجَنَهَ.(۲)

شاخه درختی سر راه مردمان بود که رهگذران را می آزرد. مردی آن را از میان برداشت و به وسیله آن کار، بهشتی شد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در دستوری همگانی به مسلمانان می فرماید: «نَح الأذی عَن طَرِیقِ المسلِمِین؛ آنچه به مسلمانان آزار می رساند، از سر راه بردار».(۳)

بر اساس روایات اسلامی، کمک رسانی به مردم و همکاری با نیازمندان، یکی از برترین کارهاست که در فرهنگ دینی و اسلامی ارزش والایی دارد. سیره معصومان(ع) نیز بیانگر اهمیت آن است و هر یک از آن بزرگواران در طول زندگی شان تا آنجا که ممکن بود، به مردم کمک می کردند. داستان های فراوانی از خدمت رسانی معصومان(ع) در منابع روایی و تاریخی وجود دارد. شایسته است جوانان با اقتدا به سیره آن بزرگواران، دوره جوانی را در راه خدا و خدمت به خلق خدا سپری کنند؛ چراکه جوان از هر جهت،

۱- نهج الفصاحه، ترجمه: ابراهیم احمدیان، قم، گلستان ادب، ۱۳۸۵، ص۲۲۴.

۲- نهج الفصاحه، ترجمه: ابراهیم احمدیان، قم، گلستان ادب، ۱۳۸۵، ص ۲۲۵.

۳- نهج الفصاحه، ترجمه: ابراهیم احمدیان، قم، گلستان ادب، ۱۳۸۵، ص ۲۲۵.

قدرت خدمت رسانی را دارد و می تواند به اندازه توان خود، مشکلی را از دیگران برطرف سازد.

روزی پیامبرخدا با اصحابش نشسته بود. چشمش به جوان چابک و نیرومندی افتاد که با شتاب از دیگران پیشی می گرفت. اصحاب گفتند: وای بر این جوان! چقدر خوب بود که جوانی و چابکی وی در راه خدا می بود. پیامبر فرمود: «این حرف را نزنید؛ اگر او می کوشد تا خود را از مردم بی نیاز کند، در حقیقت، او در راه خداست و اگر برای پدر و مادر ناتوان یا فرزندان خود که توان کار ندارند، تلاش می کند تا آنها را بی نیاز گرداند و کفایت کند، بحقّ در راه خدا است.»(۱) به فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله ، جوان پرتلاش و زحمت کش چه برای خود و پدر و مادرش زحمت بکشد و چه به نیازمندان و محرومان یاری رساند، در هرصورت در راه خدا خدمت کرده است.

ب) ویژگی های عاطفی و روانی

اشاره

ب) ویژگی های عاطفی و روانی

جوان از نظر عاطفی و روانی ویژگی هایی را دارد که توجه به آنها لازم است. جوان ظرافت های روحی و روانی خاصی دارد که در کودکان و پیران وجود ندارد. این ویژگی ها عبارتند از:

یک ـ تربیت پذیری

انسان موجودی اثرپذیر است و به طور معمول در همه مراحل زندگی تحت تأثیر عوامل بیرونی قرار می گیرد. این پدیده را همه انسان ها در رفتار فردی و اجتماعی خود همواره تجربه می کنند و به دلیل و برهان نیاز ندارد؛ زیرا

۱- محسن فیض کاشانی، محجه البیضا، ج۳، ص۱۶۵.

آدمی قادر نیست به تنهایی به زندگی اش ادامه دهد و همواره در معرض تأثیرات محیط طبیعی و اجتماعی قرار دارد. دوره جوانی، آخرین مرحله ای است که فرد می تواند شخصیت خود را تکمیل و از نظر فکری و رفتاری، در باورها و ارزش های خود تجدید نظر کند. پس از دوره جوانی به دلیل آن که شخصیت انسان تثبیت می شود، تغییر ساختار آن از نظر روان شناختی و تربیتی به مشکل برمی خورد. از این رو، جوان باید تا فرصت دارد به تکمیل شخصیت خود بپردازد و آموزه های صحیح و مفید را فراگیرد؛ چون او در دوره جوانی از توانایی بیشتری برخوردار است و ذهن وی هنوز درگیر مسائل روزگار نشده است. به همین دلیل، شرایط مناسبی برای یادگیری دارد.(۱)

بر این اساس، علی(ع) در نامه معروفی به امام حسن مجتبی(ع) می فرماید:

وإنّما قلبُ الحَدَثِ کَالاَرضِ الخالِیه ما اُلْقِی فِیها منْ شَیءٍ قَبِلَتْهُ.(۲)

قلب جوان، همچون زمین مستعد و آماده کِشت است که هر بذری در آن پاشیده شود، می پذیرد.

تشبیه قلب جوان به زمین آماده کشت در کلام امام علی(ع) بیانگر آن است که هرچه از آموزه های دینی به جوان عرضه گردد، نه تنها می پذیرد بلکه آن را پرورش می دهد و به ثمر می رساند؛ همانند بذر در دل زمین مستعد و آماده کشت که به تدریج رشد می کند و جوانه می زند تا به ثمر می رسد.

۱- محمد خادمی کوشا، جوان در پرتو اهل بیت(ع)، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶، ص۴۲.

۲- نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، نامه۳۱.

یادگیری انسان در دوره جوانی، افزون بر اصل پذیرش، از نظر کیفیت نیز در سطح بالایی قرار دارد. به استناد روایات، آموخته های انسان در این دوره بسیار پایدارتر از دیگر دوره هاست. امام موسی بن جعفر(ع) می فرماید: «مَنْ تَعَلَّمَ فِی شَبابِهِ کَانَ بِمَنزلِهِ الرَّسْمِ فِی الحَجَرِ؛کسی که در جوانی علم بیاموزد، مانند نقشی که بر سنگ کنده می شود، در جان او نقش می بندد.» (۱) این تشبه نشان دهنده ماندگاری آموخته های دوره جوانی است. شاید به این دلیل که جوان از توانایی زیادی برخوردار است و او به خوبی می تواند مفاهیم را بفهمد، تجزیه و تحلیل کند و به یاد بسپارد.(۲)

از امام صادق(ع) پرسیده شد: چرا وقتی فرزندان حضرت یعقوب(ع) از او طلب بخشش کردند،(۳) او گفت:(۴) در آینده نزدیک (سحر شب جمعه) برای شما طلب آمرزش می کنم، ولی حضرت یوسف در برابر بخشش برادران خویش بی درنگ ایشان را بخشید؟(۵) امام صادق(ع) فرمود: «لأنَّ قَلْبُ الشَّبابَّ أَرَقُّ مِنْ قَلْبِ الشَّیخِ؛ زیرا قلب و دل جوان، نازک تر و نرم تر از قلب فرد پیر است».(۶)

۱- بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۲.

۲- محمدعلی حاجی ده آبادی، بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات، قم،پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵، ص ۲۷.

۳- «قالُوا یا أَبانَا اسْتَغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا إِنّا کُنّا خاطِئینَ؛ گفتند: ای پدر برای گناهان ما آمرزش خواه که ما خطاکار بوده ایم». (یوسف: ۹۷)

۴- «قالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَکُمْ رَبّی إِنّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرّحیمُ؛ گفت: به زودی از پروردگارم برای شما آمرزش می طلبم که او آمرزنده و مهربان است». (یوسف: ۹۸)

۵- «قالَ لا تَثْرِیبَ عَلَیْکُمُ الْیَوْمَ یَغْفِرُ اللّهُ لَکُمْ وَ هُوَ أَرْحَمُ الرّاحِمینَ؛ [یوسف] گفت: امروز سرزنشی بر شما نیست، خدا شما را می آمرزد و او مهربان ترین مهربانان است». (یوسف:۹۲)

۶- ۸.جوان در پرتو اهل بیت(ع)، ص ۵۴.

انعطاف پـذیری، از ویژگی هـای برجسـته روحی و روانی جوان است؛ زیرا نسبت به بزرگ سالاـن، زودتر تحت تـأثیر عوامل بیرونی قرار می گیرد و خود را با شـرایط محیط منطبق می سازد. بر این اساس، وظیفه مربیان و پـدران و مادران، اقـدام به موقع در تربیت نسل جوان است تا قلب و دل آنها را پیش از نفوذ تأثیرات منفی، به آموزه های دینی و اسـلامی بیارایند، همان گونه که علی(ع) به فرزندش، حسن مجتبی(ع) فرمود:

فَبادَرُتکَ بِالأَدَبِ قَبْلَ أنْ یقسُوّ قَلبُکَ وَ یشْتَغِلَ لُبُّکَ لِتَستَقْبِلَ بِجدِّ رَأیکَ مِنَ الْامْرِ.(۱)

ازاین رو، قبـل از اینکه دلت سـخت و فکرت مشـغول شود، در تربیتت سـرعت گرفتم تـا بـا تمام انـدیشه ات به اسـتقبال آینـده بروی.

از این کلام و سیره علی(ع) برمی آیـد که تعلیم و تربیت والـدین برای جوان سـرنوشت ساز است و آنان بایـد به انتقال آموزه های مهم دینی به نسل جوان، اقدام کنند تا آنها آینده خوبی داشته باشند و بتوانند در شکل دهی جامعه سالم، کمک کنند.

دو _ رشد فکری و عقلی

دو _ رشد فکری و عقلی

همـان گـونه که گفته شـد، ظرفیت هـای وجـودی انسـان در مرحله جوانی به فعلیت می رسـد. یکی از جنبه هـای مهم وجودی انسان، بعد عقلی و فکری اوست که در این دوره شـکوفا می شود و تکامل می یابد. البته رابطه رشد سنّی و رشد عقلی را نمی توان دقیقاً تعیین کرد، ولی بیشتر روان شناسان بر این باورند که افزایش سن انسان به طور معمول با رشد عقلی وی همراه

۱- تحف العقول، ص ۷۰.

است؛ مگر در افراد عقب مانده ذهنی که رشد عقلی چندانی ندارند و از قانون عمومی رشد مستثنا هستند.(۱)

در آیات و روایات نیز به رشد عقلی جوان توجه و در موارد متعددی به آن اشاره شده است. خداوند درباره ایتام می فرماید:

وَابْتُلُوا الیَتَمی حَتّی إِذا بَلَغُوا النِّکاحَ فَإِنْ آنَسْتُم مِّنْهُم رُشْداً فَادْفَعُوا اِلَیهِم اَمْوالَهُم... . (نساء: ۶)

و یتیمان را تا وقتی به [سن] زناشویی برسند، بیازمایید. اگر در آنها رشد (فکری) یافتید، اموالشان را به آنان رد کنید... .

روشن است که منظور آیه شریفه، رشد عقلی است، نه جسمی؛ زیرا از نظر شرعی، رشد بدنی بدون رشد عقلی نمی تواند مجوز اعطای اموال به ایتام باشد. چه بسا افرادی که به بلوغ جسمی می رسند، ولی از نظر عقلی رشد کافی نیافته اند. ازاین رو، در آیه شریفه به بلوغ جسمی ایتام بسنده نشده، بلکه گفته شده است باید آزمایش شوند و اگر به رشد عقلی رسیده بودند، حق تصرف در اموالشان را دارند.

امام صادق(ع) در حدیثی، پایان رشد عقلی انسان را تعیین کرده و فرموده است:

وینتَهی طُولُهُ لِاثْنَتَیْنِ و عِشّرینَ سَنَةً و مُنتهی عَقلِهِ لِثَمانٍ وَ عِشرِینَ سَنَةً اِلّا التَّجارِبَ.(۲)

طول قامت انسان در ۲۲ سالگی و رشد عقلی او در ۲۸ سالگی پایان می یابد، مگر آنچه از راه تجربه به دست آید.

۱- نک: علی اکبر شعاری نژاد، روان شناسی رشد، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۲، ص ۴۰۰.

۲- التهذیب، ج ۸، ص ۱۱۰.

بنـابراین روایت، همان گونه که رشـد عقل انسان بر اثر رشـد جسـمی وی تحقق می یابـد، عوامل دیگری نیز در شـکوفایی آن مؤثر است. حضرت در این مورد فرمود: «العقلُ غَرِيزَهٌ تَزِيدُ بالعلمِ وَ التَّجارُبِ؛ عقل، غریزه ای است که با علم و تجربه رشد می کند.» (۱) منظـور از غریزه در سـخنان آن حضـرت، فطری بودن عقـل است؛ به این معنـا که نیروی عقـل از ابتـدای آفرینش به صورت خـدادادی در نهـاد هر کس وجود دارد و بر اثر عوامـل درونی (ماننـد: تفکر) و عناصـر بیرونی (نظیر: علم و تجربه)، به تدریج شـکوفا می شود. اوج این شـکوفایی، در مرحله جوانی است؛ زیرا جوانان ظرفیت های وجودی در این دوره از زندگی، (از جمله عقل و اندیشه)، به فعلیت می رسد.

در برخی احادیث، دو نوع عقل برای انسان ذکر شده است: عقل طبیعی و عقل اکتسابی. حضرت علی(ع) می فرماید:

اَلْعَقْلُ عَقْلانِ: عَقْلُ الطَّبْعِ وَ عَقْلُ التَّجْرِبَهِ وَ كِلاهُما يؤَدِّى إِلَى الْمَنْفَعَهِ.(۲)

عقل دو نوع است: عقل طبیعی و عقل تجربی که هر دو مایه منفعت است.

جـوان عقـل طـبیعی دارد؛ چون این نوع عقـل در دوره جوانی شـکوفا می شود و رشـد می کنـد، ولی عقـل اکتسـابی به تجربه بیشتری نیاز دارد و به وسـیله آموزش و یافته های علمی پرورش می یابـد. ازاین رو، جوان باید علم بیاموزد و تجربه کسب کند تا عقل تجربی او تکامل یابد؛ چون هرچه اندوخته های علمی جوان بیشتر می شود، نیروی عقل او نیز کامل تر

۱- منتخب میزان الحکمه، ص۳۵۹، واژه «عقل».

۲- بحارالانوار، ج۷۵، ص۶.

می گردد.(۱) جوان باید از کارهایی که موجب تضعیف عقل می شود، دوری کند. برخی گناهان مانند خودارضایی (استمناء) و روابط نامشروع، در سلامت جسم و عقل جوان تأثیر منفی دارند.

سه _ نشاط و شادابی

سه _ نشاط و شادابی

نشاط به معنای «سرزندگی، سرحال، پرکار، خوش بودن و تحرک داشتن»،(۲) یکی از ویژگی های جوانی است؛ زیرا دوره جوانی همراه با شور و نشاط و شادابی است، به گونه ای که جوانان دوست دارند همواره بانشاط در اجتماع ظاهر شوند. جوانی، دوره شور و نشاط و خوشی و پویایی است و حال و هوای خاصی دارد. تغییراتی که در جسم و روح جوان پدید آمده، سبب شده است وی خود را در دنیایی جدید ببیند. ازاین رو، رفتاری که از جوان سر می زند، با رفتار وی در دوره کودکی بسیار متفاوت است.

به هر حال، جوان، نماد نشاط، بالندگی و شادابی است. شور و هیجان، عشق و امید، وجد و نشاط، طراوت و لطافت، تناسب اندام، صورت شکفته، موهای زیبا، همه و همه از شاخ و برگ های زیبای دوران جوانی است که خداوند به جوان عطا کرده است.(۳)

اسلام نیز نشاط و شادابی جوان را تأیید و به استفاده درست از آن سفارش کرده است. در روایات، از این حالت به «شِرّةُ الشَّباب» یاد شده که به معنای شور و نشاط و شهوت جوانی(۴) است. امام علی(ع) در پاسخ به

۱- جوان در پرتو اهل بیت(ع)، ص۴۸.

۲- فرهنگ معاصر عربی _ فارسی، ص ۶۹۰، واژه «نشاط».

۳- محمدتقی فلسفی، گفتار فلسفی جوان، تهران، هیئت نشر معارف اسلامی، ۱۳۴۴، ج۱، ص ۴۰.

۴- فرهنگ معاصر عربی _ فارسی، ص۳۲۵، واژه «شِرّه».

پیشنهاد غلامش، قنبر که گفت: شما بیشتر از من سزاوار پوشیدن پیراهن گران قیمت هستید، فرمود:

اَنْتَ شَابٌّ وَ لَکَ شِرَّهُ الشَّبابِ وَ أنَا أَسْتَحیی مِنْ رَبّی أنْ أتَفَضَّلَ عَلَیکَ.(۱)

تو جوانی و دارای نشاط جوانی هستی و من از خدا حیا می کنم که در این زمینه بر تو برتری جویم.

علی(ع) با درک شور و نشاط جوانی قنبر و اینکه او در حال و هوای جوانی است، نخواست این روحیه او را نادیده انگارد و خود را بر وی ترجیح دهد، بلکه پیراهن بهتر و زیباتر را به او داد تا روحیه «خوش حال بودنش» آسیب نبیند و نشاط جوانی اش پرورش یابد. این رفتار علی(ع) با یک جوان شکفته و سرزنده، درسی برای همه پیروان ایشان است تا حالت شور و نشاط جوانان را در نظر بگیرند و آن را پرورش دهند.

چهار ـ زیبایی خواهی

چهار ـ زیبایی خواهی

بی شک، فطرت انسان به زیبایی ها میل دارد و از زشتی ها و بدی ها و منظره های ناپسند بیزار است. این خواست درونی انسان در دوره کودکی به صورت ضعیف و کم رنگ وجود دارد و به تدریج رشد می کند تا اینکه در دوره جوانی بالنده می شود و به کمال مطلوب خود می رسد. شهید مطهری در زمینه فطری بودن زیبایی خواهی آدمی می فرماید:

در انسان، گرایشی به جمال و زیبایی به معنای مطلق، وجود دارد و هیچ کس از آن مستثنا نیست؛ لباس هم که می پوشد، کوشش می کند تا آن اندازه که برایش ممکن است وضع زیباتری به خودش بگیرد.(۲)

۱- جوان در پرتو اهل بیت(ع)، ص۶۸ ، به نقل از: بحارالانوار، ج۱، ص۱۴۴؛ المناقب، ج۲، ص۹۷.
۲- مرتضی مطهری، مجموعه آثار، تهران، صدرا، ۱۳۷۰، ج۳، ص۴۹۶.

از آنجـا که انسان ذاتاً به خوبی ها و زیبایی ها گرایش دارد، از دیـدن منظره های زیبا، چمن زارها، گل ها و کوه ها لـذت می برد؛ اگر آب صاف و زلالی ببیند، کنارش می نشیند و از دیدنش شاد و خرم می شود؛ از تماشای دریا، صـحرا، باغ و بوسـتان برانگیخته می شود و شور و شوق درونی به او دست می دهـد. تحرک و پویـایی و سـرزندگی و نشاط، نتیجه تفریـح و گشـت وگـذار های سالم است. ازاین رو، جوانان بیشتر از دیگران به مسافرت و گردش های جمعی کنار سبزه ها، دامنه کوه ها و بستر رودخانه ها و آبشارها علاقه مندند و به آن اهتمام می ورزند؛ چراکه روحیه زیبایی خواهی در آنان به حدّ کمال می رسد و از مشاهـده منظره های جـذاب و خوشاینـد، بیشتر به شور و نشاط و تحرک درمی آینـد. این حس زیبایی خواهی انسان از ابتدای زندگی وجود دارد، ولی به تدریج، رشد می کند و در دوره جوانی به اوج شکوفایی می رسد.

قرآن کریم نیز این گرایش فطری انسان را تأیید می کند و آن را زمینه تفکر و اندیشه در نظام هستی دانسـته و او را به اسـتفاده درست از مناظر طبیعی و تأمل درباره آنها دعوت کرده است:

أَفَلَمْ یَنْظُرُوا إِلَی السَّماءِ فَوْقَهُمْ کَیْفَ بَنَیْناها وَ زَیَّنّاها وَ مالَها مِنْ فُرُوجٍ وَ الْأَرْضَ مَدَدْناها وَ أَلْقَیْنا فیها رَواسِیَ وَ أَنْبَتْنا فیها مِنْ کُلِّ زَوْجٍ بَهیجٍ. (ق:۶ و ۷)

مگر به آسـمان بالای سـرشان ننگریسته اند که چگونه آن را ساخته و زینتش داده ایم و برای آن هیچ گونه شکافتگی نیست و زمین را گستردیم و در آن لنگر [آب کوه]ها فرو افکندیم و در آن از هرگونه جفت دل انگیز رویاندیم.

خداونـد، طبیعت را زیبا آفریـد و مردم را به تماشای آن دعوت کرد تا ضـمن لـذت بردن از مناظر جـذاب و دیـدنی، به تأمل و اندیشه درباره آنها

بپردازد و به ماورای عالم طبیعی پی ببرد. ازاین رو، در ادامه فرموده است: «تَبْصِرَةً و ذِكْرى لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ؛ تا وسیله بینایی و یادآوری برای هر بنده توبه کاری باشد». (ق: ۸)

پیامبر خدا در مورد زینت جوانان می فرماید: «وَاخْتَضَبوا فأنّه يَزيدُ فی شَبابِكم؛ موهای خود را رنگ کنید که جوانی و زیبایی شما را زیباتر می کند.»(۱) اصلاح موی سر، امروزه در جوانان با مدل های گوناگون مشاهده می شود و اگر این کار به همانندسازی با زنان یا پیروی از فرهنگ بیگانه منجر نشود، شاید اشکال نداشته باشد، ولی اگر عنوان حرام پیدا کند، جایز نیست. دراین زمینه باید به فتوای مراجع تقلید مراجعه کرد.

بدیهی است جوان، زیباپسند است و می خواهد در زندگی، زیبا باشد و زیبا ظاهر گردد و اسلام هم این خواست درونی او را تأیید کرده، مشروط به آن که مخالف شرع نباشد.

پنج ـ خودآرایی

پنج ـ خودآرایی

انسان دارای روحیه زیباگرایی و حس زیباطلبی است. هر کس به طور فطری زیباپسند است و تمایل دارد به منظره های جذاب و جالب نگاه کند و از آن لذت ببرد. این روحیه از آغاز زندگی وجود دارد و در جوانی به کمال می رسد. از این رو، یکی از ویژگی های مهم دوره جوانی، گرایش به خودآرایی است؛ چراکه هر جوانی می خواهد زیباتر و جذاب تر از دیگران در اجتماع ظاهر شود. منظور از خودآرایی، پرداختن به وضعیت ظاهری خویش است، مانند: اصلاح سر و صورت و انتخاب نوع لباس که این کار در میان نسل جوان امروز اهمیت خاصی دارد.

۱- مکارم الاخلاق، ص ۸۲.

جوان می خواهـد در تمام شـئون زنـدگی، آرایش را در حـد اعلای آن اعمال کند و به اصـطلاح امروز «با کلاس باشد» و در برابر دوسـتان و رقیبـان خـود کم نیـاورد. خـودآرایی اگر به افراط و تفریـط کشـیده نشـود، مورد تأییـد اسـلام است و آیـات و روایـات فراوانی در این زمینه وجود دارد که انسـان را به اسـتفاده از زینت آلات تشویق می کننـد. خداونـد در قرآن کریم می فرمایـد: «یابَنِی آدَمَ خُذُوا زِینَتَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مُسْـجِدٍ...؛ ای فرزندان آدم! زینت خود را هنگام رفتن به مسـجد با خود بردارید... ». (اعراف:۳۱)

خداونـد در این آیه شـریفه، اسـتفاده از زینت را بـا حضور در مسـجد مرتبـط ساخته و درحقیقت، مسـیر بهره برداری از وسائل آرایشـی را معیّن کرده است؛ یعنی اسـتفاده از زینت ظاهری باید با معنویت باطنی همراه باشد، نه خوش گذرانی و هوس رانی. بیشتر جوانان به این امر توجه ندارند و زینت ظاهری را بدون پرداختن به آرایش معنوی به کار می گیرند. بعضی از جوانان آن قدر که به آرایش و زیباسازی اندام خود اهتمام می ورزند، به مسائل دینی و معنوی، کمتر توجه دارند. بسیار مشاهده می شود جوانـانی که برای آراسـتن موهـای سـرشان بیش از یک ساعت وقت می گذارنـد، برای آموختن احکام دینی (ماننـد فراگیری مسائل نماز) لحظه ای نمی اندیشند.

خودآرایی و آراسـتن وضـعیت جسـمی و ظاهری، در احادیث اسلامی نیز تأیید شده است. صدور دستورهای بهداشتی و تأکید بر پاکیزگی در اسلام به منظور تقویت همین گرایش طبیعی انسان است. پیامبر اسلام در حدیثی فرمود:

تَنظَّفوا بكلِّ مَا اسْتَطَعْتُم فإنَّ الله تعالی بَنَی الْاِسلامَ عَلَی النَّظافه و لَنْ یَدخُلَ الجنَّهَ إلّا كلُّ نَظیفٍ.(۱)

هرچه می توانید پاکیزه زندگی کنید؛ چون خدای متعال، دین اسلام را بر پاکیزگی بنا کرده است و داخل بهشت نمی شوند، مگر پاکیزگان.

حتی آن حضرت در بعضی روایات به خودآرایی دستور داده است و می فرماید: «اِختَضِبُوا فَإِنَّهُ یَزِیدُ فِی شَبَابِكُم وَ جَمالِكُم؛ خضاب کنید که این کار بر جوانی و زیبایی شما می افزاید». (۲)

نکته قابل توجه این است که جوان باید در زیباسازی چهره و اندام خود اعتدال را رعایت کند و نباید دچار افراط شود؛ زیرا زیاده روی در خودآرایی، پی آمدهای نامطلوبی دارد که در صورت ادامه آن، ممکن است پسران و دختران جوان به تباهی کشیده شوند. وسواس، اختلال روانی، ریاکاری، توجه زیاد به دیگران، تجمل گرایی، اسراف و خودپرستی از اموری است که با افراط در خودآرایی پدید می آید.(۳)

افزون بر رعایت اعتدال، توجه به خودآرایی باطنی و معنوی نیز لازم است. همان گونه که جوانان به آرایش ظاهری می پردازند، به پالایش عقلانی و باطنی هم باید اهتمام ورزند. امام حسن عسکری(ع) می فرماید: «حُسنُ الصُّورَهِ جَمَالٌ ظَاهِرٌ وَ حُسنُ العَقلِ جَمالٌ باطِنٌ؛ نیکویی صورت، زیبایی ظاهری و نیکویی عقل، زیبایی باطنی است».(۴)

پیامبر نیز فرمود: «لاجَمالَ اَحسَنُ مِنَ العَقل؛ هیچ زیبایی بهتر از عقل نیست».(۵)

۱- منتخب میزان الحکمه، ص۵۰۶، واژه «نظافه».

۲- گفتار فلسفی جوان، ج۱، ص۴۴؛ به نقل از: مکارم الاخلاق، ص۴۳.

۳- گفتار فلسفی جوان، ج۱، ص۴۴؛ به نقل از: مکارم الاخلاق، ص۴۳.

۴- بحارالانوار، ج ۱، ص ۹۵.

۵- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۸۴ .

بنابراین، حوزه خودآرایی جوان باید تعمیم پیدا کند و در کنار ظاهر، باطن را نیز آرایش دهد. از جمله موارد آرایش باطنی، به کارگیری نیروی عقل در زندگی است تا با تدبّر و اندیشه در مسائل فردی و اجتماعی، بهترین راه و روش را برگزینند.

شش ـ غرور و خودبینی

شش ـ غرور و خودبینی

غرور به معنای «فریب خوردن و فریفته شدن به چیزی»، از صفات رذیله ای است که منشأ پیدایش بسیاری از اوصاف ناپسند دیگر می شود.(۱) تکبر، خودپسندی، خودبینی، خودنمایی، حسدورزی و غفلت از پی آمدهای غرور است که افراد مغرور گرفتار آن می شوند. هرچند اسباب غرور، فراوان است، یکی از عوامل مهم غرور، جوانی است؛ چراکه جوانی همانند مال و قدرت، انسان را به خود مشغول می دارد و از دیگر امور منصرف می سازد. به همین دلیل، در روایات معصومان(ع)، جوانی، «شاخه ای» از جنون تعبیر شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «الشَّبابُ شُعبَهٌ مِنَ الجُنُونِ؛ جوانی شاخه ای از جنون است.»(۲) یعنی جوانی، همانند دیوانگی، انسان را به حال غیرعادی می کشاند و کارهایی که انجام می دهد، بر اثر احساسات و عواطف صادر می شود، نه از روی فکر و اندیشه و برنامه ریزی قبلی.

امام علی(ع) جوانی را سبب مستی دانسته است و می فرماید:

یَنبَغی لِلعَاقِلِ أَنْ یَحتَرِسَ مِنْ سُکرِ المالِ و سُکرِ القُدرَهً و سُکرِ العِلْمِ وَ سُکرِ المَدَحِ وَ سُکرِ الشَّبابِ؛ فَإِنَّ لِکُلِّ ذلِکَ رِیاحاً خَبِیثَهً تَسلُبُ العَقْلَ وَ تَستَخِفُّ الوَقارَ.(۳)

۱- ملا احمد نراقی، معراج السعاده، قم، کشف الغطاء، ۱۳۸۲، ص۵۱۲.

۲- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۳۵.

۳- حکمت نامه جوان، ص۲۱۸.

سزاوار است که خردمند، از مستی ثروت، مستی قدرت، مستی دانش، مستی ستایش و مستی جوانی بپرهیزد؛ چراکه هر یک را بوهای پلیدی است که عقل را می دُزدد و وقار و هیبت را کم می کند.

براین اساس، جوانی مانند مال، قدرت، علم و ستایش، عامل غرور و مستی است که عقل را تضعیف می کند و به شخصیت انسان آسیب می زند. ازاین رو، جوانان باید مراقب باشند تا گرفتار هیچ نوع غرور، به ویژه غرور جوانی نشوند و با تفکر و تعقل و با شخصیت و وقار در جامعه زندگی کنند.

زیبایی معمولاً ـ با غرور و خودبینی همراه است و هر کس از حسن و جمال بیشتری برخوردار باشد، نوعی کبر و خود برتربینی در او وجود دارد که این حالت در روایات، از آسیب های زیبایی شمرده شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «آفَةُ الْجَمالِ الْخُیَلاءُ؛ خودپسندی، آفت زیبایی است».(۱)

از آنجا که دوره جوانی دوره زیبایی خواهی و شکفتگی انسان است، خطر بیشتری از این ناحیه متوجه نسل جوان خواهد بود. بنابراین، جوان باید مراقب باشد تا در دام کبر و غرور گرفتار نشود؛ زیرا خودپسندی از صفات شیطان است و جوان را از درگاه خدا می راند، به گونه ای که راه برگشتی برایش باقی نخواهد ماند.

هفت _ بلندهمتی

هفت _ بلندهمتی

بلندهمتی از صفات پسندیده ای است که در بسیاری از روایات اسلامی به عنوان یکی از ارزش های دینی معرفی شده است. علوّ همت از همه مردم شایسته است و موجب رشد و پیشرفت انسان و جامعه انسانی می شود، ولی

۱- بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۳۸۹.

این خصلت از نسل جوان بیشتر انتظار می رود؛ زیرا آنان در شرایطی هستند که بهتر می توانند نقش آفرینی کنند و طرح ها و کارهای بزرگ را به سامان برسانند.

علی(ع) ارزش انسان را به اندازه همتش دانسته است و می فرماید: «قَدرُ الرَّجُلِ علی قَدرِ هِمَّتِهِ؛ ارج انسان به میزان همت اوست.»(۱) آن حضرت در کلام دیگر می فرماید: «من شَرُفَت هِمَّتُهُ عَظُمَت قِیمَتُهُ؛ آن کس که همتش بلند باشد، ارزشش افزون می شود».(۲)

بعضی از روایات، ارزش و نقش بلندهمتی را در پیشرفت فردی و اجتماعی انسان به روشنی بیان می کنند. امام علی(ع) می فرماید: «اَلْفِعْلُ الْجَمِیلُ یُنبِیءُ عَنْ عُلُوِّ الهِمَهِ؛ کارهای خوب و زیبا از بلندهمتی ریشه می گیرد.»(۳) افق همت انسان باید فراتر از امور شخصی باشد و بیشتر به سوی منافع اجتماعی مایل شود؛ زیرا جامعه پیشرفت نمی کند، مگر با اجرای طرح های بزرگ ملی که جوانان بیش از دیگران شایسته انجام دادن آن هستند. نسل جوان، نیروی فعال جامعه را تشکیل می دهند و بهتر می توانند از نظر فکری و عملی، افق آینده جامعه را مطالعه و برای بالندگی آن برنامه ریزی کنند. بنابراین، اگر بلندهمتی جوان در مسیر درست قرار بگیرد، به ترقی جامعه کمک می کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله دراین زمینه می فرماید: «مَا اَبعَدَ الْخیرَ مِمَّن هِمَّتُهُ بَطنُهُ و فرجُهُ؛ چقدر خیر و نیکی دور است از کسی که همتش شکم و شهوتش باشد.»(۴) چنین آدمی تمام انرژی و

۱- نهج البلاغه، ص ۴۷۷.

۲- حکمت نامه جوان، ص ۹۰.

۳- منتخب میزان الحکمه، ص ۵۲۶، واژه «همت».

۴- منتخب میزان الحکمه، ص ۵۲۶، واژه «همت».

توانش را صرف لذت خواهی، خوش گذرانی و هوس رانی می کند و امور مهم دیگر اصلاً به فکرش نمی آید یا با بی اعتنایی از کنار آن عبور می کند.

بلندپروازی و مناعت طبع و بزرگ منشی از ویژگی های دوره جوانی است و جوانان باید به درستی از آن بهره ببرند، چنان که حضرت یوسف(ع) در برابر دعوت های نامشروع زنان مصر فرمود: «رَبِّ السِّجْنُ اَحَبُّ اِلَی مِمَّا یَدعُونَنِی اِلَیه...؛ پروردگارا! زندان برای من دوست داشتنی تر است از آنچه مرا به آن می خوانند... .» (یوسف: ۳۳) انتخاب کردن زندان به جای پذیرش دعوت زنان، نشان دهنده علوّ همت او بود. یوسف توانست با این کار، خود را از آلودگی به معصیت رها سازد و به عزت نفس و سعادت ابدی ــ که همان قرب حق تعالی است ــ برسد. حضرت در پاسخ به درخواست همسر عزیز مصر گفت: «مَعاذَ الله؛ به خدا پناه می برم!» (یوسف:۷۹) این کار بر اثر بلندهمتی یوسف بود. وی به هوای نفس و غریزه طبیعی پشت پا زد و با مناعت طبع به خدای متعال روی آورد و الگوی شایسته ای برای جوانان شد.

هشت ــ آرزومندی

هشت ــ آرزومندی

آرزومندی، از دیگر ویژگی های جوانی است. درحقیقت، آرزوهای گوناگون در دل جوان پر می زنند و هر یک به عنوان محرکی قوی، او را به فعالیت وا می دارند. آرزومندی در همه انسان ها کم وبیش وجود دارد و هرکس خواسته هایی در دل دارد و می خواهد به آنها دست یابد، ولی این آرزومندی در دوره جوانی، بیش از دیگر دوره ها تجلی دارد. مرحله جوانی به طور معمول پر از آرزوها و تخیلات دور و درازی است که فکر جوان را به خود مشغول می دارد و او را برای رسیدن به آن آرزوها به حرکت درمی آورد تا خواسته های درونی اش را به فعلیت برساند.

علی(ع) در آغاز نامه خویش به فرزنـدش، امام حسن(ع) را چنین خطاب می کند: «المَولودِ المُؤمِّلِ مَا لا یُدرَکُ، السّالِکِ سَبیلَ مَن قَد هَلَکَ؛ از پـدری که در آسـتانه فناست به فرزندی که آرزومند چیزی است که به دست نمی آید] و[رونده راه کسانی است که به هلاک رسیده اند.»

ایـن گفتـار علی(ع) فرازی از نـامه مفصـل آن حضــرت در توصـیف جـوان و معرفی راهکارهـای تربیـتی بـه اوسـت. حضـرت آرزومنـدی را نخسـتین ویژگی آنـان شـمرده است و آینـده آنهـا را در یـک مسـیر رو به نیسـتی ترسـیم می کنـد؛ یعنی جوان، شهرونـد شـهر آرزوست و در عین داشـتن صدها آرزوی دور و دراز، به سویی گام برمی دارد که روبه نیستی است و پایان آن مسیر، در گرو اعمال دنیایی وی است.

آرزومنـدی تـا حـدودی نتیجه طبیعی رشـد جسـمی و روحی جوان است؛ زیرا دوره جوانی بـا خیـال بافی همراه است. به همین دلیل، بیشتر جوانان ایـد ئال ها و آرمان هایی دارند که در پی خیال پردازی به وجود می آیند.(۱) پرواز در دنیای افکار، توهم و تخیل می توانـد نوعی لـذت روحی ــ هرچنـد زودگـذرــ را به دنبال داشـته باشد و این آرزوها جوان را آرمان گرا و آرمان خواه بار می آورند.

اگر آرزوها واقع بینانه باشد و امکان دست یابی به آن فراهم باشد، به پویایی و بلندهمتی جوان کمک می کند. در مقابل، اگر آرزوها توهمی و غیر واقع بینانه باشد، جوان را در آسـتانه سـقوط قرار می دهد.(۲) ازاین رو، پیامبرخدا صـلی الله علیه و آله از آرزوی دراز امت احساس خطر می کند و می فرماید: «أَخْوَفُ مَا أَخَافُ

۱- مجله تربیت، وزارت آموزش و پرورش، سال ۱۳۷۰، ش ۱، ص۱۸.

۲- بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات، ص۴۳.

عَلی اُمَّتی الهَوَی وَ طُولُ الاَمَلِ؛ بر امت خویش بیش از هر چیز، از هوس و درازی آرزو می ترسم.»(۱) طبیعی است که این احساس خطر پیامبر نسبت به جوانان بیشتر است؛ زیرا آنان با تجربه اندک و دانش محدود در معرض آسیب های زیادتری قرار دارند.

ج) ویژگی های اجتماعی

اشاره

ج) ویژگی های اجتماعی

زیر فصل ها

یک _ الگوپذیری

دو _ دوست خواهی

سه _ خلاقیت و نوآوری

یک _ الگوپذیری

یک _ الگوپذیری

یکی از ویژگی های برجسته جوانی، همانندسازی و تقلیدپذیری است. جوان در زندگی اجتماعی و برخورد با دیگران معمولاً خود را همانند کسانی می سازد که به نظر وی جذاب و دارای ایدئال های مورد علاقه اش جلوه می کنند. این خصیصه ناشی از یک امر فطری نهفته در نهاد انسان است که در دوره جوانی شکوفا می شود؛ چون ساختار وجودی انسان به گونه ای است که همواره تحت تأثیر عوامل بیرونی قرار می گیرد.

این تأثیرپذیری امری ذاتی و فطری است که به اصل سرشت و شالوده وجودی انسان برمی گردد و هیچ انسانی از آن بی بهره نیست. از این رو، نمی توان آدمی را پیدا کرد که صددرصد نفوذناپذیر باشد و هرگز چیزی بر او تأثیر نگذارد؛ زیرا انسان در هر شرایطی با یک سری عوامل بیرونی در ارتباط است که خواه ناخواه بر جسم و روحش اثر می گذارند. الگوپذیری انسان، از محیط خانواده آغاز می شود. سپس در مدرسه و اجتماع ادامه می یابد و در مرحله جوانی به اوج خود می رسد. بنابراین، جوان از نظر

۱- نهج الفصاحه، ص۲۷.

فطری، الگوطلب است و این خصوصیت جزو ذات او به شمار می آید و به این جهت همواره در جست وجوی قهرمانان ذهنی خویش است.

حال که اصل الگوپذیری جوان مسلّم است، مسئله مهم، انتخاب آگاهانه الگوهاست؛ یعنی جوان باید الگویی را در زندگی برگزیند که پیروی از آن الگو مایه سربلندی او در دنیا و آخرت باشد، نه اینکه زمینه بدبختی و زبونی وی را فراهم سازد. اسلام به این خواست فطری جوانان، توجه داشته و الگوهای شایسته ای را به آنها معرفی کرده است تا خود را در فکر و رفتار همانند آنان بسازند. قرآن کریم از این نوع الگو به «اسوه حسنه» یاد کرده است؛ یعنی الگویی نیکو و مناسب در همه شئون زندگی، اعم از فردی و اجتماعی.

خدای متعال، شخصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را اسوه حسنه برای مردم معرفی می کند و می فرماید:

لَقَد کَانَ لَکُم فِی رَسُولِ اللهِ اُسوَهٌ حَسَنَهٌ لِمَن کَانَ یَرْجُوا اللّهَ وَ الیَومَ الاخِرَ وَ ذَکَرَ الله کَثیراً. (احزاب:۲۱)

همانا برای شما در اقتدا به رسول خدا صلی الله علیه و آله سرمشقی نیکو است، برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می کند.

تأسی به سیره و رفتار آن حضرت، جوان را به خدا نزدیک می سازد و از هرگونه انحراف فکری و اخلاقی دور می کند.

امام علی(ع) درباره پیروی از پیامبراکرم صلی الله علیه و آله ، در نهج البلاغه سخن گفته و جوانان را به پیروی از آن حضرت فرا خوانده، است:

وَاقتَدُوا بِهَدْیِ نَبِیِّکُم فَاِنَّه اَفضَلُ الهَدیِ وَ اسَتنُّوا بِسُنَّتِهِ فَاِنَّها اَهْدَی السُّنَن.(۱)

از راه و رسم پیامبرتان پیروی کنید که بهترین راهنمای هدایت است. رفتارتان را با روش پیامبر تطبیق دهید که هدایت کننده ترین سنّت هاست.

در جای دیگری نیز می فرماید:

وَ لَقَدکانَ فِی رَسُولِ الله صلی الله علیه و آله کافٍ لَکَ فِی الاُسوَهٌ و دَلیلٌ لَکَ عَلَی ذَمِّ الدُّنیا وَ عَیبِها وَکَثرَه مخَازِیها وَ مَسَاوِیَها.(۲)

برای تو کافی است که راه و رسم زندگی پیامبر اسلام را اطاعت کنی تا راهنمای خوبی در شناخت بدی ها و عیب های دنیا و رسوایی ها و زشتی های آن برای تو باشد.

بنابراین:

فَتَأَسِّ بِنَبِیِّکَ الَاطیَبِ الَاطهَرِ فَإِنَّ فِیهِ أُسْوَهً لِمَنْ تَأسَّی.(۳)

به پیامبر پاکیزه و با برکت اقتدا کن که راه و رسم او الگویی برای همه جویندگان راه حق و حقیقت است.

شخصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله الگوی همیشه زنده و جاویدی برای بشر در طول تاریخ بوده است. اکنون نیز به عنوان اسوه ای حسنه و سرمشقی ماندگار، فراتر از محدودیت های زمان و مکان می درخشد. شخصیت او منحصر به زمان خاصی نبوده و نیست، بلکه حقیقت همیشه پویا و جاودانی است که برای هر نسلی، هماهنگ با واقعیات زندگی آنها تبلور پیدا می کند.

سیره و رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی، رهگشای راهیان حق وحقیقت است. وجود آن حضرت به اقیانوس

۱- نهج البلاغه، ترجمه: دشتی، خطبه:۱۱۰، ص ۱۶۳.

۲- نهج البلاغه، ترجمه: دشتی، خطبه:۱۱۰، ص ۲۲۶.

۳- نهج البلاغه، ترجمه: دشتی، خطبه:۱۱۰، ص ۲۲۷.

بی کرانی می مانـد که سـرشار از خـوبی هـا و فضایـل انسـانی است و هرکس بایـد به انـدازه اسـتعداد و تـوان خود از آن منبع جوشان کمالات الهی، توشه ای برگیرد.

معرفی الگو، در تعلیم و تربیت نسـل جوان اهمیت ویژه ای دارد و کارشـناسان امور آموزش و پرورش نیز بر آن تأکیـد دارنـد. ازاین رو، لازم است معلمان و متربیان بر اساس آموزه های دینی و اسلامی، الگوهای مناسب را شناسایی و به نوجوان و جوانان معرفی کننـد؛ الگوهـای شـناخته شـده ای کـه در متن قرآن و احـادیث اسـلامی به آنهـا اشـاره شـده است. بـا تـوجه به تهـاجم روزافزون فرهنـگ غرب و عرضه الگوهـای مختلف ضدارزشـی، لازم است برترین الگوهای زنـدگی از منظر قرآن و اسـلام به نسل جوان معرفی شود تا ضـمن پاسخ گویی به غریزه الگوجویی شان، بتوانند با انتخاب الگو های مناسب، مسـیر درستی را در زندگی خود برگزینند.

امام صادق(ع) در زمینه الگودهی به جوانان می فرماید:

بادِرُوا احداثَکُم بالحدِیثِ قَبلَ أن یَسبِقکُم الَیهِمُ المُرجِئَه.(۱)

نسل جوانتان را دریابید و معارف اسـلامی را به آنان بیاموزید، پیش از این که مخالفان بر شما پیشی گیرند [و سخنان نادرست را در ضمیر پاک آنها وارد کنند و گمراهشان سازند.]

دو ـ دوست خواهی

دو ـ دوست خواهی

رفاقت طلبی و دوست خواهی یکی از ویژگی های مهم دوره جوانی است. هر جوانی در این دوره می خواهـد در کنار اعضای خانواده، با افراد دیگری نیز ارتباط برقرار کند و با آنها رفت وآمد داشته باشد. دوست خواهی، امری ذاتی

۱- وسائل الشیعه ، ج۱۵، ص۱۹۶.

و فطری است و هر کس از روی طبع و فطرت انسانی، خواهان زندگی میان مردم و ارتباط با آنان است. با این حال، این امر در جوانان بیش از دیگران نمود پیدا می کند؛ زیرا شرایط سنّی آنها چنین اقتضا می کند، و آنان در سن و سالی به سر می برند که همواره درصدد جلب توجه دیگران به سوی خویشتن هستند و می خواهند زیبایی و نیروی جسمی خود را به رخ آنان بکشند. این رفت وآمدها موجب انتقال ارزش ها و در نتیجه، تحول فرهنگ و اندیشه در جوان می شود.

مهر و محبت و دوستی با همدیگر، اساس جامعه انسانی را تشکیل می دهد و نسل جوان در ایجاد جامعه آرمانی نقش اساسی دارند. ازاین رو، اسلام این نیروی فطری جوانان را هدایت و شرایط دوستان شایسته را برای آنان بیان کرده است؛ چون اسلام می خواهد جامعه ای بسازد که همه مردم، خود را برادر یکدیگر بدانند و تا سرحد ایثار به هم عشق بورزند.(۱)

دوست طلبی جوان، ناشی از محبت وی به هستی، بقا و کمال وجودی خود است؛ زیرا کمال خواهی، شدیدترین نوع از دوستی انسان را تشکیل می دهد. ازاین رو، هر جوان بیش از همه خود را دوست دارد و هر دوستی را که انتخاب کند، برای کسب کمال و امتیازات خویشتن است، نه دوست داشتن ذات آن دوست و رفیق. به همین دلیل، هر وقت تصور کند سود و کمالی از او عایدش نمی شود، با وی قطع رابطه می کند.(۲) از اینجا است که جوانان به شدت تحت تأثیر گفتار و رفتار دوستان قرار می گیرند و

۱- محمد محمدی ری شهری، دوستی و محبت در قرآن و حدیث، ترجمه: سید حسن اسلامی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۲، ص۲۴.

۲- ملا مهدی نراقی، جامع السعادات، نجف، الزهرا، ۱۳۶۸ه_ . ق، ج۳، ص۱۳۴.

بخش مهمی از افکـار و صـفات اخلاقی شان در پیونـد با آنان قالب بنـدی می شود. این مطلب، چیزی است که از نظر علمی و تجربی هم به اثبات رسیده است و هرکس می تواند آن را در رفتار جوانان مشاهده کند.(۱)

نقش دوستان در تغییر رفتار و تربیت جوان، بسیار حساس و چشم گیر است، به گونه ای که حتی در بسیاری موارد بر نقش والـدین غلبه می کنـد. فرزنـد نوح به دلیل انتخاب دوستان نامناسب به بی راهه رفت و درخواست پـدر را که گفت: «... یَابُنَی اَرکَب مَعَنا وَ لَاتَکُن مَعَ الکافِرین؛ ... ای پسرک من! با ما سوار شو و با کافران مباش.» (هود:۴۲) رد کرد و اظهار داشت: «سَآوی اِلَی جَبَلٍ یَعصِمُنِی مِنِ المَاءِ... ؛ به زودی به کوهی پناه می برم که مرا از آب در امان نگه دارد... .» (هود: ۴۳) خداوند خطاب به نوح درباره فرزنـدش فرمود: «... إنَّهُ لَیسَ مِن اَهلِکَ... ؛ ... او درحقیقت از کسان تو نیست... .» (هود:۴۶) زیرا او با تأثیرپـذیری از دوستان بـد، راهی برخلاف تو (نوح) که فرستاده خدا هستی، اختیار کرده و از صراط مستقیم منحرف گشته است.

پسر نوح با بدان بنشست

خاندان نبوتش گم گشت(۲)

امام علی(ع) درباره نقش دوستان در شکل گیری شخصیت جوان می فرماید:

فَمَن إشتَبَهَ عَلَیکُم امرُهُ و لَم تَعرِفُوا دینَه فانظُرُوا الی خُلَطائِه فإن کانُوا اَهْلَ دینِ الله فهُوَ عَلَی دینِ الله.(۳)

۱- محمدجواد طبسی مروّجی، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت(ع)، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳، ص۱۴۷.
۲- حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت، ص۱۴۷.
۳- بحار الانوار، ج ۷۱، ص۱۹۷.

هرگاه وضعیت شخصی بر شما نامعلوم شد و دین و آیین او را نشناختید، به دوستانش بنگرید. اگر اهل دین و آیین الهی بودند، او نیز پیرو آیین خداست.

براین اساس، جوانان که گرایش زیادی به دوست یابی دارند و می خواهند با آنها ارتباط صمیمی داشته باشند، باید افرادی مؤمن، متدین، وفادار و باشخصیت را به عنوان دوست برگزینند؛ افرادی که از نظر دینی و اخلاقی، بر دیگران تأثیر مثبت بگذارند، نه آدم های آلوده به گناه که ضررشان بیشتر از نفعشان است. به هرصورت، به جوانان سفارش می شود میل فطری دوست خواهی خود را از راه درست و بر اساس دستورهای معصومان(ع)، ارضا و برترین دوستان را انتخاب کنند.

سه _ خلاقیت و نوآوری

سه _ خلاقیت و نوآوری

خلاقیت در لغت از ریشه «خَلَقَ» به معنای ایجاد، ابتکار و نوآوری آمده و در دانش روان شناسی عبارت است از توانایی افراد برای تولید ترکیبات جدید صنعتی، اندیشه های تازه یا هرگونه دستاوردهای نو که قبلاً ناشناخته بوده اند.(۱) برخی خلاقیت را شکل دادن تجربه ها در سامان بندی های تازه دانسته اند.(۲) عده ای دیگر معتقدند که خلاقیت، عرضه کیفیت های تازه ای است از مفاهیم و معانی به شکل منظم و معنادار.(۳)

از تعاریف خلاقیت به دست می آید که خلاقیت فرآیندی است مشتمل بر عناصری همچون: انگیزه، توانایی و مهارت در سامان دهی و ترکیب

۱- نک: روان شناسی رشد، ص۵۸۷.

۲- افضل السادات حسینی، ماهیت خلاقیت و شیوه های پرورش آن، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶، ص۲۹.

۳- افضل السادات حسینی، ماهیت خلاقیت و شیوه های پرورش آن، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶، ص۲۹.

اجزای پراکنده و عرضه آن در قالب یک محصول جدید مادی یا فرآورده فکری و علمی. چنین کاری از ویژگی های نسل جوان است و انجام آن در عرصه اجتماع، با فراهم بودن زمینه ها و امکانات لازم، امکان پذیر است.

روان شناسان و جامعه شناسان بر اهمیت خلاقیت در فرد و جامعه تأکید و به زمینه سازی برای تربیت نیروهای فعال و خلاق سفارش کرده اند. علم، هنر و تکنولوژی محصول فرآیند خلاقیت هستند؛ زیرا میان خلاقیت و رشد مادی و معنوی جامعه، رابطه مستقیم برقرار است؛(۱) یعنی هرچه فرآیند خلاقیت در افراد پرورش یابد و تولید نیروی خلاق در اجتماع افزایش پیدا کند، ضریب پیشرفت جامعه بالا می رود. نیروهای خلاق همواره با نوآوری، محصولات جدیدی تولید می کنند که سطح علمی و نوآوری جامعه را افزایش می دهد و موقعیت جهانی آن را بهبود می بخشد.

خلاقیت از اول زندگی در فرد وجود دارد و خود را در بازی های کودک نشان می دهد و به تدریج، در مدرسه، با فعالیت های گروهی و تفریحی شکوفا می شود. نوآوری، در دوره نوجوانی و جوانی رشد می کند و معمولاً در فاصله سنی سی تا چهل سالگی، به بالاترین حد خود می رسد.(۲) دراین مدت، افراد خلاق از غیرخلاق شناخته می شوند و آنها با ابتکارهایشان، خود را به جامعه معرفی می کنند. بنابراین، خلاقیت از ویژگی های نسل جوان است و جوانان با اندیشه و فعالیت مستمر به ابتکارها و اختراع ها می رسند و اولیا و مربیان باید آن را تقویت کنند.

۱- روان شناسی رشد، ص۵۸۷.

۲- روان شناسی رشد، ص۵۹۱.

عوامل متعدد درونی و بیرونی مانند محیط خانه و مدرسه، زمینه سازی و تهیه امکانات، تشویق والدین و معلمان بر رشد و شکوفایی خلاقیت جوان تأثیر دارند.

اسلام، نه تنها مخالف خلاقیت و نوآوری نیست، بلکه اختراع و کشفیات جدید را تأیید می کند؛ زیرا دستور اسلام به اندیشیدن در زمین و آسمان و مخلوقات گوناگون، زمینه ای برای اندیشیدن بیشتر در نظام آفرینش و در نهایت، دست یابی به نتیجه مطلوب و ایده جدید است. خداوند دراین زمینه می فرماید:

إِنّ فی خَلْقِ السّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلافِ اللّیْلِ وَ النّهارِ لَآیاتٍ لِأُولِی الْأَلْبابِ. (آل عمران:۱۹۰)

همانا در آفرینش آسمان ها و زمین و آمدورفت شب و روز، نشانه های روشنی برای خردمندان وجود دارد.

در این آیه، نخست به عظمت آفرینش زمین و آسمان اشاره شده و سپس از آمدورفت شب و روز سخن به میان آمده است. خداوند می فرماید آفرینش آسمان ها و زمین و آمدورفت شب و روز، نشانه های روشنی برای صاحبان خرد و اندیشه است که می توانند با اندیشه کردن در آن به فکر تازه ای برسند. جوانان مبتکر و خلاق دارای ویژگی هایی هستند که آنها را از دیگران متمایز می کند. آنان معمولاً دوست دارند مستقل عمل کنند؛ امور پیچیده را بر امور عادی ترجیح می دهند؛ بیشتر اوقات به کار خود سرگرمند و کمتر به مسائل اجتماعی می پردازند؛ انعطاف پذیرند و به تحلیل و بررسی مسائل پیرامون خود علاقه مند هستند.(۱)

۱- روان شناسی رشد، ص ۵۹۰.

فصل سوم: جوان و انتظارات

اشاره

فصل سوم: جوان و انتظارات

در این قسمت به بررسی این موضوع می پردازیم که جوانان چه انتظارات و مطالباتی از نهاد خانواده و اجتماع دارند و خواسته های آنان تا چه اندازه معقول و قابل قبول خواهد بود. انتظاراتی که جوانان از خانه و جامعه دارند، متفاوت و متعدد است و همه آنها را نمی توان در فرصتی کوتاه بررسی کرد. ازاین رو، تلاش بر آن است تا به انتظاراتی توجه شود که عام و فراگیر هستند، به گونه ای که همه جوانان یا بیشتر آنان را پوشش می دهند. به عبارت دیگر، مطالبات واقعی و منطقی جوان از خانواده و جامعه و نیازهای او در این فصل، شناسایی و بررسی می شود که مبتنی بر ویژگی های جوانی و برخاسته از آن است.

۱. انتظارات جوان از خانواده

اشاره

۱. انتظارات جوان از خانواده

خانواده، اصلی ترین نهاد اجتماعی است که جوان در آن به دنیا می آید و رشد می کند. آن گونه که از متون فرهنگ و منابع واژه شناسی برمی آید، واژه «خانواده» مرکب از دو عنصر «خانه + واده» به معنای خاندان، دودمان، تبار و

امثال آن است.(۱) این اصطلاح در عرف عام کاربردهای وسیع دارد. خانواده در محدودترین کاربرد خود به همان معنایی گفته می شود که گوینده و شنونده آن را در ذهن خود تداعی می کند و همه، آن را از این کلمه می فهمند؛ یعنی مجموعه کوچکی از پدر و مادر و فرزندان که در یک جا زندگی می کنند و معمولاً اعضای خانواده را تشکیل می دهند.

واژگانی همانند «خانه» و «خانواده» بیانگر فضای صمیمی و حراست شده ای هستند که انسان در آن فضا احساس امنیت، راحتی و آسایش می کند. خانه به عنوان یک نهاد مقدس در همه ادیان مورد احترام بوده و هست. جوان در چنین جایگاهی پرورش می یابد و رشد می کند. او میان اعضای خانواده از موقعیت خاصی برخوردار است و همگان با دید احترام به او می نگرند.

پدر و مادر و فرزندان، به عنوان اجزای تشکیل دهنده خانواده، انتظاراتی از همدیگر دارند که باید بدان ها توجه شود. هر یک از اعضای خانواده باید انتظارات طرف مقابل را بشناسد و به آنها در حد توان پاسخ گوید. عوامل بسیاری از جمله میزان سن و سال هر یک از اعضا، در نوع خواسته ها تأثیرگذارند؛ زیرا فرزندان خانواده در زمان جوانی انتظارات متفاوتی از دوره کودکی دارند. پدر و مادر نیز زمانی که دچار پیری می شوند، انتظارات دیگری از فرزندان دارند.

الف) انتظار شناخت و درک جوان از سوی خانواده

الف) انتظار شناخت و درک جوان از سوی خانواده

نخستین انتظار جوان از خانواده این است که او را آن گونه که هست، بشناسند و واقعیت های زندگی او را درک کنند. جوان شناسی و درک

۱- لغت نامه دهخدا، واژه «خانواده».

واقعیت های مربوط به وی در محیط خانواده به وسیله پدر و مادر، بسیار مهم و در شکل گیری شخصیت و نوع رفتار او مؤثر است. ازاین رو، شناخت جوان و توجه به ویژگی های دوره جوانی، ضرورتی انکارناپذیر و نیاز اساسی نسل جوان است که خانواده باید به آن توجه کند.

در واقع، پرورش نهال ثمربخش جوان و استفاده مناسب از میوه های شیرین جوانی، مبتنی بر درک واقعی جوان و شناخت نیازهای اساسی اوست و در صورتی می توان راهکار های مفید و کاربردی در تربیت جوان ارائه داد که جنبه های جسمی و روحی او با دقت بررسی و گوشه های آشکار و پنهان وجودی وی شناخته شود؛ وگرنه ممکن است بر اثر نشناختن جوان و آشنا نکردن او با آموزه های مناسب، زیان های جبران ناپذیری متوجه نسل جوان شود و درنهایت، به جامعه سرایت کند.(۱) بسیاری از مشکلات جوانان امروز ناشی از بی توجهی خانواده ها به آنان و درک نکردن و حمایت نکردن از آنهاست. به یقین، اگر پدران و مادران ضمن مراقبت های لازم از فرزندان، جوانانشان را دریابند و مهر و محبت کنند، رفتار آنها تغییر خواهد کرد.

لزوم شناخت جوان مبتنی بر ویژگی های روحی و روانی اوست؛ زیرا هر انسانی در دوره جوانی سرشار از عواطف و احساسات است و اگر از اطرافیان بی میلی وکم توجهی ببیند، به شدت ناراحت می شود و آرامش خود را از دست می دهد. رسول خدا صلی الله علیه و آله به مسلمانان، به ویژه پدران و مادران سفارش می کند که با جوانان رفتار نیک داشته باشند: «اوصیکُم بالشُّبانِ خیراً

۱- جوان در پرتو اهل بیت(ع)، ص۳۸.

فإنَّهُم أرَقُّ أفئدةً؛ شما را نسبت به جوانان به نیکی سفارش می کنم؛ چراکه آنان دل های رقیق تری دارند».(۱)

نقطه اصلاح و تربیت پذیری جوان نیز همین قلب نرم و ملایم اوست که با شناخت درست وی می توان او را هدایت کرد.

پیامبر اسلام از این ویژگی جوانان استفاده کرد و با شناخت دقیق آنان به تبلیغ پرداخت و در نتیجه، بسیاری از جوانان مکه ایمان آوردند. آن حضرت در ادامه حدیث می فرماید:

إنَّ اللهَ بَعَثَنی بَشیراً و نَذیراً فحالَفَنی الشُّبّانُ وَ خالَفَنی الشُّیُوخ.(۲)

به راستی که خداوند مرا نویدبخش و بیم دهنده برانگیخت. آن هنگام جوانان با من هم پیمان شدند، درحالی که پیران با من به مخالفت برخاستند.

ضرورت شناخت جوان در رساله حقوق امام سجاد(ع) نیز آمده است. آن حضرت در توصیه عام به پدران و مادران می فرماید:

وَأَمَا حَقُ وَلَدِک فَتَعلَمُ أَنَهَ مِنکَ وَ مُضافٌ اِلیک فِی عاجِلِ الدُّنیا بِخیرِهِ و شَرَّه.(۳)

حق فرزند این است که بدانی بخشی از وجود تو است و در دنیا با هر خیر و شری که دارد، به تو منسوب است.

از آنجا که کلام امام سجاد(ع) به دوره خاصی اشاره ندارد، مرحله جوانی را نیز دربرمی گیرد و شناخت فرزند در این دوره مهم تر از دیگر دوره ها است. جوان از یک طرف، دل رقیق دارد و زود تحت تأثیر عوامل

۱- حکمت نامه جوان، ص۱۹.

۲- حکمت نامه جوان، ص۱۹.

۳- تحف العقول، ص۴۱۶.

بیرونی قرار می گیرد و ازسوی دیگر، دارای قدرت تصمیم گیری و توان انجام کار است که با اندک غفلتی ممکن است به بیراهه کشیده شود. ازاین رو، امام زین العابدین(ع) فرمود پدر و مادر باید این واقعیت را درک کنند که جوان هر کاری انجام دهد، به آنها نسبت داده می شود.

درحقیقت، والدین، مسئول تربیت و رفتار فرزند هستند تا با شناخت ویژگی های وی، نیازهای او را برطرف کنند؛ چون جوان دارای ویژگی هایی است که شناخت آنها، والدین را در تعامل با وی و برخورد متناسب با روحیه او کمک می کند. بنابراین، جوان معمولاً ـ این انتظار به حق را از خانواده، به ویژه پدر و مادر دارد که او را درک کنند و واقعیت های زندگی وی را بپذیرند.

ب) انتظار تأمین نیازهای جوان به وسیله خانواده

اشاره

ب) انتظار تأمین نیازهای جوان به وسیله خانواده

پس از شناخت جوان و ویژگی های روحی و روانی او، شناسایی و تأمین نیاز های خاص وی نیز لازم به نظر می رسد. انتظار جوان از خانواده آن است که در عین درک و پذیرش وی، به نیازهای او در محیط خانواده توجه شود. بیشتر جوانان نیازهای مادی و معنوی خاص خود را دارند که به تنهایی قادر نیستند آن را برآورده کنند و اولیا و مربیان باید برای تأمین آن بکوشند.

یک ــ تأمین نیازهای عاطفی

اشاره

یک ــ تأمین نیازهای عاطفی

جوان علاوه بر ویژگی های مختلف، نیازهای گوناگونی دارد که یکی از نیازهای مهم او، نیاز عاطفی است. جوانی دوره ای است سرشار از احساسات و عواطف ظریف روحی و روانی که باید با دقت به آنها توجه کرد. نیازهای عاطفی جوان مبتنی بر ویژگی های روحی و روانی اوست که

پیش از این ذکر شد. در اینجا به برخی نیازهای عاطفی جوانان اشاره می کنیم که تأمین آنها در رفتار آنان تأثیرگذار است.

اول ـ نیاز به مهر و محبت

اول ـ نیاز به مهر و محبت

انسان ذاتاً به محبت گرایش دارد و علاقه مند است مورد مهرورزی و احترام دیگران قرارگیرد؛ چون محبت به عنوان یک نیاز اساسی، در نهاد آدمی نهفته است و تا پایان عمر ادامه دارد. این نیاز فطری، در رفتار انسان و برخورد او با دیگران ظهور پیدا می کند؛ گاه به شکل ارتباط کلامی و گفتار محبت آمیز و گاه در قالب رفتار و عمل و ایجاد دوستی و رفت وآمد با همسالان و همسایگان. نیاز به محبت، ذاتی است و از دوره کودکی در نهاد انسان وجود دارد، ولی این نیاز در دوره جوانی بیشتر آشکار می گردد؛ چراکه استعدادهای بشر در این دوره کاملاً شکوفا می شود وگرایش های فطری و طبیعی وی به فعلیت می رسد. از جمله، غریزه دیگرخواهی جوان رشد می کند و به همین دلیل، هم نشینی با دوستان را بر نشستن در محیط خانواده ترجیح می دهد. خانواده باید این نیاز جوان را درک کند و با وی رفتار محبت آمیز داشته باشد و روحیه دیگرخواهی او را پرورش دهد.

اگر خانواده به ویژه پدر و مادر به فرزند جوان خود مهر و محبت نکنند و نیاز وی را به محبت اشباع نسازند، بی مهری آنان زمینه ساز پیدایش بسیاری از نگرانی های روحی و روانی، اضطراب، استرس و ترس های غیر منطقی در وی می شود.(۱)

قرآن کریم به این نیاز جوان در قالب ابراز محبت به موسی بن عمران(ع) پاسخ گفته است تا الگویی برای همه اولیا و مربیان باشد و به این

۱- روان شناسی نوجوانان و جوانان، ص۷۷.

نیاز فطری نسل جوان توجه کننـد. خداوند به حضـرت موسـی(ع) فرمود: «... أَلقَيتُ عَلَيكَ مَحَبَّةً مِنّي و لِتُصنَعَ عَلى عَينِي؛ ... و مهری از خودم بر تو افکنـدم تا زیر نظر من پرورش یابی.» (طه: ۳۹) خداوند زمانی به حضـرت موسی(ع) محبت کرد که او در دوره جوانی قرار داشت.(۱) اظهـار محبـت خداونـد به موسـی(ع)، وی را برای انجـام وظیفه نبـوت آمـاده تر سـاخت و روحیه اسـتقامت و پایـداری را در او تقویت کرد، چنان که ایسـتادگی و مبارزه موسـی(ع) در برابر طاغوت زمانش (فرعون) گواه این امر است.

از این داسـتان قرآنی می تـوان اسـتفاده کرد که پرورش عـاطفه و روحیه محبت خـواهی جوان در رسـیدن او به اهـداف عـالی زندگی و اسلامی، تأثیر به سزایی دارد، همان گونه که خدای متعال علت محبت به موسی(ع) را ساختن و تربیت شخصیت وی بیـان فرموده است. این امر نـاظر به تأثیرپـذیری جوان و اهمیت مهر و محبت در زنـدگی وی است که خانواده می توانـد به این طریق، جوانان شایسته و مقاومی را تحویل جامعه دهد.

تـأمین این نیـاز جوان، افزون بر اینکه پاسـخی به نیـاز درونی اوست، آثـار فردی و اجتماعی فراوانی نیز به همراه دارد. در واقع، محبت، اکسیری است که بسیاری از دردها و بیماری های روحی و روانی جوان را درمان می کند.(۲)

تـأمین نیـاز عـاطفی جوان و ارضـای نیـاز به محبت وی را از گفتـار امـام علی(ع) در نامه ۳۱ نهـج البلاغه خطاب به امام حسـن مجتبی(ع) می توان برداشت کرد. حضـرت در آن نـامه ضـمن تبیین راهکارهای تربیتی به فرزنـدش، سـخنان و عبارت هایی به کار برده است که بار عاطفی دارند

۱- حکمت نامه جوان، ص۳۳۳.

۲- حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت(ع)، ص ۶۰.

نشان دهنـده اظهار محبت آن حضـرت درحق فرزنـد جوانش است؛ چون بنابر شواهـد تاریخی، صدور این نامه، زمانی صورت گرفت که حدود سی سال از عمر امام حسن(ع) گذشته و او در دوره جوانی بود.

امام علی(ع) در بیان سـفارش های تربیتی خود بارها از عبارت «یا بُنَّی» اسـتفاده کرده است؛ یعنی «ای فرزنـد عزیزم!» این گونه سخـن گفتن بـا جـوان، تـوجه به جنبه عـاطفی و احساسـی اوست که می خواهـد دل وی را تسـخیر و قلب او را آمـاده پـذیرش دستورها و رهنمودهای تربیتی کند.(۱)

آنچه از آیات و روایات و سـیره معصومان(ع) به دست می آیـد، بر لزوم اهتمام ورزی پـدر و مادر به نیازهای اساسـی فرزندان جوانشـان دلالـت دارد. از این منظر، یکی از نیازهـای ضـروری جوان، نیـاز به محبت و احترام است و بایـد به این نیاز روحی و روانی وی توجه کرد.

پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله در پاسـخ به نیازهـای روحی و عـاطفی عمـار یاسـر درحالی که از گفتار ناصواب کفار قریش هنگام شـکنجه به شدت گریه می کرد، دستش را به سر و صورت او کشید و آب چشمانش را پاک کرد و فرمود: «خداوند از تو می گذرد و برای نجات از شکنجه قریش تمجید از الهه شان مانعی ندارد».(۲)

بنابراین، یکی از انتظارات جدّی جوان از خانواده، محبت و دوستی کردن با اوست. اگر پدر و مادر چنین رفتاری از خود نشان بدهند، یقیناً بر روح و روان جوان تأثیر می گذارد و به اصلاح رفتار وی کمک می کند؛ چون

۱- نک: نهج البلاغه، ترجمه: دشتی، نامه ۳۱.

۲- ۵محمد ابوشهبه، السیره النبویه، دمشق، دارالقلم، ۱۴۱۲ه_ . ق، ج۱، ص۳۴۱.

محبت، طبع سرکش جوان را رام و قلب و دل او را برای پذیرش آماده می کند.

دوم ـ نیاز به تکریم و احترام

دوم ـ نیاز به تکریم و احترام

این نیاز، برخاسته از اقتضای روح لطیف، قلب رقیق و دل نرم جوان است که با رفتار محبت آمیز پرورش می یابد. طبع آدمی چنان سرشته شده است که از خوبی و احترام، لذت می برد و از تعظیم و اکرام، نرم و ملایم و به تدریج، مجذوب و تسخیر می شود. جوان به دلیل ویژگی های روحی و روانی خاص خود، بیش از دیگران تحت تأثیر تکریم و احترام قرار می گیرد؛ زیرا به دلیل تربیت پذیری و روحیه هم گرایی با مردم، دوست دارد همواره خانواده و جامعه با دید مثبت به او نگاه کنند.(۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره تکریم شخصیت جوان می فرماید: «اَوْسِعُوا لِلشَّبابِ فِی المَجلس؛ برای جوانان در مجلس ها جا بازکنید.»(۲) جا باز کردن در مجلس برای تازه واردان، از آداب اسلامی و موجب تکریم شخصیت آنان است، ولی تأکید پیامبر بر رعایت آن در مورد جوانان به دلیل لزوم پرورش روحیه احترام خواهی آنان است. از این رو، پیامبر در دستور عمومی به همه پدران و مادران می فرماید: «اَکْرِمُوا اَوْلادَکم؛ فرزندانتان را گرامی دارید و به آنان احترام بگذارید.»(۳) این کلام پیامبر، شامل جوانان نیز می شود و چه بسا آنان به تکریم و احترام، شایسته تر هستند.

۱- نک: دوآن شولتز، نظریه های شخصیت، ترجمه: یحیی سید محمدی، تهران، نشر هما، ص۱۲.

۲- منتخب حکمت نامه جوان، ص۲۸۴.

۳- منتخب میزان الحکمه، ص۴۴۳.

جوان انتظار دارد خانواده و جامعه، شخصیت او را تکریم کنند. این انتظار، انتظار به حقی است که نسل جوان از دیگران، به ویژه پدر و مادر دارد و باید به این خواسته جوانان پاسخ مثبت داده شود. رفتار و گفتار حضرت علی(ع) با جوانان، راهنمای خوبی برای خانواده هاست. امام قبل از بیان دستورهای تربیتی به فرزندش می فرماید:

وَجَدتُکَ بَعضی بَل وَجَدتُکَ کُلِّی حَتّی کانَّ شَیئًا لَواصابَکَ اَصابَنِی وَ کانَّ الموتَ لَوأتاکَ اَتانی فَعَنانِی مِن اَمرِکَ ما یُعِنُنِی مِن اَمرِ نَفسی فَکَتبتُ اِلیک کِتابی مُستظهِراً به إن اَنا بقیتُ لَکَ او فَنَیتُ.(۱)

من تو را پاره ای از خود، بلکه همه موجودیت خود یافتم. تا آنجا که اگر چیزی به تو رسد، گویی به من رسیده و اگر مرگ سراغ تو آید، گویی سراغ من آمده است و درباره امور زندگی تو همان گونه اهتمام دارم که به امور حیات نفس خویشتن دارم. پس این نامه را نوشتم تا زندگی سعادتمندانه تو تأمین شود؛ چه من بمانم و چه نمانم.

برخورد علی(ع) در مقام مربی دل سوز با جوان مستعد تربیت، راهنمای خوبی برای پدران و مادران است تا جوان را به منزله وجود خود بپندارند و سود و زیان و خیر و شر او را متوجه خویش بدانند. حضرت ابتدا می فرماید: من تو را پاره ای از خودم یافتم. سپس می افزاید که تمام هستی ام را در وجود تو می بینم؛ به گونه ای که در مرگ و زندگی با هم شریک هستیم و به اندازه خودم به زندگی تو اهتمام دارم. گویی زندگی آن دو، یکی است و بدون دیگری نمی توانند به حیات خود ادامه دهند. این رفتار علی(ع)، تکریم و احترام والا و شایسته شخصیت جوان است و پیروان آن حضرت نیز باید از سیره ایشان پیروی کنند و به این مطالبه برحق جوانان

۱- نهج البلاغه، نامه ۳۱.

پاسخ مثبت دهند. امام به همه پدران و مادران، تعلیم داده است که چگونه باید به نسل جوان احترام بگذارند و شخصیت آنان را گرامی بدارند.

دو _ تأمین نیازهای طبیعی و جنسی

اشاره

دو _ تأمین نیازهای طبیعی و جنسی

همان گونه که جوان نیازهای روحی _ روانی و عاطفی دارد، نیازهای طبیعی و جنسی نیز دارد که باید تأمین شود. جوان دارای جسم و روح است و هر یک از این دو عنصر، خواسته های خود را دارند که به این نیازها باید توجه کرد.

اول _ نیاز به تفریح و گردش

اول _ نیاز به تفریح و گردش

گردش های سالم، یکی از نیازهای اساسی انسان است که جسم و روح آدمی به آن احتیاج دارد. چون روح و جسم بر اثر کار و تلاش و فعالیت های علمی و اقتصادی، خسته و کسل می شوند، به ترمیم و بازسازی احتیاج دارند. بدون گردش و تفریح نمی توان زندگی باطراوت و لذت بخشی داشت.

امام علی(ع) در حدیثی، برنامه روزانه مؤمن را به سه بخش تقسیم می کند که شامل جوان نیز می شود. آن حضرت می فرماید:

إنَّ للمُؤمِنِ ثلاثَ ساعاتٍ: فَساعةٌ یُناجِی فیها رَبَّهُ و ساعةٌ یُحاسِبُ فِیها نَفسَهُ و ساعَةٌ یُخلِی بَینَ نَفسِه و بَینَ لَذّاتِها فِیما یَحِلُّ و یَجمُلُ.(۱)

مؤمن]در زندگی روزانه[سه وقت]و سه برنامه باید[داشته باشد: وقتی برای مناجات، زمانی برای رسیدگی به حساب خویش و وقت دیگر برای لذت های حلال.

۱- تحف العقول، ص۲۰۳.

تفریح سالم و سرگرمی های مشروع، هم برای رفع خستگی و پرورش جسمی و هم برای تقویت روحی و آمادگی لازم برای فعالیت های بهتر مؤثر است؛ زیرا لذت حلال، هرگونه فعالیت علمی و فرهنگی را دربرمی گیرد که با حرام آمیخته نباشد.

روح آدمی بر اثر فعالیت های علمی و فکری خسته می شود و به برنامه ریزی دقیق نیاز دارد تا کار مفید انجام دهد و تفریح سالم داشته باشد. گردش و تفریح از نظر اسلام منعی ندارد و هرکس می تواند به منظور تقویت نیروی جسمی و روحی خود به سفرهای دور و نزدیک برود؛ مشروط به آن که حرامی مرتکب نشود.

پیامبراسلام دراین زمینه می فرماید:

إلَهوا و العَبُوا فإنّی أکرَهُ أن یُری فی دینکم غِلظَةً.(۱)

سرگرمی داشته باشید و تفریح کنید؛ چراکه خوش نمی دارم در دین شما درشتی و سختی دیده شود.

از این کلام پیامبر برمی آید که تفریح سالم مورد تأکید اسلام است. عمرو بن حریث می گوید: بر امام صادق(ع) وارد شدم و ایشان در خانه برادرش، عبدالله بن محمد بود. گفتم: جانم فدایت! چه شد که به این خانه آمدی؟ فرمود: «برای گردش و هواخوری.»(۲) براین اساس، تفریح و هواخوری چیزی است که معصومان(ع) بدان توجه و سفارش می کردند و آن بزرگواران نیز حتی در فضاهای محدود از آن بهره می بردند.

تفریح و گردش به صورت فردی یا گروهی، مورد پسند جوان است و نسل جوان از گشت وگذار در چمنزارها، رفتن به دامنه کوه ها، نشستن در

۱- حکمت نامه جوان، ص۱۲۶.

۲- حکمت نامه جوان، ص۱۷۷.

پـارک ها و گردش در باغ ها بیش از دیگران لـذت می برد؛ چون طبع جوانی آنها با طبیعت، بیشتر سازگار است و از مشاهـده کوه و دشت و سبزه، شـاد و خرم می شونـد. جوانان گاه به طور خودجوش گروه های تفریحی تشـکیل می دهنـد و در جاهای خوش آب و هوا نظیر مکان های سـرسبز و کوهسـتانی یا پارک های شـهر به گشت وگـذار و شوخی و خنده می پردازند. این اقدام جوانان، در بازیابی روحیه نشاط و سرزندگی آنان بسیار مؤثر است.

خانواده در ایجاد فضای مناسب تفریـح و سـر گرمی جوانان نقش دارد و می توانـد دراین زمینه به آنها کمک کند. تهیه وسایل تفریـح و همکـاری بـا نهادهـای مربوط برای اعزام جوانان به سـفرهای تفریحی و تشویق آنان به شـرکت در چنین برنامه هایی، چیزی است که از خـانواده انتظـار می رود. ایجـاد فضاهـای تفریحی ماننـد: ورزشـگاه، پـارک و مکان های سبز و باطراوت نیز وظیفه دولت است که به عنوان سـرپرست و مـدیر جامعه بایـد انجام دهد؛ چراکه دولت با برخورداری از نیروهای متخصـص و سرمایه های لازم قادر است سالن های بزرگ فرهنگی ـ تفریحی در سراسر کشور تأسیس کند. انتظار از خانواده آن است که برای شرکت جوانان در گردش های سالم، همکاری و تا جایی که ممکن است، در تهیه لوازم به آنان کمک کند.

دوم ـ نیاز به ازدواج

دوم ـ نیاز به ازدواج

از مهم ترین نیازهای طبیعی جوان، نیاز به ازدواج است. هر جوانی می خواهـد خانواده تشـکیل دهـد و زندگی اش سـروسامان پیدا کند. طبیعی است این نیاز در دوره جوانی شـکوفا می شود. هر جوانی (اعم از دختر و پسـر) می خواهد همسر انتخاب کند و در کنار همسر آرامش یابد؛ چراکه جوان در شرایطی متفاوت از گذشته قرار دارد: از نظر جسمی، رشدیافته؛

غرایز و گرایش هـای طبیعی در او شـکوفا شـده؛ تمایـل بـه جنس مخـالف در وی رو بـه فزونی رفتـه و اسـتقلال خـواهی و خودباوری در او به اوج خود رسیده است. در چنین شـرایطی، شایسته است که پدر و مادر زمینه ازدواج جوان را فراهم آورند و همسر مناسبی برایش انتخاب کنند. اگر والدین بی توجه باشند و به موقع اقدام نکنند، ممکن است جوان به تدریج به راه کج کشیده شود و سپس به دام کسانی بیفتد که می خواهند آرامش خـانواده ها و درنتیجه، امنیت جامعه را به هم بزننـد. طبیعی است اگر جوانان دچار فساد شوند، آثار زیان بار آن از خانواده به اجتماع نیز سرایت می کند. انتظار جوان از خانواده خود آن است که زمینه ازدواج او را فراهم آورد.

دین مقدس اسلام این خواسته جوانان را تأیید و از آن به عنوان حق جوان بر خانواده یاد کرده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

إنَّ مِن حَقِّ الوَلَدِ عَلی والدِه أن یُعَلِّمَهُ الکتابهَ و أن یُحسِّنَ اسمَهُ و أن یُزَوِّجَهُ اذا بَلَغَ.(۱)

از حقوق فرزند بر پدر است که به او نوشتن آموزد و نام نیکو بر او نهد و چون بالغ شد، همسرش دهد.

طرح زمینه سازی ازدواج فرزنـد به عنوان حق او بر پـدر اهمیت موضوع را می رسانـد. همان گونه که انتخاب نام نیکو و تعلیم نوشتن در سرنوشت فرزند مؤثر است، ازدواج نیز زندگی او را دگرگون می سازد. آثار تربیتی ازدواج، فراوان است و چه بسا جوانی که در فساد اخلاقی فرو رفته، بر اثر ازدواج یک باره نجات یابـد و راه درست را برگزینـد. اگر انـدکی وارد زنـدگی جوانان

۱- نهج الفصاحه، ص ۳۴۱.

شویم، نمونه های بسیاری از این قبیل افراد خواهیم یافت که با ازدواج و تشکیل خانواده، رفتارشان به کلی تغییر کرده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در باب ازدواج بسیار سخن گفته است و پدران و مادران را به تزویج جوانان تشویق می کند. آن حضرت درباره اهمیت نهاد خانواده می فرماید: «ما بُنِیَ فی الاسلامِ بناءً أحبَّ اِلی اللهِ و أعزَّ مِن التَّزویج؛ هیچ خانه ای در اسلام، محبوب تر و عزیزتر از ازدواج بنا نشده است».(۱)

بنابراین حدیث، از منظر رسول خدا صلی الله علیه و آله محکم ترین و با ثبات ترین بنایی که در اسلام پدید می آید، نهاد خانواده است که با ازدواج پسر و دختر جوان تشکیل می شود؛ زیرا ازدواج، سلامت مادی و معنوی جوان را بیمه می کند و او را از انحراف های جنسی و اخلاقی نگه می دارد. پیامبر در حدیث دیگری می فرماید:

إذا تَزَوَّجَ الْعَبْدُ فَقَدْ اسْتَکْمَلَ نِصْفَ الدِّینِ فَلْیَتَّقِ اللهَ فِی النِّصْفِ الْباقی.(۲)

زمانی که بنده ای ازدواج کند، نصف دینش را کامل کرده است و نسبت به نصف دیگر باید از خدا بترسد.

مخاطب اصلی پیامبر در روایات، جوانان هستند؛ یعنی آنها باید همت کنند هر چه زودتر همسر برگزینند و خانواده تشکیل دهند. طبیعی است که زمینه سازی ازدواج جوان از وظایف والدین است و آنها باید شرایط آن را فراهم آورند.

اگر پدر و مادر در صورت توان، در این امر کوتاهی کنند، مقصر خواهند بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

۱- منتخب میزان الحکمه، ص۲۳۳.

۲- منتخب میزان الحکمه، ص۲۳۳.

مَن بَلَغَ وَلَدُه النَّکاحَ وَ عِندَه ما یُنکُحُه ثُمَّ اَحدَثَ حَدَثاً فَالْاِثْمُ علیه.(۱)

هر کس فرزنـدش به سن ازدواج برسد و بتواند برایش همسر برگزیند و چنین نکند، هر حادثه ای پیش آید، گناهش بر عهده او است.

سه ـ تأمین نیازهای مالی

اشاره

سه ـ تأمین نیازهای مالی

دسته دیگری از نیازهـای جوان، نیاز مالی و اقتصادی اوست. هر جوانی در زنـدگی خود به پول و لوازم شخصـی احتیاج دارد. شایـد برخی جوانـان در مسائل اقتصادی مسـتقل و خودکفا باشـند، ولی بیشتر آنان متکی به کمک های خانواده هسـتند. ازاین رو، انتظـار دارنـد پـدر و مادر از آنها حمایت مالی کننـد. اینجا به چنـد مورد از نیازهای مالی جوانان و توقع تأمین آن از سوی خانواده اشاره می کنیم:

اول ـ نیازهای اقتصادی

اول ـ نیازهای اقتصادی

جوان هماننـد دیگران در زنـدگی فردی و اجتماعی خویش نیاز مالی دارد که توجه خانواده به آن، ضـروری به نظر می رسـد. این نوع نیاز های جوانان را نمی توان در قالب خاصـی قرار داد؛ چون نیازهای عام آنها زمان معیّنی نـدارد و هر روز برای رفتن به مـدرسه، شـرکت در گردش های گروهی، دیـدار دوسـتان و هم سالان، تهیه لوازم شخصـی و امثال آن به پول نیاز پیـدا می کنند و انتظار تأمین آن را از خانواده دارند.

در قرآن کریم می خوانیم: «یُوصِیکُمُ اللّهُ فِی أولادِکُم؛ خداونـد درباره فرزنـدانتان به شـما سـفارش می کنـد.» (نساء: ۱۱) این سفارش خداونـد، عام است و همه فرزندان و هر نوع سـفارش از جمله کمک های مالی را دربرمی گیرد. چنان که در روایات معصومان(ع) درباره انفاق بر اولاد، بسیار تأکید شده است. پیامبر اسلام نیز می فرماید: «وما أطعَمتَ وَلدَکَ فهُو لَکَ صَدَقَهٌ؛ هر غذایی که به فرزندت

۱- حکمت نامه جوان، ص۲۷۶.

می دهی، صدقه است.»(۱) همچنین امام صادق(ع) در مورد نفقه می فرماید: «انسان ملزم است نفقه پدر و مادر، فرزندان و همسر را پرداخت کند».(۲)

از آیات و روایات به دست می آید که درصورت نیازمندی فرزند جوان، پدر و مادر باید به او مساعدت و از نظر اقتصادی، وی را پشتیبانی کنند. همچنین به داوری عقل و عرف، پدران و مادران بایستی از جوانان دست گیری کنند و از یاری رسانی به آنان دریغ نورزند.

امام باقر(ع) می فرماید:

علی(ع) به بازار پارچه فروش ها آمد و به مردی فرمود: «دو جامه به من بفروش.» آن مرد گفت: ای امیرمؤمنان! آنچه مطلوب شماست، نزد من است. چون پارچه فروش امیر مؤمنان را شناخت،]از او خرید نکرد و[گذشت. نزدیک]فروشنده[جوانی ایستاد و دو جامه خرید؛ یکی را به سه درهم و دیگری را به دو درهم. آنگاه به قنبر فرمود: «ای قنبر! تو این جامه را که به سه درهم خریده ام، بردار.» قنبر گفت: شما به آن سزاوارترید،]چون[منبر می روید و برای مردم، سخنرانی می کنید. علی(ع) فرمود: «و تو جوانی و خواسته های جوانی داری و من از پروردگارم خجالت می کشم که خود را بر تو مقدم بدارم».(۳)

علی(ع) نیاز قنبر ــ صحابه جوانش ــ را می دانست که لباس، لازم دارد و از طرفی هم او توان خرید پیراهن را نداشت. ازاین رو، بلافاصله حضرت نیاز او را به بهترین شکل (دادن پیراهن برتر) تأمین کرد. این سیره عملی امام علی(ع)، الگوی خوبی برای متولیان امور جوانان است تا نیازهای جوانان را بشناسند و برای رفع آن تلاش کنند. علی(ع) شخصیت قنبر را

۱- نهج الفصاحه، ص ۶۹۵.

۲- موسوعه احکام الاطفال و ادلتها، قم، مرکز فقه الائمه الاطهار(ع)، ۱۴۲۸ ه ــ .ق، ج ۱، ص ۳۹۱.

۳- حکمت نامه جوان، ص۲۸۶؛ نقل از: بحارالانوار، ج ۴۰، ص۳۲۴، ح۶.

درک کرد و نیاز او را شناخت و پیراهن گران بهایی را که شایسته خودش بود، به وی بخشید و او را بر خود مقدم داشت. این رفتار علی(ع) درسی است برای همه مسلمانان که به شخصیت جوان احترام بگذارند، با نسل جوان مهربان باشند و این مهربانی را در عمل نشان دهند.

مطالبه اقتصادی جوان از خانواده قابل توجه است و نباید از آن غفلت کرد؛ زیرا جوان از یک سو، با روحیه جوانی که دارد، به مصرفِ بیشتر متمایل است و می خواهد از دوستانش کم نیاورد. از سوی دیگر، چون هنوز کار و کسب درستی ندارد و دستش خالی است، انتظار دارد خانواده به وی یاری رساند و در مشکلات زندگی از وی دست گیری کند.

امروزه بیشتر جوانان با این مشکل روبه رو هستند و به همکاری پدر و مادر و جامعه نیاز جدّی دارند. بسیاری از خانواده ها نمی توانند نیازهای فرزندان خود را تأمین کنند. در اینجا افراد نیکوکار جامعه باید تدبیری بیندیشند و زمینه رشد اقتصادی خانواده ها را فراهم آورند.

دوم ـ نیاز به وسایل رفاهی

دوم ـ نیاز به وسایل رفاهی

جوان به تفریح و گشت و گذار و سرگرمی نیاز دارد و می خواهد با رفاه و آسایش بیشتر زندگی کند. او انتظار دارد خانواده، وسایل بهتر، خانه بهتر، لباس های نو و مُد روز و غذاهای مناسب برایش تهیه کند. خانواده باید به این خواسته جوان ـ اگر بیش از توان آنها نیست ـ توجه کند و زمینه بهتر زیستن او را فراهم آورد؛ چراکه فرزندان، پاره تن آدمی هستند و فراهم ساختن نیازهای رفاهی آنان در واقع، کمک به خویشتن است.

در مقابل، دریغ کردن از کمک های مالی به آنها، پی آمدهای ناگوار روحی و روانی دارد که جبران نمی شود و گاه موجب سرافکندگی جوانان

نزد دوستان و جامعه می شود.(۱) پیامبر در پاسخ مردی که گفت دیناری دارم، آن را کجا مصرف کنم؟ فرمود: «أُنفِقهُ عَلَی ولدك؛ آن را به فرزندت ببخش»؛(۲) زیرا نیاز او به انفاق و بخشش مالی، بیشتر و کمک به او شایسته تر است.

اگر آن جوان، دختر باشد، بیشتر به لوازم رفاهی و آسایشی نیاز دارد و توجه به نیازهای او لازم تر است؛ چون دختران ازیک سو، با داشتن نیازهای مختلف، خود، قادر به تأمین آن نیستند و از سوی دیگر، دارای احساسات بالا و رقت قلب هستند و اگر به نیازهای آنان توجه نشود، به شدت متأثر می شوند. از این رو، زنان و دختران مورد مهربانی ویژه خداوند قرار دارند. پیامبر می فرماید: «إنّ الله تبارك و تعالی عَلَی الاناثِ أَرقُّ منه عَلَی الذُّکورِ؛ به درستی خدای تبارك و تعالی بر زنان مهربان تر است نسبت به مردان»؛(۳) زیرا زنان و دختران، عواطف شدیدتری نسبت به مردان و پسران دارند. دختر جوان همانند گل زیبایی است که به نگهبانی و پرورش نیاز دارد و همیشه باید باغبان گل را آبیاری کند و موانع رشد آن را برطرف سازد تا به ثمر برسد. نقش خانواده نیز در تربیت دختر همچون باغبان است و همواره باید نیازهای جسمی و روحی او را برطرف کند.

شاید براین اساس، خداوند سرپرستی مریم را به زکریا واگذار کرد تا نیازهای وی را تأمین و از وی پاسداری کند: «... و کفَّلَها زکرِیّا...؛ ... و زکریا را سرپرست وی قرار داد... .» (آل عمران:۳۷) همچنین، خداوند، خود به مریم رزق و روزی می داد: هر زمان زکریا وارد محراب مریم می شد، غذای مخصوصی

۱- حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت(ع)، ص۲۶۶.

۲- ۲.موسوعه احکام الاطفال و ادلتها، ص۳۹۱.

۳- وسائل الشیعه، ج۱۴، ص۱۰۴.

در آنجا می دید. از او پرسید: ای مریم! این را از کجا آورده ای؟ گفت: این از سوی خداست. خداوند به هرکس بخواهد، بی حساب روزی می دهد.

این داستان، نمونه ای است از عنایت خاص خداوند به مریم، به عنوان دختری جوان که نیازهای گوناگونی دارد و حق تعالی تأمین آن را عهده دار شده است. بنابراین، خانواده ها تا می توانند، باید به خواسته های معقول جوانان پاسخ دهند و نیازهایشان را برآورده کنند. این کار، از یک سو، وظیفه دینی و اسلامی خانواده هاست که باید به خویشاوندان و بستگان رسیدگی کنند و از سوی دیگر، نوعی پرورش و شکوفاسازی شخصیت جوان است؛ زیرا با ابراز محبت پدر و مادر و تأمین نیازهای مالی و رفاهی جوان، رابطه جوان با خانواده قوی تر و محکم تر می شود.

سوم ـ نیاز به اتاق جداگانه

سوم ـ نیاز به اتاق جداگانه

این نیاز برخاسته از حس استقلال خواهی جوان است. جوانان در این دوره می خواهند زندگی مستقلی داشته باشند. استقلال از پدر و مادر و دیگر اعضای خانواده، چیزی است که جوانان به آن علاقه دارند. آنان در حیطه زندگی خود کارهایی می خواهند انجام دهند که دوست ندارند دیگران، حتی پدر و مادر از آن باخبر باشند. اختصاص اتاق به جوان، افزون بر آن که پاسخ گویی به حس استقلال خواهی اوست، آثار تربیتی دیگری نیز در شخصیت وی دارد، از جمله کمک به فعالیت درسی و پیشرفت تحصیلی جوان که وی با تمرکز حواس و دور از دغدغه های فکری به مطالعه و بررسی کتاب های درسی می پردازد. از جنبه طبیعی و غریزی نیز هرچه زندگی آرام و جای خلوت برای جوان فراهم باشد، کمتر دچار وسوسه و تحریک جنسی می شود.

به همین دلیل، جداسازی بستر خواب فرزندان پس از رسیدن به مرحله تمییز و شناخت بد و خوب و زشت و زیبا، چیزی است که در روایات معصومان(ع)، بر آن تأکید شده است. پیامبر اسلام می فرماید: «اذا بَلَغَ أولادُکُم سَبعَ سِنِین فَفَرِّقُوا بَینَ مَضاجِعِهِم؛ زمانی که فرزندان شما به هفت سالگی رسیدند، خوابگاهشان را از یکدیگر جداسازید».(۱)

این کار آثار تربیتی مهمی به همراه دارد. هرچه سن فرزند افزایش یابد، نیاز به جداسازی اتاق خواب وی بیشتر احساس می شود؛ زیرا غرایز انسان در دوره نوجوانی و جوانی رشد می کند و امیال طبیعی او شکوفا می شود. در این شرایط بهتر است وی در جای خلوتی دور از محرک های بیرونی زندگی کند و درصورت امکان، کمتر با جنس مخالف تماس برقرار کند.

براین اساس، یکی از خواسته های جوان از خانواده، تهیه اتاق مستقل برای وی است که باید به آن توجه شود. چنان که در فقه بیان شده، نفقه نیز بر اساس شأن فرزند و به اندازه کفایت نیاز او لازم است، نه حال والدین؛ به این معنا که غذا، پوشاک و مسکن باید به مقدار نیاز جوان فراهم شود. یکی از نیازهای فرزند در نوجوانی و جوانی، داشتن اتاق جداست تا زندگی بهتری داشته باشد.(۲)

۲. انتظارات جوان از جامعه

اشاره

۲. انتظارات جوان از جامعه

همان گونه که جوان انتظاراتی از خانواده دارد، از جامعه اسلامی نیز خواسته هایی دارد که حکومت اسلامی به عنوان مدیر جامعه، مسئول

۱- علاءالدین متقی هندی، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۹ه_ . ق، ج ۱۶، ص ۴۴۱.

۲- نک: موسوعه احکام الاطفال و ادلتها، ص ۴۲۰.

رسیدگی به حقوق جوانان است. انتظارات جوانان از جامعه در قالب حقوق ملت بر دولت قابل تبیین است که در بعضی روایات نیز آمده است. مهم ترین خواسته های جوان از جامعه عبارتند از:

الف) انتظارات فردی

اشاره

الف) انتظارات فردی

انتظارات فردی جوان جنبه شخصی دارد؛ به این معنا که در صورت برآورده شدن آن انتظار، سود و نفعش در درجه اول به خود جوان برمی گردد و در درجه دوم ممکن است به اجتماع برسد.

یک ــ زمینه سازی رشد استعدادهای جوان

یک ــ زمینه سازی رشد استعدادهای جوان

رشد استعداد جوان تا حدودی فردی و مربوط به فعالیت خود اوست، ولی جامعه باید زمینه های آن را فراهم آورد؛ زیرا زمینه سازی پرورش استعدادهای جوان به فعالیت و هزینه فراوان نیاز دارد که از عهده نسل جوان و خانواده های آنان خارج است. برای مثال، برای شکوفا شدن استعداد ورزشی جوان، به سالن ورزشی، مربی ماهر و امکانات مختلف نیاز است و این کار از حکومت ساخته است، نه خانواده. جوان هم انتظار دارد که مسئولان امر آن را فراهم آورند. اگر استعداد جوان در دوره جوانی شکوفا نشود، این فرصت از دست می رود و در دوره پیری نمی توان آن را جبران کرد. علی(ع) می فرماید: «بَادِرِ الفُرصَهَ قَبلَ أَن تَکُونَ غُصَّهً؛ فرصت را پیش از آن که اندوه گردد، دریاب.»(۱) در جمله دیگر می فرماید: «مَا أَقرَبَ الدُنیَا مِنَ الذَّهابِ و الشَّیبَ مِنَ الشَّبابِ؛ چه نزدیک است دنیا به نابودی و جوانی به پیری».(۲)

۱- حکمت نامه جوان، ص۴۴.

۲- حکمت نامه جوان، ص۴۴.

شکوفا شدن استعدادهای جوان نیازمند زمینه سازی و برنامه ریزی درست و دقیق است. همه نیروهای فعال و تأثیرگذار در عرصه اجتماع می توانند دراین مورد سهیم باشند، ولی نقش حکومت دراین مسئله، بسیار چشمگیر است؛ زیرا دولت، صاحب اختیار همه منابع مادی و نیروهای انسانی جامعه است و می تواند با برنامه ریزی های مناسب، انتظارات نسل جوان را تأمین کند و توانایی های آنان را به فعلیت برساند.

امام علی(ع) خطاب به همه ملت می فرماید:

أَيُّها النّاسُ إنَّ لِی عَلَیکُم حَقّاً و لَکُمْ عَلَی حقٌّ فَأَمَّا حقُّکُم علَی فَالنَّصِیحَهُ و تَوفِیرُ فَیئکُم.(۱)

ای مردم! مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است. حق شما بر من آن است که از خیرخواهی شما دریغ نورزم و بیت المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم.

کلام علی(ع) در مورد حقوق رعیت، شامل جوانان نیز می شود و از جمله حقوق آنان بر حکومت، برخورداری از حق پیشرفت در عرصه های دینی، ارزشی، معنوی و تحصیلی است که باید در این موارد برنامه ریزی و تأمین اعتبار صورت گیرد.

نکته قابل توجه در گفتار امام علی(ع) آن است که حضرت در زمان تصدی حکومت اسلامی این سخن را بیان فرموده و حقوق ملت را بر دولت تثبیت کرده است؛ یعنی همه مردم (اعم از زن و مرد و پیر و جوان) حقوقی برعهده دولت دارند و نسل جوان گروه مهم جامعه را تشکیل

۱- نهج البلاغه، ترجمه: دشتی، خطبه ۳۳.

می دهند و ادای حقوق آنها لازم تر است. از این رو، توجه جدّی به نیازها و انتظارات آنان در شرایط امروزی از هر زمان دیگر ضروری تر می نماید.

حضرت در عهدنامه مالک اشتر نخعی _ که به منشور حکومتی ایشان معروف است _ به مالک می فرماید: «تَفَقَّد مِن اُمُورِهِم ما یَتفَقَّد الوَالِدانِ مِن وَلَدهما؛ آن گونه درباره امور مردم بیندیش که پدر و مادر مهربان نسبت به فرزندشان می اندیشند و برای آینده او برنامه ریزی می کنند.»(۱) بررسی اوضاع جوانان به دلیل حساسیت دوره جوانی از هر کاری لازم تر است؛ زیرا رشد و تکامل ابعاد وجودی جوان از یک سو، به همت اولیا و مربیان و از سوی دیگر، به دستگاه حکومت بستگی دارد. ایجاد عرصه فعالیت در تمام فنون مورد نیاز جامعه از عوامل مؤثر در رشد اندیشه جوانان است. جوان تنها در صورتی به ابتکار و خلاقیت دست خواهد یافت که امکانات لازم برای به فعلیت رسیدن توانایی های فکری و هنری او فراهم باشد، چنان که جهانِ صنعتی از همین راه به فنون جدید دست یافته است. دنیای اسلام نیز اگر این مسیر را بپیماید، می تواند شاهد شکوفایی استعدادهای نسل جوان و دست یابی به نوآوری های جدید علمی باشد. براین اساس، خواسته مهم جوانان از جامعه، به ویژه نهاد حکومت آن است که عرصه های فعالیت علمی و فن آوری را برایشان آماده سازد. تجربه نشان داده حکومتی در دنیا موفق بوده است که نیروی های جوانش را به کار گرفته و شغل و حرفه مناسب برای آنان فراهم آورده است.

۱- نهج البلاغه، ترجمه: دشتی، نامه ۵۳.

دو ــ زمینه سازی ابتکار و خلاقیت جوان

دو ــ زمینه سازی ابتکار و خلاقیت جوان

نوآوری در عرصه های علمی و فرهنگی، از هدف های راهبردی همه حکومت هاست و خواسته هر دولتی است که به تکنیک های مدرن و پیشرفته روز دست یابد. آنها در این زمینه سرمایه گذاری می کنند و همواره در تلاش هستند تا به فن آوری های جدید علمی دست یابند، چنان که رقابت های نظامی و تسلیحاتی شرق و غرب از دیر زمان، با همین هدف قابل توجیه است.

میزان پیشرفت کشورها به برنامه ریزی های منظم و سامان دهی نیروهای کاری و هدایت نسل جوان بستگی دارد. نقش جوانان در نوآوری علمی و پیشرفت صنعت و فنون جدید، روشن است. کشوری دراین زمینه موفق تر است که شرایط ابتکار و خلاقیت را در جامعه فراهم آورد و نسل جوان را در جهت تحصیل دانش های رایج روز، هدایت کند. ابتکار و خلاقیت به علوم تجربی اختصاص ندارد، بلکه حوزه فرهنگ و تمدن دینی را نیز دربرمی گیرد؛ زیرا ممکن است برخی جوانان در قلمرو معارف اسلامی نیز راهکارهایی معرفی کنند که در اجرای دستورهای دینی کارسازتر باشد. برای مثال، در مورد علوم نرم افزاری به طرح ها و فرمول های تازه ای برسند و معارف اسلامی را به شیوه روز به جهان عرضه کنند.

انتظار زمینه سازی ابتکار و خلاقیت، با ویژگی نهفته در ذات جوان هماهنگ است؛ زیرا او طبع خلاق و بالنده دارد و همواره می خواهد به یافته های جدیدی در عرصه علم و عمل برسد. ازاین رو، توقع دارد زمینه

بالندگی و شکوفایی توانایی هایش فراهم شود و این از انتظارات بر حق نسل جوان است.

شاید خانواده های ثروتمند بتوانند در برخی موارد، فضای محدودی را به منظور نوآوری علمی فراهم آورند، ولی در سطح عموم نمی توانند اثرگذار باشند. بنابراین، دولت باید در عرصه های گوناگون علم و صنعت، زمینه ابتکار و خلاقیت جوانان را به وجود آورد. جوانان نیز باید همت کنند، از بیکاری و تنبلی دست بردارند، با جدّیت و پشتکار به تحصیل دانش بپردازند و به خلاقیت و نوآوری دست یابند.

خداوند در یک دستور کلی به جوامع اسلامی می فرماید:

وَ اَعِدُّوا لَهُم مَا استَطَعتُم مِن قُوَّهٍ وَ مِنْ رِباطِ الخَیلِ تُرهِبونَ بِهِ عَدُوَّاللهِ وَ عَدُوَّکَم و آخرین مِنْ دونِهم. (انفال:۶۰)

و هرچه در توان دارید از نیرو و اسب های آماده بسیج کنید تا با این تدارکات، دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان _ که شما نمی شناسیدشان و خدا آنان را می شناسد _ بترسانید.

یعنی با همه امکانات به میدان وارد شوید و نیروهای جوان را به کار بگیرید و در تمامی شئون زندگی به نوآوری برسید تا در برابر دشمنان خدا و دشمنان خود شکست نخورید. این فرمان الهی، می طلبد که همه جوانان در صحنه های مختلف دینی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نظامی، ابتکار و خلاقیت خود را نشان دهند. دولت نیز باید در همه زمینه ها همکار و پشتیبان آنها باشد تا ظرفیت های وجودی شان به شکوفایی برسد.

ب) انتظارات علمی و فرهنگی

اشاره

ب) انتظارات علمی و فرهنگی

جوان، در زمینه علمی و فرهنگی نیز انتظاراتی از جامعه دارد که به این نوع مطالبات آنان هم باید توجه کرد. پیشرفت علمی و فرهنگی جوان، جنبه

فردی دارد و تا حدودی مربوط به رشد شخص وی است، ولی نتیجه تحصیلات جوانان به طور مستقیم متوجه جامعه می شود و هر کار علمی و فرهنگی انجام دهد، به جامعه ای متعلق است که در آن زندگی می کند.

یک ــ زمینه سازی تحصیل جوانان

یک ــ زمینه سازی تحصیل جوانان

علم آموزی خواسته هر انسان عاقل و صاحب اندیشه است که همواره در جهت آن حرکت می کند. تحصیل دانش از منظر اسلام، مهم ترین برتری بر دیگر انسان ها به شمار می رود. خداوند در قرآن می فرماید: «هَل یَستَوی الَّذینَ یَعلَمُونَ وَ الَّذینَ لا یَعلَمُونَ؛ آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند، یکسانند.» (زمر:۹) چنین نیست؛ زیرا عالمان چیزی (علم) دارند که نادانان از آن محروم هستند. علم به مفهوم عام آن، همه دانش های رایج بشری را در برمی گیرد؛ یعنی هر دانشمندی نسبت به کسی که از دانش او بی بهره است، برتری خواهد داشت. از منظر قرآن و روایات اسلامی، علم در مفهوم خاص آن، علوم دینی است و پاداشی که در متون، به آن وعده داده شده، برای علم به معارف الهی و عالم به آن است. ازاین رو، معارف اسلامی، مهم ترین مواد آموزشی نسل جوان را تشکیل می دهد.

علی(ع) در نامه ای به فرزندش امام حسن(ع) فرمود:

وَ أَن أَبتَدئَکَ بِتَعلیمِ کِتابِ الله عَزَّوَجَلَّ وَ تَأویلِهِ وَ شَرایعِ الاِسلامَ وَ اَحکامِهِ وَ حَلالِهِ وَ حَرامِهِ وَ لا اُجاوِزُ ذلِکَ بِکَ اِلَی غَیرِهِ.(۱)

در آغاز تربیت، تصمیم گرفتم کتاب خدای توانا و بزرگ را همراه تفسیر آیات، به تو بیاموزم و شریعت اسلام و احکام آن از حلال و حرام را به تو تعلیم دهم و به چیز دیگری نپردازم.

۱- نهج البلاغه، ترجمه: دشتی، نامه ۳۱.

چند نکته آموزشی از این کلام علی(ع) به دست می آید: اول، چگونگی محتوای آموزشی جوانان باید با قرآن و شریعت اسلامی و حلال و حرام الهی آغاز شود. دوم، پدر و مادر خود باید به آموزش جوانان اقدام کنند. سوم، حاکم اسلامی باید با تعلیم و تربیت نسل جوان ارتباط مستقیم داشته باشد و در حد امکان، خود، به آنان آموزش دهد.

علوم غیر دینی را که در مسیر تکامل معنوی انسان و خدمت به مردم قرار می گیرند و در راستای سربلندی جامعه اسلامی به کار می روند، می توان جزو علم به معنای خاص قرار داد. صاحبان آن دانش هم از پاداش های موعود در آیات و روایات بهره مند خواهند شد؛ چون نتیجه این گونه دانش ها موجب تقویت نظام اسلامی و سبب اعلای کلمه توحید می شود و این کار در شرایط امروز، باارزش ترین عمل به شمار می آید. افزون براین، نوآوری در عرصه علم و صنعت و تجهیزات نظامی به ایجاد امنیت، اقتدار ملی و جهانی، استقلال کشور و سیاست گذاری خارجی کمک می کند.

منظور از زمینه سازی تحصیل جوانان در حوزه علوم دینی و غیردینی، هم آموزش در عرصه علوم اسلامی و هم آموزش در فضای علوم روز و رشته های رایج در مراکز علمی جهان، به ویژه علوم انسانی است. تحصیل در دوره جوانی چیزی است که در عرف خردورزان و متون دینی بر آن تأکید بسیار شده است؛ چراکه جوان در مقایسه بزرگ سالان از توان و قدرت یادگیری بالایی برخوردار است و باید از این فرصت جوانی استفاده کند.

انتظار نسل جوان از جامعه و در رأس آن، نهاد حکومت است که مقدّمات تحصیل، نظیر تأسیس مراکز آموزشی، متون درسی، تهیه امکانات

تحصیلی و به کارگیری استادان شایسته را برایشان پدید آورند و آنان بتوانند با همت عالی و تلاش روزافزون، به سطوح عالی دانش دست یابند. علی(ع) در خطبه ۳۴ نهج البلاغه، تعلیم و تربیت نسل جوان را بر عهده حاکم اسلامی دانسته است و می فرماید:

فَأَمَّا حَقُّكُم عَلَيَّ فَالنَصيحَةُ لَكُم وَ تَوفِيرُ فَيئِكُم عَلَيكُم و تَعلِيمِكُم كَي لا تَجهَلُوا و تأديبِكُم كَيما تَعلَمُوا.

حق شما بر من آن است که از خیرخواهی شما دریغ نورزم و بیت المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم و شما را آموزش دهم تا بی سواد و نادان نباشید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید.

سیره علی(ع) در تربیت فرزند، این امر را نشان می دهد که در کنار زمینه سازی مقدّمات تحصیل، خود نیز به این امر اهتمام می ورزید. از این گفتار برمی آید که سیره علی(ع) در تعلیم فرزند، آموزش دستورهای اسلام و معارف قرآن بود، نه چیزی دیگر؛ زیرا آن حضرت، روش تربیت فرزند را در نامه ۳۱ نهج البلاغه به خوبی بیان کرده و راهکار ها و محتوای آموزشی را معیّن فرموده است در کلام ایشان بیان شده است که چه علمی را چگونه باید به فرزندان آموزش داد.

نسل جوان جویای تحصیل هستند و انتظار دارند نظام حاکم بر جامعه، به مطالبه آنان توجه کند و شرایط تحصیل را برایشان فراهم سازد. بسیاری از حکومت ها نیز در عمل نشان داده اند که درصدد تحقق شایسته این خواسته جوانان بوده و هستند و بیشترین سرمایه دولت را در زمینه تحصیلات عمومی و عالی کشور هزینه می کنند. البته، تنها هزینه مالی کارساز نیست. آنچه مهم تر به نظر می رسد، برنامه ریزی درست و دقیق است

که باید از متخصصان هر رشته تحصیلی برای رشد کمّی و کیفی آن رشته بهره جست.

بـدین ترتیب، تخصـص در فنون مختلف، جایگاه ویژه خود را پیدا می کند و صاحبان فن بالاترین امتیاز را به دست می آورند. برنامه سازان صداوسـیما می تواننـد دراین زمینه تأثیرگذار باشـند و با راهنمایی درست جوانان، آنان را با رشـته های گوناگون علمی آشنا سازند تا هنگام انتخاب گرایش، مناسب ترین گزینه را برگزینند.

دو ـ زمینه سازی مشارکت جوانان در امور فرهنگی و تربیتی

دو ـ زمینه سازی مشارکت جوانان در امور فرهنگی و تربیتی

فرهنـگ سـازی، از امور مهم در جـامعه اسـلامی است و کـاری بایـد کرد که فرهنـگ جـامعه، فرهنگ دینی شود. امام خمینی رحمه الله دراین زمینه می فرماید:

کوشش کنید که فرهنگ را فرهنگ اسلامی درست کنید.]چون[جوان هایی که در این فرهنگ تربیت می شوند، همان هایی هسـتند که مقـدرات کشور در دست آنهاست. اگر اینها درست بار بیاینـد]و[همه خدمت گزار مردم و امین بیت المال باشـند، سعادت جامعه تأمین می شود و همه اینها تحت رهبری اسلام تحقق پیدا می کنند.(۱)

همچنین ایشان در سخنان دیگر می فرماید:

بایـد کوشـش کنید مفاسد فرهنگ حاضـر را بررسـی کرده و به اطلاع ملت ها برسانید و با خواست خداوند متعال آن را عقب زده، به جای آن، فرهنگ اسـلامی ـ انسانی را جای گزین کنیـد تا نسل های آینـده با روش آن که روش انسان سازی و عدل پروری است، تربیت شوند.(۲)

۱- صحیفه امام، ج ۸، ص ۸۹.

۲- صحیفه نور، ج ۱، ص ۳۰۰.

اهمیت فرهنگ سازی و لزوم رشد معنوی جامعه از این فرازهای گفتار امام راحل رحمه الله به خوبی روشن می شود و پرسش این است که این امر چگونه تحقق می پذیرد؟

به نظر می رسد، از راهکارهای دست یابی به این مهم، مشارکت دادن جوانان در کارهای فرهنگی و تربیتی جامعه است که این کار بسیار اثربخش خواهد بود؛ زیرا برنامه ریزی و اجرای طرح های فرهنگی در اجتماع به نیروی های فعال و باذوق و سلیقه هنری نیاز دارد تا آن نیروها بتوانند در جهت رشد و شکوفایی فرهنگ جامعه وارد عمل شوند. نسل جوان، تنها گروهی هستند که می توانند گام های مؤثری دراین زمینه بردارند و منادیان فرهنگ اسلام و قرآن باشند. تبلیغات اسلامی در شهر و روستا، برگزاری مراسم اعیاد و وفات معصومان(ع)، شرکت در مراسم نمازهای جمعه و جماعت به صورت هماهنگ و باشکوه، از نمادهای مشارکت جوانان در امور فرهنگی و تربیتی است. جوانان انتظار دارند که جامعه اسلامی زمینه مشارکت آنان را دراین گونه برنامه ها فراهم سازد.

سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت(ع)، ضرورت مشارکت دادن نسل جوان در امور فرهنگی و تربیتی جامعه را روشن می کند. بررسی سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله در مکه و مدینه، به خوبی نشان می دهد که آن حضرت در همه عرصه های فرهنگی، تبلیغی، تربیتی و رزمی از نیروهای جوان بهره می بردند. داستان هجرت جمعی از یاران پیامبر به سرپرستی جعفر بن ابی طالب، برادر علی(ع)، به حبشه و تبلیغات دینی و فرهنگی آنها در آن سرزمین، سبب نشر

معارف اسلام و درنهایت، موجب مسلمان شدن نجاشی (رئیس حکومت) و عده ای از مردم حبشه شد.(۱)

ملاقات مسلمانان با پادشاه حبشه و گفت وگوی رودررو با نمایندگان قریش و سخنان قوی و منطقی جعفر، چنان حاکمان حبشه را تحت تأثیر قرار داد که بی درنگ از آنان طرفداری کردند و به ایشان پناه دادند.(۲) امروزه نیز اگر به جوانان میدان داده شود و زمینه فعالیت آنان فراهم گردد، همان نقشی را که جوانان صدر اسلام در انتشار معارف الهی داشتند، نسل جوان کنونی هم در نشر تعالیم اسلام و عزت و اقتدار جامعه اسلامی ایفای نقش خواهند کرد.

ج) انتظارات سیاسی و اجتماعی

اشاره

ج) انتظارات سیاسی و اجتماعی

جوانان انتظار دارند در حیطه سیاسی و اجتماعی نیز مشارکت کنند. رایزنی، راهنمایی، شرکت در انتخابات و اعتراضات، حمایت از نظام اسلام و امثال آن، نمادهای سهم گیری نسل جوان در امور سیاسی و اجتماعی است که با پشتیبانی دولت امکان پذیر است.

یک ـ رایزنی با جوانان

یک ـ رایزنی با جوانان

یکی از انتظارات جوان از خانواده و اجتماع، مشورت کردن با اوست. وقتی فرزند به سن بلوغ و جوانی برسد، با ویژگی های جسمی و روانی خاصی که دارد، حس استقلال خواهی در او غلبه می کند و می خواهد در مسائل زندگی مستقل باشد و در تصمیم گیری های مربوط به امور خانواده و جامعه سهیم گردد و این انتظار را دارد که در همه زمینه ها با وی مشورت شود.

۱- جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲، ج ۱، ص۳۰۹.

۲- جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۱۵.

قرآن کریم هم دستورهایی در مورد مشاوره و راهنمایی داده است که جوانان را به سهم گیری در این کار تشویق می کند. حتی خداوند به پیامبر دستور می دهد که با جوانان مشورت کند و از آنها نظر بخواهد: «...وَ شاوِرهُم فِی الاَمر...؛...و در کارها با آنان مشورت کن... .» (آل عمران:۱۵۹) در جای دیگر به عنوان یک قانون کلی می فرماید: «... وَ اَمرُهُم شُورا بَینَهُم... ؛ ... و آنها (نمازگزاران) کارشان با مشورتِ میان خودشان باشد...». (شورا:۳۸)

در روایات نیز بر مشاوره تأکید شده است. امام رضا(ع) می فرماید:

اِنَّ رَسُولَ اللِه کَانَ یَستَشِیرُ اصحابَه ثُمَّ یَعزم علی ما یُرید.(۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله پیوسته از اصحابش در کارها مشورت خواهی می کرد. سپس برای انجام دادن خواسته اش تصمیم می گرفت.

علی(ع) نیز درباره اهمیت مشاوره می فرماید: «اَلاِستِشارهُ عینُ الهِدایَه؛ مشورت خواهی همان هدایت است.»(۲) اگر کسی در زندگی با دوستان و بزرگان مشورت کند، در دنیا و آخرت سعادتمند خواهد شد. علی(ع) باز فرمود: «المستَشِیرُ عَلَیَ طَرَفِ النَّجاحِ؛ مشورت کننده در طریق رستگاری است».(۳)

از آیات و روایات به دست می آید که مشورت راه نجات و موجب پیشرفت امور است. لزوم مشورت دهی به جوانان و راهنمایی آنان را از برخی احادیث و همچنین از سرگذشت نسل جوان می توان دریافت. علی(ع) در رهنمودی به کاردار جوانش، مالک اشتر نخعی می فرماید:

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۴.

۲- عبدالواحد آمدی، شرح غرر الحکم و دررالکلم، به شرح: محمد خوانساری، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ص ۴۴۲.

۳- عبدالواحد آمدی، شرح غرر الحکم و دررالکلم، به شرح: محمد خوانساری، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ص ۴۴۲.

ولاتُـدخلنَّ فِی مَشْوَرِتِکَ بَخیلاً یَعِـدلُ بِکَ عنِ الفَضلِ وَ یَعِدکَ الفُقَر وَ لَاجَباناً یُضـعِفُکَ عَنِ الْاُمُورِ وَ لاحَریصاً یُزَیِّنُ لَکَ الشَّرَه بِالجوُرِ، فَإِنَّ البُخلَ وَ الجُبَن وَ الحِرْصَ غَرائِزُ شَتَی یَجمَعُهَا سُوُء الظَّنِّ بِاللهِ.(۱)

بخیـل را در مشورت کردن دخـالت نـده که تو را از نیکوکاری باز می دارد و از تنگ دستی می ترسانـد. ترسو را در مشورت کردن دخـالت نـده که در انجام کارها، روحیه تو را سـست می کنـد. حریص را در مشورت دخالت نـده که حرص را با سـتم کاری در نظرت زینت می دهـد. همانا بخل و ترس و حرص، غرایز گوناگونی هسـتند که ریشه آنها بدگمانی به خدای بزرگ است.

امـام علی(ع) در این سـخنان، به مشورت کردن بـا جوان دسـتور نـداده و با ذکر علل، از مشاوره با برخی افراد منع کرده است، ولی معلوم است که اصل مشورت با جوانان به نظر ایشان مسلّم بوده است، وگرنه نهی از مشاوره با بخیل، ترسو و حریص معنا نداشت.

از مفهـوم کلاـم امـام چنین برداشت می شود که مشـاوره بـا افراد عاقـل، کـاردان و دل سوز برای جوان لاـزم است؛ زیرا جوان نسبت به بزرگ سالان تجربه اندکی دارد و در تصـمیم گیری ها و برنامه ریزی ها باید از صاحبان خرد و تجربه کمک گیرد؛ چون در جـای دیگر می فرمایـد: «اِلاِسـتشاره عُیَنُ الهِـدایَه؛ مشورت کردن، عین هـدایت یافتن است.»(۲) بنـابراین، از توقع های برحق جوان از جامعه، مشورت دهی به آنان است تا بر اثر استفاده از راهنمایی و تجربه بزرگان، به سعادت دنیا و آخرت دست یابند.

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲- منتخب میزان الحکمه، ص۲۸۳.

دو _ مسئولیت دهی به جوانان

دو _ مسئولیت دهی به جوانان

یکی از انتظارات جوان از خانواده و اجتماع این است که هر کدام در قلمرو اختیار خود، وظایفی به جوانان واگذار کنند. در محیط خانه باید کارهای مربوط به اداره خانواده در حوزه آموزش فرزندان، تأمین نیازهای اقتصادی و ارتباط با بستگان و همسایگان را به عهده جوانان گذاشت. در عرصه اجتماع نیز باید مسئولیت هایی را متناسب با شأن جوانان به آنان واگذار کرد تا آنها در مسائل مهم سیاسی و اجتماعی جامعه سهیم شوند.

دوره جوانی، دوره احساس مسئولیت و انجام وظیفه است و هر جوانی می خواهد به خانواده و جامعه خود خدمت کند و انتظار دارد که دیگران در سپردن مسئولیت به جوان، همکاری کنند. مسئولیت خواهی جوانان ناشی از ویژگی های جسمی و روانی آنهاست که توان لازم برای انجام کار را دارند و به نقش آفرینی علاقه مند هستند. اگر از همان آغاز نوجوانی و جوانی، برخی مسئولیت های خانوادگی و اجتماعی به جوانان واگذار شود، ضمن پاسخ گویی به احساس مسئولیت پذیری و مطالبه آنان، به تدریج، برای انجام وظایف مهم اجتماعی و سیاسی آماده می شوند. این کار، در واقع، یک نوع کارورزی و تمرین عملی برای انجام مسئولیت و موفقیت در ایفای وظیفه خواهد بود.

سیره پیامبر اسلام در مدت ۲۳ سال نبوت نشان دهنده احترام وی به شخصیت جوانان و سپردن مسئولیت های مهم به آنان است. اگر تاریخ سیاسی _ اجتماعی عصر رسالت را مطالعه کنیم، درمی یابیم که آن حضرت چقدر به جوانان مؤمن اعتماد داشت و پست های مهم سیاسی و نظامی را به افراد کم سن و سال واگذار می کرد. از جمله آنها می توان به اعطای

فرماندهی ارتش اسلام به اسامه بن زید اشاره کرد که فردی نورس و کم تجربه بود. حضرت هنگام بازگشت از حجه الوداع به مدینه، تصمیم گرفت سپاهی به فرماندهی اسامه بن زید به جنگ روم اعزام کند. ابن سعد در طبقات الکبری می گوید:

پیامبر دستور داد، همه مهاجران و انصار در سپاه اسامه شرکت کنند، ولی بسیاری از صحابه، با فرماندهی وی مخالفت کردند و جوانی او را بهانه قرار دادند. رسول خدا صلی الله علیه و آله به شدت از این امر ناراحت شد، در مسجد حضور یافت و مخالفان اسامه را سرزنش کرد. ایشان بارها می فرمود: «جَهِّزوا جَیشَ اُسَامَهَ؛ سپاه اسامه را تجهیز کنید...».(۱)

بنابراین، یکی از مطالبات بر حق جوان از خانواده و جامعه، سپردن مسئولیت به وی است و باید به این خواسته جوانان توجه داشت. رفتار پیامبر و سیره معصومان(ع) با جوانان، الگوی مناسبی برای مسلمانان است و باید به آن بزرگواران اقتدا کرد.

علی(ع) همانند رسول خدا صلی الله علیه و آله وظایف مهم سیاسی و اجتماعی را به جوانان واگذار می کرد. برای نمونه، جاریه بن قُدامه تمیمی، جوانی خوش فکر از یاران باوفای علی(ع) بود و در ردیف نیروهای خاص آن حضرت قرار داشت. هنگامی که علی(ع) به خلافت رسید، جاریه در بصره از مردم برای او بیعت گرفت. در سه جنگ صفین، جمل و نهروان حضور جدّی داشت و در رکاب علی(ع) با لشکر معاویه جنگید. او در جنگ صفین، فرمانده قبیله های سعد و رَباب بود. علی(ع) مسئولیت های مهم و متعددی را به وی واگذار کرد. او را برای هدایت بنی نجران فرستاد. همچنین

۱- نک: ابن سعد، الطبقات الکبری، بیروت، داراحیاء التراث العربی،۱۳۷۶ه_ . ق، صص ۱۹۰ _ ۱۹۲.

او را در مقابل عبدالله بن عامر به بصره و در برابر بُسر بن ارطات به مدینه اعزام کرد و وی در همه صحنه ها موفق عمل کرد.(۱)

امروزه نیز سپردن مسئولیت به جوانان از خواسته های مشروع و به حق نسل جوان است. باید جوان ها در اداره ها، نهادهای دولتی، مراکز علمی و پژوهشی، سفارت خانه های کشور در خارج و همه بخش های رسمی و غیررسمی جامعه استخدام شوند و به انجام وظیفه بپردازند. جای گزین کردن نیروهای جوان به جای مدیران و کارمندان کهن سال، از ضرورت های امروز جامعه اسلامی است که اگر اجرا شود، ممکن است نظام اداری و خدمات رسانی جامعه متحول شود. نسل جوان بر اثر فعالیت های شبانه روزی و تولید کارهای مفید و همچنین برنامه ریزی های درست برای آینده می توانند بیش از گذشته کارآیی داشته باشند و بسیاری از مشکلات موجود را حل کنند. تجربه نیز نشان داده است که هرجا جوانان سر کار بوده اند، با انرژی و تحرک بیشتری به اجرای برنامه ها پرداخته اند و این کار بازخورد بهتری نیز داشته است.

سه _ مشارکت دادن جوانان در امور سیاسی و اجتماعی

سه _ مشارکت دادن جوانان در امور سیاسی و اجتماعی

یکی دیگر از مطالبات جوانان از جامعه، زمینه سازی مشارکت آنان در مسائل سیاسی و اجتماعی است. شرکت فعال نسل جوان در مسائل سیاسی و اجتماعی، عامل پیشرفت جامعه است؛ چراکه قشر جوان، بخش بزرگی از جمعیت کشورهای اسلامی را تشکیل می دهند. ازاین رو، هماهنگی و مشارکت آنان در عرصه های گوناگون سیاسی و اجتماعی می تواند بسیار تأثیرگذار باشد.

۱- حکمت نامه جوان، ص۳۸۲.

نسل جوان با احساسات و عواطف جوانی، اگر خوب هدایت شوند و جهت گیری های درست سیاسی داشته باشند، در تعیین ساختار سیاسی کشور نقش اساسی خواهند داشت، چنان که حکومت اسلامی در مدینه به پشتیبانی جوانان تأسیس شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زمینه شرکت جوانان در امور سیاسی را از همان روزهای آغازین بعثت فراهم کرد. به همین علت، از میان گروه های مختلف مردم جزیره العرب، جوانان بیش از دیگران به دعوت رسول خدا صلی الله علیه و آله پاسخ دادند و به خدا و پیامبر ایمان آوردند. آنها با وجود مخالفت شدید سران قریش و موالی شان، به دین اسلام گرویدند و برنامه های آن را با جان و دل پذیرفتند. زید بن حارث، فرزندخوانده پیامبر، از جمله جوانانی بود که به آن حضرت ایمان آورد و اسلام را به عنوان آیین زندگی خویش برگزید.(۱)

بی شک، گرایش جوانان به اسلام، بر اثر اهتمام پیامبر به نسل جوان و زمینه سازی آن حضرت برای مشارکت آنان در فعالیت های سیاسی و اجتماعی و برنامه های دینی بود. از جمله برنامه های دینی بسیار مؤثر در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله که جنبه عبادی و سیاسی داشت، اقامه نماز به صورت جماعت بود. این کار در زمان جاهلیت، سابقه نداشت و هنگامی که پیامبر با تعدادی از یاران به نماز می ایستاد، کار او خارق العاده جلوه می کرد. مسافرانی که از جاهای دور وارد مکه می شدند و منظره نماز جماعت مسلمانان را می دیدند، به شدت تحت تأثیر قرار می گرفتند.

۱- ابن هشام، سیره النبویه، ترجمه: هاشم رسولی، تهران، کتاب خانه اسلامیه، ۱۳۶۶، ص۱۵۷.

عفیف کندی صحنه نماز پیامبر در مسجدالحرام را چنین توصیف می کند:

در روزگار جاهلیت وارد مکه شـدم و سـپس همراه عباس بن عبـدالمطلب به مسـجدالحرام رفتیم. ناگهان دیـدم مردی آمـد در برابر کعبه ایستاد. آن گاه پسری را دیدم که آمد در طرف راست او ایستاد، چیزی نگذشت زنی را دیدم که آمد پشت سر آنها قرار گرفت و من مشاهـده می کردم که این دو نفر به پیروی از آن مرد به رکوع و سـجود می رفتنـد. این منظره بی سابقه حس کنجکاوی مرا تحریک کرد و جریان را از عباس پرسیدم.(۱)

پیامبر در امور سیاسـی، عبادی، نظامی و دیگر موارد، زمینه های حضور جوانان را فراهم می کرد و آنها را به شـرکت در برنامه هـای دینی و اجتمـاعی در مکه و مـدینه فرا می خوانـد. همچنین در تعلیم و تربیت و امور فرهنگی به جوانـان فرصت می داد تا آنها با اعتماد به نفس مشارکت داشـته باشـند. بلال حبشـی، جوانی از سـرزمین حبشه در سـفر و حضر همواره اذان گوی پیامبر بود.

عصـر حاضـر نیز حضور فعال نسل جوان را در برنامه های گوناگون اسـلامی و اجتماعی می طلبد و انتظار جوانان آن است که در مسائـل مختلف جامعه شـریک باشـند. امام خمینی رحمه الله درباره مشارکت جوانان در امور سیاسـی و اجتماعی جامعه می فرماید:

بر شـما جوانان ارزنده اسلام که مایه امید مسلمین هستید، لازم می باشد که ملت ها را آگاه سازید و نقشه های شوم و خانمان سوز اسـتعمارگران را برملا نماییـد. در شـناسایی اسـلام بیشتر جـدّیت کنیـد. تعالیم مقدسه قرآن را بیاموزید و به کار بندید. با کمال اخلاص در نشر و تبلیغ و معرفی اسلام به

۱- فروغ ابدیت، ج۱، ص۲۴۳.

دیگر ملل و پیشبرد آرمان های بزرگ اسلام بکوشید. برای پیاده کردن طرح حکومت اسلامی و بررسی مسائل آن اهتمام بیشتری به خرج دهید. مهذب و مجهز شوید. متحد و متشکل شده، صفوف خود را فشرده تر سازید. هرچه بیشتر هم فکر شوید و انسان فداکار بسازید. از برملاکردن نقشه های دستگاه جبار علیه اسلام و مسلمین غفلت نورزید. صدای برادران رنج دیده و مسلمان را به دنیا برسانید و با آنان هم دردی کنید.(۱)

۱- صحیفه نور، ج۱، ص۳۲۹.

فصل چهارم: جوان و مسئولیت ها

اشاره

فصل چهارم: جوان و مسئولیت ها

بـا توجه به ویژگی هایی که جوان دارد و نعمت هایی که خداونـد به او بخشـیده است، مسـئولیت های گوناگونی نیز به عهـده دارد که باید با شناخت آنها به وظایف خویش عمل کند.

۱. مسئولیت جوان در برابر خود

اشاره

۱. مسئولیت جوان در برابر خود

جـوان افزون بر اینکه در برابر غیر خـود مسـئولیت هـای متعـددی دارد، در برابر خویشـتن نیز دارای وظـایف گونـاگونی است. جوانی، موهبتی ارزشـمند از سوی خداوند است و شـناخت ابعاد مختلف جوانی، پاسداری از نعمت جوانی، اسـتفاده درست از نیروی جوانی و رشد و تکامل بخشـیدن به آن، وظایفی است که به عهده او گذاشـته شده است و جوان باید آنها را بشـناسد و انجام دهد. ازاین رو، خودشناسـی، خودسازی، خودباوری، اعتماد به نفس و علم آموزی، برخی از وظایف جوان در برابر خود است.

الف) خودشناسی

اشاره

الف) خودشناسی

نخستین وظیفه جوان در برابر خود، شـناخت درست از خویشتن است و اینکه خود را آن گونه که هست، بشناسد و درک کند که چه موجودی است

و از چه نعمت هـایی برخوردار است؛ زیرا شـناخت صـحیح جوان از خود و آگـاهی وی از اسـتعدادها و ظرفیت هـای نهفته در وجودش، به او امکان می دهد.

۱. ارزش خود را درک کند و بداند موجود ارزشمندی است؛

۲. شـناخت اسـتعدادها، زمینه برنامه ریزی درست را برای جوان فراهم می آورد تا برای آینده اش تصـمیم گیری مناسبی داشته باشد؛

۳. با برنامه ریزی صـحیح می تواند توانایی های خود را به کار اندازد و در عرصه های مختلف زندگی به پیشـرفت های چشـم گیری برسد.

بـدین ترتیب، خودشناسـی از مهم ترین وظایفی است که در آیات و روایات بارها به آن تأکیـد شده است. خداوند می فرماید: «یَا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا علَیکُم انفسَـکُم...؛ ای کسانی که ایمان آورده ایـد! به خودتان بپردازیـد... .» (مائده: ۱۰۵) مراقبت از خود، مفهوم عـام دارد و خودشناسـی را نیز شامـل می شود؛ یعنی جوان بایـد هم خود را بشـناسد و هم از خود مراقبت کنـد؛ چون تا خویشتن را نشناسد و اهمیت خود را درک نکند، درصدد مراقبت از خود برنمی آید.

ازاین رو، خودشناسـی به عنـوان مقـدمه خودسـازی و مراقبه از خود لازم است. برای فراگیری دقیق تر این مطلب، خودشناسـی جوان را به دو بخش خودشناسی مادی و معنوی تقسیم می کنیم.

یک ـ خودشناسی مادی

یک ـ خودشناسی مادی

جـوان دو نـوع «خـود» دارد: یکی، خود مـادی که همـان انـدام ظـاهری و اعضـای بـدن اوست و دیگری، خود معنوی که جنبه روحانی وی است. هر انسانی مرکب از جسم و روح است و این دو بعـد وجودی هر کدام ویژگی های خود را دارند. شـناخت این دو جنبه وجودی برای جوان لازم است. وی با آگاهی از جنبه های وجودش می تواند درصدد تقویت و پرورش آن برآید.

در اشعاری منسوب به امام علی(ع) آمده است:

و تَحْسَبُ أنَّکَ جِرمٌ صَغیر

و فِیکَ اِنطَوَی العالَمُ الاکبر.(۱)

آیا تو می پنداری که موجود ضعیف و ناچیزی هستی؟ چنین نیست، بلکه وجود تو نمادی از عالم بزرگ و جهان هستی است.

به این معنا که آنچه از رمز و رازها در عالم تکوین وجود دارد، به نوعی در وجود تو تعبیه شده و به کار رفته است. جوان نباید خود را کوچک بشمارد و ظرفیت های وجودی خویش را نادیده انگارد.

رمز و رازهایی در آفرینش انسان به کار رفته که درخور اندیشه است. به گفته روان شناسان، در مغز انسان حداقل دوازده میلیارد سلول اختصاصی به نام «نورون» وجود دارد که واحدهای پایه ای دستگاه عصبی را تشکیل می دهند.(۲) اگر سلول های دیگر اعضای بدن را به شمارش آوری، رقم بسیار بالایی را نشان می دهد که جز آفریدگار انسان، کسی قادر به شمارش آن نیست.

توجه جوان به ویژگی ها و استعدادهای درونی خویش و اینکه چه رمز و رازی در وجودش نهفته است، علاقه او را به خودشناسی بیشتر می کند. جوانی، دوره رشد عقلی انسان است که می تواند به بررسی و موشکافی مسائل و ریشه یابی آن بپردازد. از این رو، علی(ع) می فرماید: «اَفضَلُ الحِکمَهِ مَعرِفَهُ الانسانِ نَفسَهُ؛ برترین حکمت، خودشناسیِ انسان است».(۳)

بنابراین، یکی از وظایف مهم جوان در برابر خویش، شناخت بعد جسمی خود است که باید به خودشناسی مادی بپردازد و ضمن درک حقیقت خود، به عظمت پروردگارش پی ببرد. هر جوان که در خودشناسی

۱- سید حیدر آملی، تفسیر المحیط الاعظم، تحقیق: سیدمحسن موسوی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۴ ه_ . ق، ج۱، ص۲۵۴؛ به نقل از: اشعار منسوب به علی(ع).

۲- ریتال اتکینسون و دیگران، زمینه روان شناسی، ترجمه: محمدنقی براهنی و همراهان، تهران، رشد، ۱۳۶۶، ج۱، ص۶۴.

۳- حکمت نامه جوان، ص۷۶؛ تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۳۲.

و خودسازی و سیر در مسیر هستی خویش بکوشد، به آن مبدأ و منبع وجود می رسد و هرچه را غیر از وجه خداست، نیست و نابود می یابد؛(۱) چون جهان تجلی نور خداست و غیر از مظاهر خدا در حقیقت، سرابی بیش نیست.

دو _ خودشناسی معنوی

دو _ خودشناسی معنوی

خود روحانی و معنوی جوان، مهم تر از بعد جسمی اوست؛ چون روح است که حقیقت انسان را تشکیل می دهد و منشأ همه فعالیت های مادی و معنوی وی است. ازاین رو، جسم بدون روح، هیچ حرکت و اثری ندارد. اگر روح لحظه ای از جسم خارج شود، جسم، مرداری بیش نیست. آنچه مهم به نظر می رسد، این است که شناخت جنبه روحانی و نیازهای آن به دقت و تأمل بیشتری احتیاج دارد، چرا که روح و شئون مربوط به آن، محسوس و دیدنی نیست. درمقابل، نیازهای جسمی، عینی هستند و به همین علت، به تعقل نیاز ندارند و زود درک می شوند، هرچند افراد معمولی حقیقت درک نمی کنند.

خداوند خطاب به پیامبر می فرماید: «وَ یَسئَلونکَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الُروحُ مِن امرِ رَبِّی... ؛ و درباره روح از تو می پرسند، بگو: روح از]سنخ[فرمان پروردگار من است... .» (اسراء :۸۵) با این حال، لازم است جوان به اندازه فهم خود بکوشد تا درباره روح و نیازهای روحی خود آگاهی یابد و در رفع آن تلاش کند.

وقتی جوان به سیر در نفْس خود بپردازد و جز خدا را از دل بیرون راند و با دل خلوت کند، از هر چیزی می گسلد و به خداوند متعال می پیوندد و این سبب معرفت پروردگار می شود. البته معرفتی که در حصولش چیزی

۱- حمیدرضا مظاهری سیف، خودشناسی عرفانی، انتشارات نشاط، ۱۳۸۱، ص۱۳۲.

واسطه نشده و علمی که هیچ سببی در آن مداخله نداشته است؛ چون جدایی از غیر خدا، حجاب ها را کنار می زند.

اینجا است که جوان با مشاهده ساحت عظمت کبریایی حق، خود را از یاد می برد و درمی یابد که فقیر است و به خدای سبحان و مملوک نیاز دارد؛ مملوکی که هیچ استقلالی از خود ندارد. باید دانست که شناخت حقیقی خداوند با قلب به دست می آید؛ تنها قلبی که از بیماری ها و کاستی ها رهیده باشد، به چنین معرفت حقیقی خواهد رسید. مراد از قلب، خود آدمی، یعنی روح اوست؛ روح یا قلبی که از کاستی ها برهد و به روح مطلق بپیوندد، سالم است.(۱)

ب) خودباوری

ب) خودباوری

خودشناسی و درک واقعیت خویشتن و شناخت آنچه جوان از نیرو و استعداد در اختیار دارد، از مسائل مهم جوانی است و در تعیین راه و روش زندگی وی نقش اساسی ایفا می کند. هر جوان باید بداند که چه توان و نیرویی در وجود او نهفته و از چه ویژگی هایی برخوردار است. آنگاه می تواند با به کارگیری آنها به کمال مطلوب زندگی دنیا و آخرت دست یابد. توان جسمی، قدرت تعقل و تفکر و خلاقیت و نوآوری از ویژگی های جوان است و در دیگر افراد کمتر یافت می شود. اگر جوان به واقعیت های وجودی خود آگاهی کامل پیدا کند، حس خودباوری و اعتماد به نفس در او پدید می آید و باور می کند که می تواند برای رشد و پیشرفت فردی و

۱- محمدرضا مظهری سیف، خودشناسی عرفانی، ص ۱۵۰.

اجتماعی خود و اجتماع، منشأ خدمات و مصدر فعالیت های مختلف قرار گیرد.

یکی از وظایف مهم جوان در برابر خودش، رسیدن به روحیه خودباوری است و اینکه باور کند او شایستگی های بسیاری دارد و می تواند در عرصه های گوناگون زندگی تأثیرگذار باشد. روحیه خودباور، بر اثر شناخت درست از ویژگی ها، استعدادها، توان مندی ها و خلاقیت و نوآوری های خود و جامعه به دست می آید. اگر جوان از آنچه دارد و آنچه در جامعه هست، شناخت کامل داشته باشد، به آسانی می تواند روحیه خودباوری را در خود تقویت و به کارهای مهم فردی و اجتماعی اقدام کند. اگر جوان از امکانات فردی و اجتماعی آگاهی کافی نداشته باشد، رسیدن به خودباوری برای او دشوار است. اثر مهم خودباوری این است که زمینه استقلال و اعتمادبه نفس را فراهم می آورد.

خودباوری، بستری است که زمینه بسیاری از ویژگی های دیگر را برای جوان فراهم می آورد؛ چراکه جوانِ خودباور، برنامه ریزی دارد، بلندهمت است، تصمیم می گیرد، تلاش می کند و اگر به کاری دست زند، موفق می شود. اگر جوان، خود را باور نداشته باشد، هیچ یک از این ویژگی ها را ندارد و عمر خویش را با تنبلی و بیکاری سپری کرده است. علی(ع) در تشویق جوان می فرماید:

إذا خِفتَ صَعُوبَةَ اَمرٍ فَاصْعُبْ لَهُ یَذُلَّ لَکَ، و خادِعِ الزَّمانَ عَنْ أحداثِهِ تَهُن عَلَیکَ.(۱)

۱- حکمت نامه جوان، ص ۹۰؛ تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۰۲.

هرگاه از سختی کاری ترسیدی، استوار باش تا در برابرت خوار گردد و با حوادث روزگار نیرنگ کن تا بر تو آسان شوند.

روشن است که تا جوان خود را باور نداشته باشد، جرئت نمی کند به کاری دست بزند. ازاین رو، لازم است جوان، نخست توانایی های خود را و سپس امکانات موجود در جامعه را بشناسد. آنگاه با استفاده از راهنمایی های قرآن و معصومان(ع) به فعالیت های فردی و اجتماعی بپردازد. اگر چنین کند، یقیناً در زندگی مادی و معنوی موفق خواهد شد.

ج) خودسازی

ج) خودسازی

خودسازی از بعد مهم معنویت جوان به شمار می رود که بر اثر خودشناسی، رشد و پرورش می یابد. مهم ترین وظیفه جوان در دوره جوانی، خودسازی و تزکیه نفس است که در قرآن و روایات، فراوان به آن سفارش شده است. قرآن کریم همه انسان ها را به تزکیه نفس فراخوانده است و می فرماید: «قَد اَفلَحَ مَن تَزَکّی؛ رستگار آن کس که خود را پاک گردانید.» (اعلی:۱۴) همچنین در جای دیگر می فرماید: «قد افلح من زَکّاها؛ که هر کس آن را پاک گردانید، به یقین، رستگار شد.» (شمس:۹) سعادت و رستگاری از نظر قرآن مخصوص تزکیه شدگان است و کسانی که به معصیت آلوده هستند، راهی به رستگاری ندارند. جوانی، بهترین دوره خودسازی و تزکیه نفس است که هر جوان می تواند با استفاده از توانایی های فردی خود و نظر به آیات قرآن و سیره معصومان(ع) از آلودگی های اخلاقی برهد و به قله های بلند تقوا گام نهد. به فرموده علامه طباطبایی:

اگر جوان بخواهد رستگار شود، باید باطن خود را تزکیه کند و آن را با پرورش شایسته رشد دهد و بپروراند، او باید باطنش را با تقوا بیاراید و از

زشتی ها پـاک کنـد، وگرنه از سـعادت و رسـتگاری محروم می شود؛ چون باطن را هرقـدر بیشتر آلوده کنـد و کمتر بیارایـد، محرومیتش از نعمت های الهی بیشتر می گردد.(۱)

بنـابراین، مهم ترین وظیفه جوان این است که خود را بشـناسد تا به این وسـیله، سـعادت و خوش بختی خود را درک کنـد و با وسایلی که در دست دارد، در رفع نیازهای خود بکوشـد و عمر گران مایه را به رایگان از دست ندهد.(۲) خودسازی و دوری از گناه از هرکس مطلوب است، ولی از جوان زیباتر است. رسول خـدا صـلی الله علیه و آله می فرماید: «التّوبهُ حسنٌ و لکِن فی الشَّبابِ احسنُ؛ توبه زیباست و از جوان، زیباتر است.»(۳) زیبایی روح جوان، با توبه دو چندان می شود و جوان محبوب خدای متعال قرار می گیرد.

پیـامبر در روایت دیگری می فرمایـد: «إنَّ اللّهَ تعـالی یُحِبُّ الشّـابَّ التّـائب؛ به راستی که خداونـد، جوان توبه کار را دوست می دارد.»(۴) انسان بایـد از آغاز نوجوانی ــ که دوره شور و احساس زندگی است ــ بکوشد خود را به گناه آلوده نکند و اگر بر اثر نادانی و گمراهی نتوانست خود را کنترل کنـد و مرتکب نافرمانی شـد، فوری بایـد به وسـیله توبه و بازگشت به خـدا آن را جبران کند.

د) کسب عزت مندی

د) کسب عزت مندی

سربلندی خواسـته همه جوانان است و زندگی آبرومندانه، با عزت نفس ارتباط عمیق دارد. جوانی می تواند به زندگی با عزت دست یابد که پیش از

۱- سیدمحمدحسین طباطبایی، تفسیرالمیزان، ترجمه: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج۲، ص۴۶۹.

۲- سیدمحمدحسین طباطبایی، خلاصه تعالیم اسلام، انتشارات کعبه، تهران، چ ۱۲، ص ۱۵۶.

۳- نهج الفصاحه، ص ۵۷۸.

۴- نهج الفصاحه، ص ۵۷۸.

همه، خود دارای عزت نفس باشد. عزت نفس به معنای مناعت طبع و بزرگواری،(۱) قوّت، قدرت و ارجمندی، از صفات برجسته انسان و گم شده نسل جوان معاصر است. عزت نفس به این معنا حالتی است که در فطرت بشر ریشه دارد و نمی گذارد کسی در فرازونشیب های زندگی احساس شکست کند یا مغلوب هوا و هوس شود. بنابراین، منظور از عزت نفس، شناخت حقیقت نفس خویش و قرار دادن آن در مقام و منزلت واقعی خود است.(۲)

عزت در برابر خواری قرار دارد و معلول عواملی است که مهم ترین آنها، ایمان به خدای متعال است. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «... ولِلهِ العِزَّهُ و لِرَسُولِهِ و لِلمُؤمِنِین... ؛ ... و عزت از آن خدا و از آن پیامبر او و مؤمنان است... .» (منافقون: ۸) ایمان به خداوند، نیرویی قوی در آدمی پدید می آورد و چنان او را در برابر لغزش ها، مقاوم و شکست ناپذیر می سازد که حوادث روزگار و فرازونشیب زندگی کوچک ترین تزلزلی در او ایجاد نمی کند.

امام باقر(ع) می فرماید:

اَلمُؤمِنُ اَصلَب مِنَ الجَبَلِ، الجَبَلُ یُستَقَلُّ مِنهُ و المُؤمِنُ لا یُستَقَلُّ مِن دِینه شَیءٌ.(۳)

مؤمن سخت تر از کوه است؛ زیرا از کوه چیزی جدا می شود، ولی از دین مؤمن چیزی کم نمی شود.

۱- فرهنگ معاصر عربی ـ فارسی، واژه «عزت».

۲- سید مصطفی حسینی، معارف معاریف، انتشارات صدر،۱۳۷۶، واژه «تربیت».

۳- کافی، ج ۲، ۲۴۱.

جوان باایمـان چنین حالتی دارد و در پایـداری، از کوه محکم تر است؛ زیرا در مقابل فساد اخلاقی می ایسـتد و تحت تأثیر آن قرار نمی گیرد، بلکه با نابسامانی ها، مبارزه و از کرامت و عزت خود و جامعه دفاع می کنـد؛ چنان که از صـدر اسـلام تاکنون نمونه هـای فراوانی از جوانـان مؤمن و فـداکار وجود داشـته و دارد که در شـرایط سـختی، از دین و معـارف اهل بیت(ع) دفاع کردند. بر این اساس، از منظر اسـلام، عزت یعنی شکست ناپذیری، قدرت و صلابت و این از ویژگی های کسانی است که نور ایمـان در قلب هـا یشـان تابیـده است و در برابر دگرگونی هـا کوچک ترین تزلزلی از خود نشان نمی دهنـد؛ زیرا انسان بر اثر ایمان به خـدا و پیامبر از عزتمندی واقعی بهره مند گشـته است و در سایه ایمان و تقوا با کمال آرامش و اطمینان خاطر زندگی می کند.

عزت خواهی با خواست فطری جوان هماهنگ است. علامه طباطبایی دراین زمینه می فرماید:

دسـتگاه آفرینش به گونه ای انسان را مجهز کرده که بتوانـد بدون اتکا به دیگران زندگی خود را اداره کند. از این رو، او باید نیروهای خـدادادی خویش را در راه نیل به مقاصد به کارگیرد و به نیروی دیگران متکی نباشد. اگر چنین کرد، به تدریج، آن حالت عزت و اسـتقلال در او پدیـد می آید و به زندگی آبرومندانه روی می آورد. هرگز به ذلت و خواری و کردار زشت تن نمی دهد. دراین صورت است که هم زندگی دنیای او به خوبی پیش می رود و هم در آخرت به سعادت ابدی می رسد.

بسـیاری از ظلم و جنایت ها در عالم ناشـی از ضـعف نفس و تن دادن به پستی است که انسان حاضـر می شود برای رسیدن به منافع مادی به هر جنایتی دست زند. اگر جوانی تاج افتخار عزت نفس را بر سر گذارد، در برابر هیچ

عظمتی جز عظمت پروردگار سر فرود نمی آورد و در مقابل هیچ خواسته ای زانو نمی زند تا کار خلافی مرتکب شود.(۱)

در آیات و روایات بر تقویت عزت نفس، تأکید گشته و از عوامل تضعیف کننده آن پرهیز داده شده است. از منظر قرآن و حدیث، مهم ترین عامل ذلت نفس، پیروی از هوای نفس و شهوت های حیوانی است که جوان را به زبونی و پستی می کشاند. خداوند می فرماید:

أَفَرَأَیتَ مَن اِتَّخَذَ اِلَهَهُ هَواهُ و أَضَلَّهُ اللهُ عَلی عِلمٍ. (جاثیه: ۲۳)

پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده است و خدا او را دانسته، گمراه گردانید.

جوان بی ایمان و پیرو شهوت و هواهای نفسانی، عاقبتی جز بدبختی و سرافکندگی ندارد؛ دنیا را با عیاشی و بی بندوباری سپری می کند و در آخرت به عذاب سخت الهی گرفتار می شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

ایّاکُم و غَلبهَ الشَّهواتِ علی قُلوبِکُم؛ فِإنَّ بِدایَتَها مَلکهٌ و نَهایَتَها هَلَکَهٌ.

از غلبه کردن شهوت بر دل هایتان بپرهیزید؛ چراکه آغازش، پادشاهی و پایانش، تباهی است.(۲)

شهوت رانی جوان را، در دنیا و آخرت تباه می کند؛ در دنیا در انظار مردم بی اعتبار و ذلیل و بدتر ازآن در آخرت، مبتلا به عذاب همیشگی.

ه_) دانش اندوزی

ه_) دانش اندوزی

یکی از وظایف مهم جوان در دوره جوانی، علم آموزی، به ویژه کسب معارف دینی است که باید به آن توجه کند؛ زیرا جوانی، بهترین دوره فراگیری انواع دانش های قدیم و جدید است. جوان باید خود در این زمینه احساس

۱- سید محمدحسین طباطبایی، خلاصه تعالیم اسلام، ص۱۸۸.

۲- حکمت نامه جوان، ص۲۲۶؛ تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۰۵.

مسئولیت کنـد و در راه علم آموزی، سـختی هـا را تحمل کنـد تا به مـدارج بالای علمی برسـد. جوان درصورتی می توانـد به کمال مطلوب خویش برسـد که در دو جنبه علم وعمل پیشـرفت کند. اگر او به دانش های رایج، به ویژه معارف اسـلامی عالم شود، هم به جایگاه واقعی خود در اجتماع دست می یابد و هم به درجات عالی اخروی می رسد.

پیـامبر اسـلام، آمـوختن دانش را برای همه مردم اعم از زن و مرد واجب قرار داد و فرمود: «طَلبُ العِلمِ فَریضَهٌ عَلَی کُـلِّ مُسـلِمٍ؛ آمـوختن علم بر هر مسـلمانی واجب است.»(۱) کمـال انسان به فراگیری دانش بسـتگی دارد و اگر جوانی بخواهـد به کمالاتِ معنوی و انسانی برسـد، بایـد در راه تحصـیل علوم دینی بکوشـد. شاید به همین دلیل، خداوند تعلیم قرآن را بر دیگر دانش ها، حتی خلقت انسان، مقـدم کرد و فرمود: «الرَّحمنُ عَلَّمَ القُرآنَ. خَلَقَ الاِنسَانَ. عَلَّمَهُ البَیانَ؛]خدای[رحمان، قرآن را یاد داد، انسان را آفرید، به او بیان آموخت». (رحمان:۱ _ ۴)

خلقت انسان بر هرکاری مقـدم است و پیش از هر چیز، انسانی بایـد باشد، تا علم بیاموزد. البته در آیات یادشده، تعلیم قرآن را پیش از آفرینش انسان آورده است؛ زیرا انسان بدون آموختن قرآن و معارف اسلامی به مرحله انسانیت نمی رسد.(۲)

جوان استعداد آموختن دانش را به خوبی دارد و علومی که در این دوره می آموزد، ماندگار است و به آسانی از یاد نمی رود. پیامبر خدا فرمود:

مَن تعلَّمَ فی شَبابِهِ کانَ بِمَنزَلهِ الرَسمِ فی الحَجَرِ و من تَعلَّمَ وهو کَبیرٌ کان بِمَنزلَهِ الکِتابِ عَلی وجهِ الماءِ.(۳)

۱- محمد کلینی، اصول کافی، بیروت، دارالاضواء،۱۴۱۳ه_ ق، بیروت، ج۱، صص۷۹ و ۸۰.

۲- ۲.تفسیر المحیط الاعظم، ج۳، ص۹۹.

۳- حکمت نامه جوان، ص۵۶؛ بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۲۲.

هرکس در جوانی اش بیاموزد، آموخته اش مانند نقش بر سنگ است و هرکس در بزرگسالی بیاموزد، مانند نوشتن روی آب است.

امام باقر و امام صادق(ع) می فرمایند: «لَو اُتیتُ بِشَابٍّ مِن شَبابِ الشِّیعه لایَتَفَقَّه فی الدِّینِ جَعتُهُ؛ اگر جوانی از جوانان شیعه را بیابم که در پی کسب آگاهی دینی نیست، او را تنبیه می کنم.»(۱) همچنین امام صادق(ع) در زمینه فعالیت های فرهنگی و تربیتی جوانان می فرماید:

لَستُ اُحِبُّ أن أری الشَّبابَّ منکُم إلا غادِیاً فی حالَین: إمّا عَالمَاً اَوْ مُتعلِّماً فَإن لَمْ یَفعَل فَرَّطَ فَاِنْ فَرَّط ضَیَّعَ و فَان ضَیَّعَ أثِمَ و إن أثِمَ سَکَنَ النّارَ والَّذِی بَعَثَ محمَّداً بالحَقِّ.(۲)

دوست ندارم جوانان شما را جز در دو حالت ببینم: دانشمند یا دانشجو. اگر]جوانی[چنین نکند، کوتاهی کرده و اگر کوتاهی کند،]جوانی اش را[تباه ساخته و اگر]آن را[تباه سازد، گناه کرده است و اگر گناه کند، سوگند به آن که محمد صلی الله علیه و آله را به حق برانگیخت، دوزخ نشین خواهد شد.

به فرموده امام صادق(ع)، جوان باید همواره مشغول یکی از دو کار باشد؛ یا در حال فراگیری علم باشد و دانش کسب کند یا به دیگران دانش بیاموزد. در غیر این صورت، بر اثر گناه و خلاف کاری، پایان بدی خواهد داشت؛ زیرا اگر جوان به دانش بپردازد، هم خود و هم دیگران را نجات می دهد، ولی اگر از تحصیل و کارهای فرهنگی رها شود، گذشته از اینکه خود تباه می شود، عامل تباهی دیگران نیز می گردد. ازاین رو، امام فرمود: «دوست ندارم جوان را بیکار ببینم».

۱- حکمت نامه جوان، ص۵۶؛ بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۱۴.

۲- حکمت نامه جوان، ص۵۶؛ بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۷۰.

بنابراین، نسل جوان بایـد دوره جوانی شان را به علم آموزی یا تعلیم و نشـر معارف اسـلامی سپری کننـد. طبیعی است این امر، مسـتلزم زمینه سازی است و بایـد امکانات لازم برای کسب دانش و انجام امور فرهنگی در جامعه فراهم باشد تا جوانان بتوانند بـدون دغـدغه خاطر به آن بپردازند. چیزی که نسل جوان از جامعه می خواهد، همین امر است و مدیران جامعه باید با توجه به آن، شرایط لازم را فراهم آورند.

امام باقر(ع) می فرماید:

کَانَ اَبی زینُ العابدین(ع) إذا نَظَر اِلی الشَّبابِ الذین یَطلُبون الْعِلْمَ اَدْناهُم الیه و قال: مَرْحباً بِکُم اَنتم وَدائعُ الْعِلْم وَ یُوشِکُ إذ اَنتُم صَغارِ قَومٍ أنْ تَکونوا کِبارَ آخرین.(۱)

پـدرم، زیـن العابـدین(ع)، هرگـاه به جوانـانی که دانش می اندوختنـد، می نگریست، آنـان را به خـود نزدیـک می کرد و می فرمود: آفرین بر شـما که امـانت های]مردم برای آموختن[دانش هستیـد و به زودی شـما کم سالان جامعه، بزرگان جامعه ای دیگر می شوید.

و)حفظ سلامت

و)حفظ سلامت

از وظـایف مهم جوان، حفـظ سـلامت خویش از زیـان هـا و عـادت هـایی است که به تحلیل نیروی جوانی وی منجر می شود؛ چون هیـچ کس اجازه نـدارد به جسم و جانش زیان برسانـد یا کاری انجام دهد قوای بدنی اش را ضـعیف گرداند. این کار از نظر عقل و شـرع، نکوهیـده است و کسـی حق ندارد به این دلیل که مالک جسم و جانش هست، به خودش آسـیب وارد کند. این امر درباره نسل جوان از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ چرا که برخی از

۱- منتخب میزان الحکمه، ص۵۶.

جوانان کارهایی انجام می دهند که به نابودی آنها منجر می شود. اعتیاد به مواد مخدر یکی از کارهایی است که امروزه دامن گیر جوانان است و هستی آنان را به تباهی می کشاند. اعتیاد، پدیده ای است بنیان کن و خانمان سوز که شخصیت جوان را نابود و او را گرفتار هزار بلا و مصیبت می سازد. در اینجا برای آشنایی نسل جوان، به آسیب های بعضی از مواد مخدر اشاره می کنیم تا جوانان در این زمینه، صلابت و درایت از خود نشان دهند و سراغ آنها نروند.

مواد مخدر، داروها و موادی هستند مسکن و گاه محرک که بر شعور، حس و هوشیاری فرد اثر می گذارند و بیشتر برای رفع بی خوابی در شب و آرام کردن تشویش نگرانی در روز، استفاده می شود.(۱) مصرف این مواد، پی آمدهای ناگوار بسیاری دارد که وابستگی های مختلف جسمی و روانی از جمله آن ها است و هر کدام از این وابستگی ها مشکلات متعددی را برای جوان پدید می آورد.

اگر اعتیاد ادامه پیدا کند، گذشته از ایجاد وابستگی، به تدریج به مسمومیت مزمن فرد می انجامد، اشتها را از بین می برد، وزن به سرعت کاهش می یابد و در نهایت، سلامت جسمی معتاد با خطر جدّی روبه رو می شود، به گونه ای که دیگر درمان نمی پذیرد و برگشتی برایش نیست.(۲) امروزه انواع مختلفی از مواد مخدر در جهان وجود دارد که هر کدام ضررهای خاص خود را دارد. الکل، تریاک و قرص های روان گردان در شکل های گوناگون، بخشی از مواد تخدیر کننده هستند که آثار مشترک آنها

۱- محمدحسین فرجاد و دیگران، اعتیاد، تهران، ۱۳۷۴، چ ۳، ص۶۳.

۲- محمدحسین فرجاد و دیگران، اعتیاد، تهران، ۱۳۷۴، چ ۳، ص۶۹.

عبارتند از: اختلال در ادراک و قوای عقلانی؛ کاهش تسلط و کنترل مغز بر رفتار؛ تضعیف رفتارهای اخلاقی و کاهش احساس مسئولیت؛ ضعف قوه بینایی؛(۱) تشنجات مزمن؛ روی آوردن به مشروب خواری؛ تزلزل و ناپایداری بهره هوش؛ اختلالات روانی؛ روی آوردن به فساد اجتماعی؛ خودکشی؛ انحراف های جنسی و اخلاقی؛ ارتکاب فحشا؛ دروغ گویی؛ مرگ زودرس و ... .(۲)

شراب نیز از انواع مواد مخدر به شمار می رود که زیان های طبیعی و جسمی آن زیاد است، از جمله اینکه اختلال هایی در معده، روده، کبد، شُش، سلسله اعصاب، قلب، حواس ظاهری (چون بینایی و چشایی) و غیر آن ایجاد و شکل ظاهری را نیز زشت می کند. آسیب های اخلاقی و رفتاری شراب نیز فراوان است. برای مثال، انسان را به ناسزاگویی وا می دارد؛ به دیگران ضرر وارد می سازد؛ به نوامیس خود و مردم هتک حرمت می کند؛ اسرار خود و دیگران را فاش می کند؛ همه قوانین و مقدسات انسانی را ــ که اساس سعادت زندگی انسان هاست ــ لگدمال می کند، به ویژه حرمت ناموس و عفت در برابر اعراض و نفوس و اموال را از بین می برد؛ چون کسی که مست است، نمی داند چه می گوید و چه می کند!

ضررهای عقلی شراب این است که عقل را تباه و تصرف های عقل را نامنظم و مجرای ادراک را در حال مستی تغییر می دهد که عامل تمام گناهان است و در نهایت، فرد را به هلاکت می اندازد.(۳)

۱- سعید شاملو، آسیب شناسی روانی، تهران، شرکت سهامی چهر، ۱۳۶۴،ص۳۱۲.

۲- محمدباقر حجتی، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰، ج۱، ص ۹۹.

۳- المیزان، ج۲، ص۲۸۹.

اعتیاد به هر یک از مواد مخـدر، حتی سـیگار و قلیان، به نوعی زیان جسـمی و روانی به فرد وارد می سازد. بر این اساس، نباید نسل جوان خود را به اعتیاد آلوده کنـد. همان گونه که امروز شاهد جوانانی هستیم که گرفتار این بلای ویرانگر هسـتند و توان رهایی از دام آن را ندارنـد. چه بسـیارند خانواده هایی که بر اثر پدیده اعتیاد نابود شده اند؛ چه بسا همسـرانی که از هم جدا و فرزنـدان بی گناه شان، یتیم و بی سـرپرست گشـته انـد. از این رو، یکی از وظایف مهم جوانان (اعم از دختر و پسـر)، پرهیز از اعتیاد و نیفتادن به دام مواد مخدر است؛ وگرنه خلاص شدن از آن، بسیار پرهزینه است و چه بسا ناممکن می نماید.

۲. مسئولیت جوان در برابر خداوند

اشاره

۲. مسئولیت جوان در برابر خداوند

زیر فصل ها

الف) شناخت خدا

ب) اهتمام به ارزش های دینی

ج) انجام دادن دستورات الهی

الف) شناخت خدا

الف) شناخت خدا

مهم ترین مسئولیت جوان، در برابر پروردگار، شناخت خدای متعال است؛ زیرا خداوند، آفریدگار انسان و نعمت دهنده اوست و ازاین رو باید در برابر خدا شـکرگزار بود. خدا به آدمی فیض وجود می بخشد؛ او را از عالم رحِم آفرید بدون آن که نیازی به آنها داشـته باشد.(۱) همچنین اگر جوان به عظمت آسـمان و زمین و تنوع مخلوقـات بینديشـد و گیاهان سـرسبز را در فصـل بهار و خزان را در پاییز ببینـد، به یقین، در مورد آفریـدگار آنها تردیدی به خود راه نخواهد داد. دسـتور به سـیر و سـیاحت در زمین و اطلاع از سرگذشت پیشینیان و تأمل در زندگی آنها ــ که در قرآن بسیار بر آن تأکید شده ــ از این قبیل است و جوان را به سوی خدا راهنمایی می کند: «أفلم یَسِیرُوا فی

۱– المیزان، ج ۶، ص ۲۵۰.

الارضِ فَتَکُونَ لَهُم قُلُوبُ یَعْقِلُونَ بِها... ؛ آیا آنان (کفار) در زمین سیر نکردند تا دل هایی داشته باشند که حقیقت را با آن درک کنند...». (حج:۴۶)

اگر جوان به قرآن مراجعه کند، وجود خدا را تردیدناپذیر خواهد یافت، چون در زبان قرآن، وجود خداوند از هر چیزی آشکارتر است. خداوند در این زمینه می فرماید: «أفِی اللهِ شَکٌّ فاطرُ السّماواتِ والارضِ؛ آیا در وجود خدا شک است؛ خدایی که آسمان ها و زمین را آفریده است؟...». (ابراهیم: ۱۰) با اندک توجه جوان به عالم درون و بیرون، جای هیچ گونه شک و تردیدی به وجود خدای متعال برای او باقی نمی ماند.

بنابراین، جوان همواره باید به یاد خدا باشد و لحظه ای او را فراموش نکند، چراکه فراموش کردن خدا در واقع، فراموش کردن حقیقت خویشتن است. از اینجاست که جوان، شناختی ناروا و بی اساس از خود پیدا می کند و به پرتگاه فسق و فساد فرو می رود.

لباس حقیقی جوان، همانا جامه ملکوتی بندگی و فقر در آستانه عظیم و بی کران رحمانی است. اگر جوان آگاهانه این عهد را فراموش کند و دیده خدابینش نابینا شود و آیین عاشقی و عبودیت را زیرپا گذارد، در حقیقت، جامه راستین خویش را بر کنده و در جایگاهی پوچ از جنس جهنم و دور از خدای مهربان مأوا گزیده است که در نتیجه، حیات ظلمانی خواهد داشت.(۱)

علامه طباطبایی می نویسد:

انسان در هر نقطه این عالم بایستد و نظام هر یک از این عوالم را زیرنظر بگیرد، می بیند که نظامی است دقیق و عجیب و دارای تحولات و دگرگونی هایی مخصوص به خود. دگرگونی هایی که اگر نبود، اصل آن

۱- خود شناسی عرفانی، ص ۱۹۰.

عالم پای برجا نمی ماند و از هم پاشیده می شد. دگرگونی هایی که سنّت الهی با آن زنده می ماند؛ سنّتی که عجایبش تمام شدنی نیست و پای خرد بر کرانه اش نمی رسد. نظامی که در جریانش حتی به یک نقطه استثنا برنمی خوریم و هیچ تصادفی هرچند به ندرت، در آن رخ نمی دهد. نظامی که نه تاکنون و نه هیچ وقت عقل بشر به کرانه اش نمی رسد و مراحلش را طی نمی کند. اگر از کوچک ترین موجودش، چون مولکول شروع کنی و به طرف اجزایی که از آن ترکیب یافته بالا ـ بیایی تا برسی به منظومه شمسی و کهکشان هایی که تاکنون به چشم مسلح دیده شده، بیش از یک عالم و یک نظام نمی بینی و اگر از بالا شروع کنی و کهکشان را یکی پس از دیگری از هم جدا نموده، منظومه ها را از نظر بگذرانی و تک تک کرات را و سپس کره زمین و در آخر ذرّه ای از آن را تجزیه کنی تا به مولکول برسی، باز می بینی از آن عالم واحد و آن نظام واحد و آن تدبیر متصل چیزی کم نشده، با اینکه هیچ یک از این موجودات را مثل هم نمی بینی. دو نفر انسان، دو رأس گوسفند، دو شاخه توت، دو برگ گردو، دوتا مگس و بالاخره هر جفت جفت موجودات را درنظر بگیری، خواهی دید که هم ذاتاً مختلف هستند و هم حکماً و هم شخصاً. پس مجموع عالم یک چیزی است و تدبیر حاکم بر سراپای آن متصل است و تمامی اجزایش مسخّر برای یک نظام است. درنهایت، به این نتیجه یقینی می رسیم که این نظام کذایی پدید آورنده ای دارد مدیر و مدبّر و واحد و یکتا.(۱)

ب) اهتمام به ارزش های دینی

ب) اهتمام به ارزش های دینی

یکی دیگر از وظایف جوان، اهتمام ورزی به ارزش های دینی است. جوان باید در زندگی اش ارزش مدار باشد و درعمل نشان دهد که تا چه میزان به نظام ارزشی اسلام پای بند است. تعهد به نظام ارزشی اسلام وظیفه تمامی افراد است و باید به ارزش های دینی و مذهبی خود پای بند باشند، ولی

۱- المیزان، ج ۱، ص ۵۹۸.

جوانان در این زمینه وظیفه بیشتری دارنـد. آنان به دلیل داشـتن قدرت و توان بیشتر، مسئولیت بیشتری در حفظ و نشـر معارف اسـلام دارنـد، چنان که خداوند، طالوت را به علت توان جسـمی اش به فرماندهی نظامی جمعی از بنی اسـرائیل انتخاب کرد و فرمود:

... إِنّ اللّهَ اصْطَفاهُ عَلَیْکُمْ وَ زادَهُ بَسْطَهً فِی الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ... . (بقره: ۲۴۷)

... خداوند او (طالوت) را بر شما برگزیده و بر دانش و]توان مندی[جسم و جان وی افزوده است... .

همچنین علی(ع) در دعای کمیل از خدا درخواست می کند:

یاربِّ یاربِّ یاربِّ! قَوِّ علی خِدمَتک جَوارحی وَاشْدُدْ عَلَی الْعَزیمهِ جَوانحی.(۱)

پروردگارا، پروردگارا، پروردگارا! اندام مرا بر خدمت گزاری توان مند ساز و درونم را در تصمیم گیری قوی دار.

جوان بـا ویژگی هـایی که دارد، به خوبی می توانـد به ارزش هـای دینی عمـل و از آنهـا دفاع کنـد. پسـران و دختران جوان با تقویت باورهای دینی و اعتقاد راسخ به اصول اسـلامی، باید به رعایت ارزش ها اهتمام ورزند و از آنها حمایت کنند. دختران باایمان، به حکم حجاب و وحیانی بودن آن بایـد هنگام حضور در اجتماع، خود را از نامحرم بپوشاننـد. این وظیفه ای است که خداونـد به عهـده زنان و دختران جوان گذاشـته و از آنان خواسـته است که به این وظیفه دینی و اجتماعی خویش عمل کننـد. اگر آنان به این تکلیف دینی و اجتماعی خود عمل کنند، بسـیاری از مشکلات و رفتارهای نابهنجار از میان خواهند رفت؛ زیرا با توجه به آمار اعلام شده در مجله ها و روزنامه ها، بسیاری از مفاسد اخلاقی، به دلیل پای بند نبودن زنان و

۱- مفاتیح الجنان، قم، ۱۳۷۶، دعای کمیل.

دختران به دستورهای اسلامی مانند حجاب پدید می آید. اگر جوانان به وظایف خود عمل کنند و ارزش های دینی را محترم بشمارند، جامعه ای سالم خواهیم داشت.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در زمینه عمل به ارزش های دینی می فرماید:

من خَرَجَ من ذُلِّ المعصیهِ الی عِزِّ الطاعهِ آنسهُ اللهُ بغیر أنیسٍ و أعانهُ بغیر مالٍ.(۱)

هرکس از خواری نافرمانی]خدا[به عزت پیروی]از او[، روی آورد، خداوند بدون هم نشینی به وی آرامش می دهد و بدون ثروت، او را یاری می کند.

رعایت ارزش های دینی، آثار بسیاری در زندگی دنیا و آخرت انسان دارد که به برخی از آنها در این کلام پیامبر اشاره شده است. به گفته این روایت، بیرون رفتن جوان از صحنه های گناه و وارد شدن در طاعت خداوند، موجب آرامش روحی و روانی وی و بهره مندی از یاری خداوند می شود. بنابراین، اگر جوان با اعتقاد به باورهای دینی و اهتمام به رعایت ارزش ها، از آلودگی به گناه دوری کند و خود را به زیور اطاعت از دستورهای خداوند بیاراید، به عزت دنیا وآخرت دست می یابد؛ چراکه به فرموده پیامبر: «أجدَرُ النّاسِ برحمهِ اللهِ أقوَمُهُم بالطّاعهِ؛ سزاوارترین مردم به رحمت خداوند، پایدارترین آنها در طاعت الهی است».(۲)

ج) انجام دادن دستورات الهی

اشاره

ج) انجام دادن دستورات الهی

از مسئولیت های مهم جوان در برابر خداوند، فرمان برداری کردن از دستورهای اوست. جوان باید به تکالیف الهی و آنچه به او دستور داده شده،

۱- حکمت نامه جوان، ص ۱۴۴.

۲- منتخب میزان الحکمه، ص۳۱۸.

عمل کنـد؛ یعنی فرمان های خـدا را اجرا و نواهی او را ترک کنـد. معنای بنـدگی همین است که بنـده بایـد از مولایش پیروی کند و گوش به فرمان او باشد؛ چنان که وقتی اسماعیل جوان در برابر حکم خدا قرار گرفت و پدرش، ابراهیم(ع) به او فرمود:

یا بُنَیَّ إِنِّی اَرَی فِی الْمَنامِ أَنّی أَذْبَحُکَ فَانْظُر مَاذَا تَرَی؟ (صافات: ۱۰۲)

ای پسرک من! من در خواب]چنین[می بینم که تو را سر می بُرَم. پس ببین چه به نظرت می آید.

یعنی نظر تو در این زمینه چیست و آیـا حاضـر به پـذیرش این دسـتور الهی هستی؟ اسـماعیل با کمال آرامش خاطر و آمادگی عرض کرد:

یا أَبَتِ افْعَلْ ما تُؤْمَرُ سَتَجِدُنی إِنْ شاءَ اللّهُ مِنَ الصّابِرینَ. (صافات: ۱۰۲)

ای پدر من! آنچه را مأمور هستی، انجام بده. ان شاء الله مرا از شکیبایان خواهی یافت.

در این داستان قرآنی که بیانگر واقعیتی تاریخی است، جوانی مؤمن و عاشق دیدار خدای متعال، با تمام وجود به استقبال انجام دادن دستور خداوند می رود و حاضر است در برابر فرمان مولایش قربانی شود. حتی به پدر توصیه می کند «صورتم را بپوشان و دست و پایم را محکم ببنـد.»(۱) تا مبادا مهر پـدری مانع انجام فرمان الهی شود. به راستی، اگر جوان خـدایی باشد و خود را واقعاً بنـده او بدانـد، در برابر اجرای دسـتورهای خداونـد سـر از پا نمی شـناسد و با تمام وجود، مجری برنامه های او می شود؛ چنان که

۱- حکمت نامه جوان، ص۳۰۲.

حضرت اسماعیل(ع) به عنوان جوانی مطیع مولا، در عمل نشان داد که می تواند برای اجرای امر خدا، از هستی اش بگذرد.

احکام خداوند به دو دسته واجبات و محرمات تقسیم می شود که در اینجا تنها برای یادآوری، به برخی از آنها اشاره می شود.

یک ـ عمل به واجبات الهی

اشاره

یک ـ عمل به واجبات الهی

دستورهای واجب خداوند که انجام آنها با تأکید از جوان خواسته شده، فراوان است. برای شناخت این واجبات باید به رساله های عملیه که به فارسی روان نوشته شده است، مراجعه کرد. بر جوانان لازم است هنگام رسیدن به سن بلوغ، نخست، مرجعی برای خود برگزینند تا هنگام نیاز بتوانند به توضیح المسائل آن مرجع مراجعه کنند؛ یعنی همه وظایف دینی را بر اساس فتواهای مرجع تقلیدی که برگزیده اند انجام دهند. مسائل اعتقادی نظیر اعتقاد به توحید و معاد و دیگر باورهای اصلی، به تقلید نیاز ندارد و باید با دلیل عقلی و یافته های درونی و قطعی خود به آن ایمان آورد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره فضیلت عبادت و عمل کردن جوان به احکام اسلامی می فرماید:

فَضلُ الشّابِ العابِدِ الَّذی تَعبَّد فی صباهُ علی الشَّیخِ الَّذی تَعبَّد بَعدَ ما کَبُرتْ سِنُّه کَفضلِ المُرسلینَ عَلَی سائرِ النّاسِ.(۱)

برتری جوان عبادت پیشه ای که در نورسی به عبادت رو آورده است، بر پیرانی که در بزرگی به عبادت روی آورده اند، مانند برتری پیامبران بر دیگر مردم است.

۱- حکمت نامه جوان، ص ۹۸.

بر این اساس، عمل به واجبات در دوره جوانی، پاداش بسیار بزرگی دارد، به گونه ای که جوان بر اثر این کار، بر پیرمردانی که در کهن سالی به عبادت رو می آورند، فضیلتی همانند فضیلت پیامبران نسبت به دیگر مردم، پیدا می کند. بنابراین، جوانان باید به واجبات الهی اهمیت دهند و به آن عمل کنند تا با انجام وظیفه خود به پاداش بزرگ الهی برسند. امام صادق(ع) می فرماید:

اِجْتَهَدْتُ فِی الْعبادِهَ وَ أنا شابٌّ فقال لی اَبی: یا بُنَّی! دُونَ ما أراکَ تَصنعُ، فإنّ اللّهَ إذا اَحبَّ عَبداً رَضِیَ مِنهُ بِالْیسیرِ.(۱)

در جوانی، در عبادت سخت کوش بودم، پدرم به من فرمود: فرزندم! از آنچه انجام می دهی کم کن؛ زیرا اگر خداوند بنده ای را دوست بدارد، با عبادت کم نیز از او راضی می شود.

اول _ به جای آوردن نمازهای شبانه روز

اول _ به جای آوردن نمازهای شبانه روز

مهم ترین وظیفه دینی جوان، خواندن هفده رکعت نماز در پنج نوبت است. قرآن کریم و معصومان(ع) در مورد نماز، سفارش های بسیاری دارند و جوان را به انجام نمازهای شبانه روزی دعوت می کنند. خداوند در قرآن کریم ضمن دستور عام به نماز، فلسفه آن را نیز بیان می کند:

«...و أقِمِ الصَّلاهَ إنَّ الصَّلاهَ تَنهی عن الفَحشاءِ و المُنکَر...؛ ... نماز را برپا دار که نماز، انسان را از زشتی ها و گناه باز می دارد...». (عنکبوت: ۴۵)

در این آیه شریفه، افزون بر دستور به خواندن نماز، به فلسفه آن نیز اشاره شده است. فلسفه خواندن نماز این است که جوان را از کارهای زشت و بدی ها باز می دارد؛ چون بر اثر مداومت بر نماز، نیرویی در باطن جوان پدید می آید که او را از لغزش ها محافظت می کند و از آلودگی ها باز

۱- بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات، ص۱۴۴، به نقل از: وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۰۸.

می دارد. از آن نیروی درونی، به ملکه تقوا تعبیر می شود که نقش کنترل و بازدارندگی را ایفا می کند؛ یعنی همانند ترمز ماشین هنگام خطر به کمک جوان می آید و او را کنترل می کند. علی(ع) درباره تقوایی که بر اثر نماز پدید می آید، می فرماید: «اِعْلموا عِبادَ اللهِ أنَّ التَّقوی دارُ حِصنٍ عزیزٍ؛ ای بندگان خدا! بدانید که تقوا دژی محکم و شکست ناپذیر است.»(۱) ازاین رو، لقمان حکیم به فرزند جوانش سفارش می کند: «یا بُنَیّ أَقِمِ الصّلاهَ ... ؛ پسرم! نماز را برپادار...». (لقمان: ۱۷)

خداوند، جوان عابدی را که عمرش را در عبادت سپری کند، دوست می دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دراین باره می فرماید: «إن اللّه تعالی یُحبُّ الشَّابَّ الَّذی یَفنی شَبابَه فی طاعَهِ اللهِ تعالی؛ خداوند بزرگ، جوانی را که جوانی اش را در راه بندگی خدا سپری کند، دوست دارد.»(۲) عبادت، وسیله ای برای جلب محبت خداوند است و هر جوانی که بخواهد توجه خاص الهی را به خود جلب کند، باید به عبادت و بندگی اهمیت دهد. حتی خداوند ارزش جوان عابد را تا قدر و مرتبه فرشتگان بالا می برد. پیامبر می فرماید:

یَقولُ الله: الشَّابُّ المؤمنُ بِقَدَری الرَّاضی بِکتابِی، القانِعُ بِرزْقی، التَّارِکُ لِشَهْوتِهِ مِنْ اَجْلی هُوَ عِندی کَبعضِ ملائِکَتی.(۳)

خداوند می فرماید: جوان معتقد به قضا و قدرم، خشنود از کتابم، قناعت کننده به روزی ام و رهاکننده خواسته های نفس به خاطر من، مانند یکی از فرشتگان من است.

۱- نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، خطبه ۱۵۷، ص ۸۲.

۲- حکمت نامه جوان، ص ۹۸.

۳- حکمت نامه جوان، ص ۹۸.

از این روایت ها لزوم انجام عبادات و نماز و پاداش فراوان برای جوان، به خوبی استفاده می شود و باید نسل جوان به آن اهتمام ورزد. علامه طباطبایی درباره عبادت و بندگی می فرماید:

پس از خداشناسی، دومین وظیفه ما خداپرستی است. اطاعت از فرمان خداوندی و بندگی او، یگانه وظیفه ای است که هر وظیفه دیگری دربرابر آن ناچیز و کوچک است. یکی از وظایف جوان این است که مقام بندگی و نیازمندی خود را بشناسد و عظمت و کبریایی نامحدود خداوند را درنظر داشته باشد و از فرمان های او اطاعت کند. جوان باید جز خدای متعال را نپرستد و غیر از پیغمبر گرامی و ائمه اطهار(ع) که خداوند عالم، او را به فرمان برداری آن بزرگواران دستور داده از دیگران اطاعت نکند. هر چیزی که منسوب به خداست باید احترام کامل را نسبت به آن رعایت نماید و نام مبارک خدا و نام های اولیای دین را با ادب یاد کند. در احترام کتاب خدا (قرآن) و کعبه مشرفه و مساجد و عتبات مقدسه اولیای دین باید کوشا باشد.(۱)

خداوند می فرماید: «و من یُعَظِّمْ شعایرَ اللهِ فإنَّها من تَقوی القُلُوبِ؛ هرکس شعایر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای الهی است». (حج: ۳۲)

نماز از همه واجبات مهم تر است. به همین دلیل، در برخی احادیث معصومان(ع) از آن به عمود و ستون دین تعبیر شده است. امام باقر(ع) می فرماید: «الصَّلاةُ عَمُودُ الدِّینِ؛ نماز ستون دین است.»(۲) عده ای از مشرکان مکه به پیامبر پیشنهاد کردند که به تو ایمان می آوریم، به شرط آنکه نماز را از ما نخواهی. حضرت در پاسخ آنها فرمود: «لاخَیرَ فی دینٍ لا صَلاةَ معهُ؛ دینی که نماز در آن نباشد، خیر و برکت ندارد.»(۳) نماز منبع همه خوبی ها و نیکی هاست

۱- خلاصه تعالیم اسلام، ص۱۵۷.

۲- منتخب میزان الحکمه، ص ۲۹۸.

۳- محمد سعید رمضان البوطی، فقه السیره النبویه، بیروت، دارالفکرالمعاصر، ۱۴۱۱ هـ . ق، ۱۹۹۱ م، چ ۱۰، ص ۴۵۹.

و دین بـدون نماز، همانند پوسته ای بدون هسته است که پوچ و بی روح است. جوانی از خیر و برکت دنیا و آخرت بهره مند است که نماز جزء برنامه های زندگی او باشد و با عشق و علاقه سراغ نماز برود. اگر نسل جوان به یاران جوان امامان معصوم(ع) توجه کند و از آنها درس بیاموزد، میلش به عبادت و بندگی، بیشتر خواهد شد. جوانانی که در میان اصحاب امام حسین(ع)، در شب عاشورا به نماز و دعا و مناجات مشغول بودند و عاشقانه نماز می گزاردند، بهترین الگو برای نسل جوان مؤمن امروز هستند.(۱)

دوم ــ روزه ماه رمضان

دوم ــ روزه ماه رمضان

روزه یکی از عبادت های واجب است که در طول سال، یک ماه بر جوان لازم می شود. در این عبادت، از هر آنچه روزه را باطل می کند، مانند خوردن و آشامیدن از طلوع صبح تا اذان مغرب، خودداری می شود. روزه همانند دیگر واجبات، در صورتی بر جوان واجب می شود که شروط تکلیف را داشته باشد.

خداوند درباره وجوب روزه به صورت عام می فرماید:

یا ایها الّذین آمنُوا کُتِبَ علیکُم الصِّیامُ کما کُتِبَ علی الَّذِین من قبلِکُم لعلَّکُم تَتَّقُون. (بقره: ۱۸۳)

ای افرادی که ایمان آورده اید! روزه بر شما نوشته شده، همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند، نوشته شده بود تا پرهیزکار شوید.

روزه، مبارزه با شهوت های نفسانی و دوری از لذت های حلال و حرام مانند خوردن و آشامیدن و شهوت جنسی در طول روز است.

۱- نک: میرزا محمد تقی سپهر، ناسخ التواریخ، کتابچی، تهران، ۱۳۷۹، ج۲، ص۲۱۸.

علی(ع) در تعیین حد و مرز روزه می فرماید: «روزه چهار حد دارد: اجتناب از خوردن و آشامیدن، خودداری از ارتباط زناشویی، پرهیز از قی عمدی و دوری از فرورفتن در آب.»(۱) بنابراین، روزه، مقاومت در برابر خواهش های نفسانی و خودداری از تسلیم شدن در برابر آنهاست که شاید بر جوانان بسیار سخت باشد؛ زیرا گرایش به رفتارهای شهوانی در آنها بیشتر مشاهده می شود. ازاین رو، مخالفت با غرایز و تمایلات نفسانی در دوره جوانی ثواب بسیاری دارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

إِن الله تعالی ُیباهی بالشّابِّ الْعابدِ الملائکهَ، یَقولُ: اُنظُروا إلی عَبدِی! تَرَکَ شَهَوتَه مِنْ اَجْلی.(۲)

خداوند بزرگ، نزد فرشتگان به جوان عابد افتخار می کند، درحالی که می فرماید: بنده ام را بنگرید؛ برای من، خواسته های نفس خود را کنار نهاده است.

امام صادق(ع) می فرماید:

ذاک الذی یُباهی اللّه تعالی بِه ملائِکَتَهَ، فَیَقولُ: هذا عَبدی حَقّاً.(۳)

آن جوان کسی است که خداوند بزرگ نزد فرشتگان به وی افتخار می کند و می فرماید: این، بنده حقیقی من است.

روزه از مصداق های ترک شهوت است و جوان به وسیله آن، مایه فخر و مباهات خدا بر فرشتگان می شود. جوان به این طریق می تواند به تقوای الهی ـ که به عنوان فلسفه تشریع روزه ماه رمضان بیان شده است ـ دست یابد؛ چون با یک ماه خودداری از آنچه روزه را باطل می کند و تحمل

۱- وسائل الشیعه (۲۰جلدی)، ج۴، کتاب الصوم، ابواب ما یمسک عنه الصائم و وقت الامساک، باب اول، ص ۱۹، ح ۳.
۲- حکمت نامه جوان، ص ۱۰۰.
۳- حکمت نامه جوان، ص ۱۰۰.

گرسنگی و تشنگی، زمینه تقوا در جوانان پدید می آید و آنان مشمول رحمت الهی می شوند.

علامه طباطبایی در فضیلت ماه رمضان می فرماید:

با فرا رسیدن ماه مبارک رمضان، درهای رحمت پروردگار به روی بندگانش گشوده می شود، نورانیت و صفای ویژه ای در روح انسان پدید می آید و برای عبادت و تهذیب نفس و اصلاح اخلاق، آمادگی خاصی در روزه داران نمودار می گردد. اسلام به پیروان خود فرمان می دهد تا یک ماه تمام روزه بگیرند، مسلمانان با روزه گرفتن یک ماه، زمینه کاملی برای پدیدآمدن حالت تقوا به معنای کامل آن در خود فراهم می سازند، زیرا هرگاه انسان از انجام خواست های طبیعیِ بدن، خودداری کرد به خوبی می تواند از پیروی هوای نفس خودداری به عمل آورد. البته اسلام برای رسیدن به چنین مرحله کمالی، در عمل روزه تنها خودداری از خوردن و آشامیدن را کافی نمی داند، بلکه دستور می دهد که روزه دار از هرچه که موجب آلودگی و ارتکاب گناه است و یا او را به وسوسه های شیطانی و هوس های سرکش نفسانی سوق می دهد، امساک کند.(۱)

دو _ عمل به مستحبات

دو _ عمل به مستحبات

عمل به مستحبات و نوافل در رشد معنوی جوان بسیار مؤثر است و موجب تکامل روحی و تقرب وی به خدا می شود. ازاین رو، در متون دینی بر انجام مستحبات، بسیار تأکید شده است. عمل های مستحب زیاد هستند، از قبیل: نافله های شبانه روز که ۳۴ رکعت هستند، نافله های شب به تعداد یازده رکعت و روزه های مستحب و دعاها و هر عمل نیکی که جوان را به خدا نزدیک کند. همه این اعمال ثواب دارد و انجام آن مطلوب است. جوان هرچه بتواند کار خیر انجام دهد و به مردم خدمت

۱- خلاصه تعالیم اسلام، ص۲۲۶.

کنـد، ارزشـمندتر است و نزد خـدای متعـال مسـتحق پـاداش می شود. علی(ع) در عهـدنامه مالـک اشـتر، وی را به انجـام دادن واجبات و مسـتحبات فرمان می دهد: «اَمَره ... وَ اتّباعِ ما أَمَرَ به فِی کِتابه؛ آنچه در کتاب خدا آمده است، از واجبات و سنّت ها (مستحبات) به آن عمل کند.»(۱) یعنی مالک هم به عنوان یک حاکم جوان مسلمان، باید به دسـتورهای خدا عمل کند و هم زمینه انجام آن را در جامعه، به ویژه میان جوانان فراهم آورد؛ چراکه «لا یَشْـقَیٰ اَحـدٌ إلا باتِّباعها؛ هیـچ کس، جز با عمل کردن به آن دسـتورها رستگار نخواهد شد.»(۲) بنابراین، انجام دادن مسـتحبات اسـلامی جزو وظایف دینی و مـذهبی جوانان است و باید به آن توجه و تا حد توان به آن عمل کنند.

علامه طباطبایی می فرماید:

جوان نباید مسـتحبات، به خصوص نوافل یومیه را کوچک بشـمارد، بلکه شایسـته است در انجام آنها بکوشد و نگوید به جای نمـاز شب، نمـاز قضای واجب می خوانم، زیرا نوافل نوری دارد که او را به انجام واجبات، بلکه به ترک محرمات می کشانـد. لـذا از آثـار مثبت آن نبایـد غافـل بود و نبایـد خود را از آن محروم ساخت. اگر یک روز جوان به نماز شب موفق می شود، با شـبی که موفق نمی شود، چقـدر فرق دارد! شـبی که به نمـاز شب موفق می شود، چقـدر در انجـام کارهـای خیر موفق است و کارها در آن روز برای وی روبه راه است. برخلاف شبی که موفق به نماز شب نشـده است که به هر کاری دست می زنـد و به هر چیزی که رو می آورد، به بن بست می خورد.(۳)

ملا مهدی نراقی نیز می فرماید:

۱- نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، نامه ۵۳.

۲- نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، نامه ۵۳.

۳- محمدحسین رخشاد، در محضر علامه طباطبایی، قم، انتشارات سماء قلم، ۱۳۸۲، ص ۳۸۱.

مستحبات، سبب صفا و پاکی باطن جوان و برداشتن پرده از دل او و عامل وصول وی به مرتبه قرب پروردگار است. بدین معنا که عمل به سنّت های دینی موجب تحول باطنی و روحی جوان شده، زمینه تقرب او را به خدا فراهم می سازد. هرقدر اتصاف جوان به صفات پسندیده بیشتر شد، در غلبه بر شیاطین و ریشه کنی شهوات استواری بیشتری از خود نشان داد؛ هر اندازه در دوری از رذایل کوشاتر بود، به خدا نزدیک تر می گردد.(۱)

سه _ دعا و مناجات

سه _ دعا و مناجات

دعا و مناجات، بخشی از مستحبات اسلامی است که در روایات تأکید خاصی بر آن شده است. شاید به علت آثار روحی و رفتاری که دعاها دارند، تأکید بیشتری به خواندن آنها شده است. دعای کمیل در شب جمعه، دعای ندبه در صبح جمعه، دعای توسل در شب چهارشنبه و مناجات های مختلفی که در کتاب های دعا وارد شده اند، تأثیر ویژه ای بر جسم و جان جوان می گذارند. ازاین رو، وظیفه نسل جوان است که در این دعاها شرکت کند و به نیاز روحی خویش به تقویت و پرورش پاسخ دهد. البته دعاها را با آن ویژگی ها و شروط خاص خودش باید بخواند تا اثربخش باشند.

علامه طباطبایی در تبیین معنای دعا می فرماید:

معنای دعا عبارت است از مجسم ساختن توجه قلبی و درخواست باطنی به صورت درخواست ظاهری که انسان از افراد بشر در بین خود دارند؛ یعنی دربرابر پروردگار خویش، آن حالتی را بگیرند که یک انسان فقیر خود را در برابر توانگری، پَست احساس می کند و حالت تذلل به خود می گیرد؛

۱- جامع السعادات، ص۱۷۹.

یعنی دست خود را به سوی او دراز می کند؛ گردن را کج نموده، با حالت ذلت و تضرع حاجت خود را سؤال می نماید.(۱)

دعا خواندن و مناجات کردن، درخواست کردن از حق تعالی به شیوه ای خاص است؛ یعنی به گونه ای که ظاهر و باطن جوان نشان دهنده حالت ذلت و تضرع در پیشگاه خداوند باشد، نظیر خواهش و تمنای گدا نزد ثروتمند. بی شک، چنین دعا و مناجاتی به درگاه خدای متعال، عامل تکامل روحی و معنوی و در نهایت، موجب خودسازی و اصلاح رفتار جوان است.

یکی از شرایط دعا، اخلاص است، به این معنا که فقط خداوند را در برآوردن حاجت مؤثر بداند، نه غیر او را. البته وساطت اسباب ظاهری را در برآوردن نیاز نباید نادیده بگیرد؛ چراکه عالم اسباب و مسببات، آفریده و ساخته خداوند است و اگر نقشی داشته باشند، به خدای متعال برمی گردد. قرآن کریم می فرماید: «... فَادْعُوا اللّهَ مُخْلِصینَ لَهُ الدِّینَ... ؛ ... او را بخوانید درحالی که دین]خود [را برای او خالص گردانیده اید...». (اعراف: ۲۹)

علامه طباطبایی می نویسد:

دعا باید خالص باشد، نه اینکه سببیت اسباب عالم را واسطه میان انسان و حوائج او است ابطال کند؛ چون هر انسانی می داند که چنین اسبابی وجود دارند، اما سببیت را خدا به آنها داده، نه اینکه خود آنها علت تامه باشند که مستقل از خدای سبحان فیض را به معلول های خود برسانند. چراکه انسان بالفطره درک می کند که ماورای عالم اسباب و مسببات کسی است که به خواسته هایش پاسخ گوید و اگر حاجتش را از راه اسباب ظاهری به دست آورد هم براین باور است که آن مبدأ غیبی افاضه نموده است.(۲)

۱- المیزان، ج۲، ص۵۲.
۲- المیزان، ج۲، ص۵۰.

جوان بایـد آداب دعا را رعایت کنـد و آنچه می خواهـد، با چشم داشت به نعمت دیگران نباشـد، بلکه تنها از خزانه غیبی خدا باشد. علامه می فرماید:

سزاوار است که انسان وقتی از خـدای تعالی حاجتی می خواهـد، از خزینه غیبی او بخواهـد، نه اینکه بخواهـد از دارندگان آن نعمت، بگیرد و به او بدهـد و وقتی هم که از خزینه غیب الهی امری می خواهد باید رعایت ادب را نموده، به خدای تعالی علم نیاموزد، زیرا خـدا عالم به حال او است و می دانـد که راه رسیدن به حاجتش چیست؟ پس بایـد این طور درخواست کند که: پروردگـارا! حاجت مرا به آن مقـدار و آن طریقی که خودت می دانی و خیر من در آن است برآورده فرما! واجب است جوان چیزی نگوید که با حکمت الهی خدا منافات داشته باشد، باید از آن فضلی که به دیگران اختصاص داده درخواست نکند و بر این اساس، نبایـد دختر و پسـر امتیازاتی را که خدا به جنس مقابل داده از خدا درخواست نمایند؛ چون خلاف حکمت تکوینی و تشریعی الهی است.(۱)

ادب دعا اقتضا می کنـد انسان در خواسـته هایش بزرگوار باشـد و اگر چیزی در اختیار دیگران قرار دارد،ماننـد آن را از خـدا بخواهد، نه عین آن را.

جوان باید به استجابت دعا یقین داشته باشد؛ چون یقین به قبول شدن دعا، شرط استجابت آن است. او باید به گونه ای خدا را بخوانـد که از پاسـخ گرفتن و برآورده شـدن آن مطمئن باشد. بنابراین، با تردید در اسـتجابت، دعا قبول نمی شود. خداوند در قرآن وعده قطعی داده است و می فرماید: «وقال ربُّکم ادعُونِی أسْتَجِبْ لَکُم؛ پروردگار شـما گفته است: مرا بخوانید تا]دعای[شما را بپذیرم.» (غافر:۶۰) علامه می نویسد: «انسان باید به استجابت دعا یقین داشته باشد،

۱- المیزان، ج۴، ص۵۳۶.

چون دعـا در حال تردیـد و نومیـدی، کاشف از این است که صاحبش درحقیقت درخواستی نـدارد و ظاهراً چیزی به زبان می آورد».(۱)

چهار ــ ترک محرّمات

چهار ــ ترک محرّمات

از وظایف مهم مسلمانان، به ویژه جوانان، پرهیز از محرمات الهی است؛ زیرا عمل حرام هرچند به توبه انجامد، اثر وضعی خود را بر جوان می گـذارد و کمترین اثر وضـعی گنـاه، قسـاوت قلب و بی میلی به طاعات و عبادات است که به تدریـج، در جوان رشـد می کنـد. جوان بایـد علاوه بر اینکه خود را با نیروی تقوا از ارتکاب محارم حفظ کند؛ از هم نشـینی با اهل معصـیت نیز دوری جوید؛ چراکه حضور در مجلس معصـیت و مشاهده کار خلاف بر دلش اثر می گذارد و گناه را در نظرش، سبک و بی اهمیت می سـازد. وقـتی گنـاه از نظر جوان، زشت نباشـد، خطر دست یازیـدن به آن بیشتر می شود؛ چون نفس جوان برای هر گناهی هوا و خواهشی دارد.(۲)یوسف(ع) جوان با اینکه پیامبر خدا بود، عرض کرد:

وَ ما أُبَرِّئُ نَفْسی إِنّ النّفْسَ لَأَمّارَهٌ بِالسّوءِ إِلاّ ما رَحِمَ رَبّی... . (یوسف: ۵۳)

من هرگز خودم را تبرئه نمی کنم که نفس]سرکش [بسیار به بدی های امر می کند، مگر آنچه را پروردگارم رحم کند... .

اگر لطف و عنایت خـدا نباشد، جوان نمی تواند خود را حفظ کند؛ زیرا امروزه عوامل گرایش به کارهای خلاف و زمینه های انحراف فراوان است.

جوان بایـد بدانـد گناهـان کبیره، محرمـاتی هسـتند که خـدای متعال هرگز از آنها چشم نخواهـد پوشـید؛ مگر آنکه کسـی که مرتکب آنها شده است،

۱- المیزان، ج ۲، ص ۵۱.

۲- المیزان، ج ۶، ص ۲۰۲.

قاطعانه از ارتکاب گناه پشیمان شود و توبه نصوح کند. اگر جوان به زشتی گناه علم داشته باشد، همین علم، یکی از اسباب بیداری او و انصرافش از انجام گناه خواهد شد. جوان نباید حتی مرتکب گناه صغیره شود؛ چون اصرار بر گناه صغیره، خود، از گناهان کبیره است. برخی از جوانان به اسم شیعه بودن و انتظار شفاعت معصومان(ع) در قیامت، ممکن است مرتکب گناه شوند، ولی باید بدانند که شفاعت امامان معصوم(ع) شامل کسانی نمی شود که در تکالیف الهی سهل انگاری می کنند یا آنها را بازی می پندارند و مسخره می کنند و گناهان کبیره را به عمد انجام می دهند. شفاعت معصومان(ع) هیچ سودی برای این افراد ندارد؛ زیرا با بی اعتنایی به دستورهای دینی، هیچ راهی برای شفاعت باقی نمی ماند.(۱)

جوان باید توجه داشته باشد که بیماری روحی مانند بیماری جسمانی است؛ به تدریج تشدید می شود و اگر به درمانش نپردازد، وی را زمین گیر می کند و در آخر کار، به هلاکت می کشاند. شدت یافتن بیماری به دلیل پرهیز نکردن جوان از چیزهایی است که برای بیمار ضرر دارد؛ چون طبع بیماری به خوردن بیشتر گرایش دارد و او را به پرهیز نکردن تحریک می کند. همچنین است بیمار قلبی و روحی که با پیروی از هوای نفس، مرتکب گناه می شود. اگر بیمار روحی بخواهد خود را مداوا کند و بیماری اش را برطرف سازد، باید به سوی خدای عزّوجلّ برگردد و توبه کند.(۲)

ملا مهدی نراقی می فرماید:

۱- المیزان، ج۴، ص۵۱۵.

۲- المیزان، ج۵، ص۶۲۲.

جوان بایـد تأمّل کنـد کـه آنچـه از نجاست از او دفع می شـود، همـان چیزی اسـت که پیش از این خـواهش آن را داشت و خوراکی هـای لذیـذی بود که در طلب آنها حرص می ورزیـد و هرچه لذیـذتر باشـد، بـدبویی آن بیشتر است. پس چیزی که عاقبتش این است، باید از اینکه آن را از حرام به دست آورد و به سبب خوردن آن تا ابد در عذاب باشد، بپرهیزد.(۱)

ای جوان! از خواب غفلت بیـدار شو و پیش از آنکه چنگـال های مرگ با کالبـدت آشـنا گردد و قوه عاقله ات از تفکر درباره صفات و احوالت تعطیل گردد، فکر فردا کن. بـدان! هر فضـیلت یا رذیلتی که در جان توست و هر طاعت و معصـیتی که از تو سر می زند، وقت رفتن از این سرای فانی، در برابر آن، به یقین جزا و پاداشی خواهد بود.(۲)

۳. مسئولیت جوان در برابر دیگران

اشاره

۳. مسئولیت جوان در برابر دیگران

تـاکنون مهم ترین وظـایف جوان دربرابر خود و خـدا به صورت اختصـار بیـان شـد. در این بخش از نوشـتار، اشـاره ای گـذرا مسئولیت های جوان دربرابر دیگران خواهیم داشت.

الف) مسئولیت جوان دربرابر خانواده

اشاره

الف) مسئولیت جوان دربرابر خانواده

جوان مسـئولیت های مهمی دربرابر خانواده، به ویژه پدر و مادر دارد که باید به آن عمل کند، چراکه جوان امید خانواده است و تمـام آرزوهـای خـانواده، در وجـود وی تجسـم می یابـد. در شـرایط امروز، پرورش کـودک تـا رسـیدن او به دوره جـوانی، دشوارترین کاری است که بر عهده نهاد خانواده است و اگر

۱- جامع السعادات، ج ۳، ص ۳۰۶.

۲- جامع السعادات، ج ۱، ص ۲۰۰.

خانواده ای به تربیت جوان صالح موفق شود، انتظاراتی از وی خواهند داشت که باید به آنها توجه کرده، به وظیفه خود عمل کند.

یک _ مسئولیت جوان دربرابر پدر و مادر

یک _ مسئولیت جوان دربرابر پدر و مادر

جوان نسبت به پدر و مادر وظایف فراوانی دارد و خلاصه آن، این است که در تمام امور از آن ها اطاعت کند؛ نیازهایشان را تأمین سازد و به مشکلات آنان رسیدگی کند. دین مقدس اسلام، اطاعت از پدر و مادر را جز در مواردی که به ترک واجب یا فعل حرامی انجامد، واجب کرده است. امام رضا(ع) می فرماید:

بِرُّ الوالدین واجبٌ و إن کانا مشرکین و لاطاعه لهما فی معصیه الخالق؛(۱)

نیکی به پدر و مادر واجب است هرچند آن دو مشرک باشند، مگر اینکه اطاعت آن ها به نافرمانی خدای متعال منتهی گردد؛ در این صورت متابعت آنان لازم نیست.

خداوند درباره احترام به والدین می فرماید: «و لاتقُل لَهُما اُفٍّ و لا تَنهَرهُما و قُل لَهُما قولاً کَرِیماً؛ به والدین اُف نگو و بر آنها فریاد مزن و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگوارانه ای به آنان بگو». (اسراء: ۲۳)

طبق آیه شریفه، گفتار خوش و رفتار احترام آمیز با پدر و مادر، لازم است. براین اساس، جوانان باید ضمن تأمین نیازهای والدین، در گفتار و کردار نیز نسبت به آنان فروتنی داشته باشند.

بدرفتاری با پدر و مادر و آزار آن ها حرام و در روایات اسلامی به شدت از آن نهی شده است. به فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله ، به عاق والدین خطاب می شود: «إعمَل ما شِئتَ فَإنِّی لاأغفِرُ لَکَ؛ هرکاری می خواهی انجام بده، من تو را

۱- منتخب میزان الحکمه، ص۵۵۲.

نمی بخشم.»(۱) در حدیث دیگر از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «من أحزنَ والدیه فقد عقَّهما؛ هرکس پدر و مادرش را اندوهگین سازد، خود را عاق آن دو کرده است».(۲)

آزردن پدر و مادر، گذشته از اینکه نهایت حق ناشناسی و ناجوان مردی است، کم کم به مرگ انسانیت و ازهم پاشیدن جامعه منتهی می شود، زیرا بی احترامی جوان به پدر و مادر به همان شکل در فرزندان او تکرار و همین طور به نسل های بعدی منتقل می شود و زمینه تزلزل زندگی اجتماعی را فراهم می سازد. ازاین رو، جوانانی که پدر و مادر را می آزارند، نباید توقع احترام و تکریم از فرزندان خود داشته باشند؛(۳) زیرا به تجربه ثابت شده است کسانی که پدر و مادر خود را آزار داده اند، با مشکلات فراوانی در زندگی روبه رو هستند و از فرزندان خود هم خیری نمی بینند و در نتیجه رستگار نمی شوند.(۴)

دو ـ مسئولیت جوان در برابر برادر و خواهر

جوان، تکیه گاه اعضای خانواده است و برادر و خواهر نیز انتظارهایی از او دارند که لازم است به خواسته های آنان توجه کند. برادر و خواهر اگر بزرگ باشند، یک نوع حقوق و انتظارات و اگر کوچک تر باشند انتظارهای دیگر و نیاز بیشتری به یاری و همکاری دارند. به ویژه خواهر، به علت داشتن عواطف و احساسات فراوان، نیازمند کمک های ویژه ای است و باید متناسب با عواطف او با وی برخورد کرد. اسلام همواره به ویژگی های عاطفی و روانی زنان و دختران توجه کرده و برای این جنبه از وجود آنان

۱- منتخب میزان الحکمه، ص۵۵۲.

۲- منتخب میزان الحکمه، ص۵۵۲.

۳- خلاصه تعالیم اسلام، ص۱۷۱.

۴- خلاصه تعالیم اسلام، ص۱۷۱.

اهمیت فراوان قائل شـده است. امام رضا(ع) در حـدیثی از رسول خـدا صـلی الله علیه و آله می فرمایـد: «إنَّ اللهَ تَبارکَ وَ تَعالی عَلَی الْاِناثِ أرَقُّ مِنْهُ عَلَی الذُّکورِ؛ خداوند تبارک و تعالی بر زنان مهربان تر از مردان است.»(۱) بر این اساس، رسول خدا صلی الله علیه و آله به پـدران و مادران سـفارش می کنـد که هر گاه وارد بازار شدیـد و هدیه ای برای اهل خانه خریدید و خواستید آن را میان اعضای خانواده تقسیم کنیـد، اول به دختران بدهیـد؛(۲) آنـان دارای قلـب و دل نرم هسـتند که بی تـوجهی به این ویژگی آنها، موجب پریشانی و دل آزردگی شان می شود.

خداوند صـله رحم را برای همین واجب کرده است تا جوان در درجه اول از برادر و خواهر و در ثانی از بسـتگانش صـله رحم کنـد و به آنـان یاری رسانـد. صـله رحم از امتیازهای اسـلام است و در هیـچ کـدام از ادیان دیگر چنین دسـتوری به عنوان امر واجب وجود نـدارد؛ زیرا اسـلام بیش از ادیان دیگر به روابط خانوادگی اهمیت می دهـد و بر حفظ و گسترش آن توصـیه می کنـد. رسول خـدا صـلی الله علیه و آله می فرمایـد: «وَصِّلُوا الَّذی بینَکُم و بینَهُ قرابهٌ بکَثْرَهِ ذِکرِکُم إیاهُ؛ به خویشان نیکی کنید با بسیار یاد کردن آنان.»(۳) یاد کردن ممکن است به سـلام دادن، سرکشـی، کمک رسانی و دعوت به منزل باشد. اگر جوان به این مسائل توجه کند و ارتباط عمیق با برادر، خواهر و دیگر بستگان برقرار سازد، بی شک، محبوبیتش نزد خدا و بستگان زیاد می شود.

بنـابراین، صـله رحم و رفتـار نیـک با نزدیکان از وظایف مهم دینی و اخلاقی اسـلام است و عمل به آن از نسل جوان، زیباتر و پسندیده تر است؛

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۰۴.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۲۷.

۳- نهج الفصاحه، ص ۷۹۵.

زیرا جوان، چشم و چراغ خانواده و امیـد آینـده جامعه است و چشم امیـد اقوام و بسـتگان به او دوخته شده است که خدمتی از باب صله رحم برای آنان بکند. امام باقر(ع) درباره آثار صله رحم می فرماید:

صِلَهُ الَارحامِ تُزکِی الَاعمَالَ وَ تُنمِی اَلاموالَ وَ تَدفعُ البَلوی و تُیَسِّرُ الحِسَابَ و تُنسِیءُ فِی الَاجَلِ.(۱)

صله رحم، اعمال را پاک، اموال را زیاد، اختلاف را برطرف، حساب را آسان و مرگ را به تأخیر می اندازد.

سیره معصومـان(ع) بـا برادران و خواهران، الگوی جوان در رفتار با بسـتگان است. رفتار اهل بیت(ع) به ویژه امام حسـین(ع) و اباالفضل العباس(ع) با خواهران و برادران و بسـتگانشان در مدینه و در سـفر به عراق، نمونه کاملی از احساس مسئولیت و رفتار نیک آنان نسبت به نزدیکان است.

ب) مسئولیت جوان در برابر همسایگان

ب) مسئولیت جوان در برابر همسایگان

جوان، افزون بر رسـیدگی به خانواده و بسـتگان، با همسایگان نیز باید ارتباط صـمیمی و دوسـتانه داشـته باشد. حق همسایه در اسلام بسیار مهم و در شرع نیز رعایت آن بسیار سفارش شده است. همسایگان به دلیل نزدیکی محل سکونت، ارتباط بیشتری بـا یکـدیگر دارنـد و به طور طبیعی، در حکم یـک خـانواده بزرگ هسـتند. خوش رفتاری و بـدرفتاری یکی از همسایه ها، در زنـدگی دیگر همسـایه هـا تـأثیر بسـیاری دارد. ممکن است بر اثر خوش رفتـاری و برخورد درست جوان بـا همسایگـان، زمینه علاقه آنها به اسلام فراهم شود و برعکس، بر اثر بدرفتاری وی، چه بسا

۱- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۱۱.

همسایه ای از دین اسلام فاصله بگیرد. از این رو، لازم است جوانان حقوق همسایه را رعایت کنند.

سیره فاطمه زهرا (س) به عنوان الگوی زن مسلمان، علاوه بر آموزش عملی به فرزندان، در زمینه احترام به همسایه، همه جوانان را به انجام آن فرامی خواند. امام مجتبی(ع) می فرماید:

شبی عبادت های مادرم زهرا (س) را نگاه می کردم، دیدم از اول شب تا نزدیکی صبح مشغول نماز، دعا و مناجات بود و پس از اتمام هر نماز می دیدم که برای همسایه ها دعا می کند. پرسیدم: مادر! چرا برای اهل خانه دعا نمی کنی؟ فرمود: «الجارُ ثُمَ الدار؛ فرزندم! اول باید حق همسایه را ادا کرد، سپس به خانواده رسید».(۱)

این رفتار حضرت زهرا(س) در خانه و دعا برای همسایگان، نمونه کاملی از اهتمام معصومان(ع) به این امر است. این کار باید در میان خانواده های مسلمان نهادینه شود و هر کدام به همسایه خود احترام بگذارند تا در رفع مشکل ایشان تلاش کنند و گره ای از کار آنان بگشایند.

اگر جوانی در خانه خود شب نشینی کند و شب را با هیاهو به روز برساند، آسایش همسایگانش را برهم می زند. همچنین جوان توانگری که در کاخ زیبای خود با عیش ونوش روزگار می گذراند، هر لحظه به دل همسایه تنگ دست خود که در کلبه گلی خزیده است، آتش می زند. همانا روزی خواهد رسید که او کیفر کردار خود را می چشد.(۲) ازاین رو، در شرع مقدس اسلام، بر ادای حقوق و رعایت حال همسایه بسیار تأکید شده است. پیامبر فرمود:

۱- سیدکاظم قزوینی، فاطمه من المهد الی اللحد، بیروت، دارالزهراء،۱۴۱۵ه_ . ق، ص۱۸۴.

۲- خلاصه تعالیم اسلام، ص۱۷۶.

ما زالَ الجَبرائِیلُ یوصِنِی بالجارِ حتّی ظَنَنتُ أَنَهُ سَیورِثُهُ.(۱)

جبریل درباره همسایه آن قدر به من سفارش کرد که گمان کردم، خدای متعال همسایه را یکی از وارثان قرار خواهد داد.

و نیز فرمود: «لایـدخُلُ الجَنَّهَ عَبـدٌ لاـ یـأمَن جـارُهُ بَوائقَهُ؛ به بهشت نمی رود آن که همسایه از شـرش در امان نیست.»(۲) به هر صورت، وظیفه جوان، نیکی به همسایگان است و اگر او به آنها خـدمت کرد، به یقین، در دنیا، عزیز و با شـرافت و در آخرت سعادتمند خواهد شد.

ج) مسئولیت جوان در برابر جامعه اسلامی

اشاره

ج) مسئولیت جوان در برابر جامعه اسلامی

جامعه به منزله خانواده ای بزرگ است. همان گونه که جوان در برابر اعضای خانواده مسئولیت دارد، در برابر اجتماعی هم که در آن زندگی می کند، وظیفه دارد. مسئولیت های اجتماعی جوان زیاد است که در اینجا به مهم ترین آن ها اشاره می شود.

یک ـ مسئولیت سیاسی و اجتماعی جوان

یک ـ مسئولیت سیاسی و اجتماعی جوان

جوان در قبال نظام سیاسی جامعه مسئولیت بزرگی دارد. به ویژه اگر نظام حاکم، از نظر دینی و قانونی، مشروع باشد، وظیفه او مهم تر است و باید از آن حمایت کند و در حفظ و تقویتش بکوشد. امام خمینی رحمه الله خطاب به جوانان می فرماید:

شمـا جوانـان تحصـیل کرده در هرجا هستیـد وظایف خطیری داریـد، وظیفه دفاع از اسـلام که به عهـده هر فرد مسـلمان است، وظیفه شـناساندن اسـلام بزرگ به جوامع بشری. شـما هـا بایـد اسـلام را معرفی کنیـد تـا رژیم ها و حکومت ها بفهمنـد معنی حکومت و پاسداری ملت را؛ تا جوامع بشری

۱- نهج الفصاحه، ص ۷۰۰.

۲- نهج الفصاحه، ص ۶۸۱.

بدانند اسلام چه نوع حکومت می خواهد؛ تا افکار غلطی که به واسطه عمال استعمار به جوان های ما تحمیل شده است تغییر کند. بکوشید و خود به احکام اسلام عمل کنید و دیگران را وادار به عمل کنید و پرده های ضخیمی که کج روان بر چهره نورانی اسلام افکنده اند، برطرف کنید.(۱)

امام رحمه الله در جای دیگری خطاب به جوانان می فرماید:

بر شما جوانان ارزنده اسلام که مایه امید مسلمانان هستید، لازم است که ملت ها را آگاه سازید و نقشه های شوم و خانمان سوز استعمارگران را برملا نمایید، در شناسایی اسلام بیشتر جدیت کنید، تعالیم مقدسه قرآن را بیاموزید و به کار بندید. با کمال اخلاص در نشر، تبلیغ و معرفی اسلام به ملل دیگر و پیشبرد آرمان های بزرگ اسلام بکوشید، برای اجراکردن حکومت اسلامی و بررسی مسائل آن اهتمام بیشتری به خرج دهید، مهذب و مجهز شوید، متحد و متشکل شده، صفوف خود را فشرده تر سازید، هرچه بیشتر هم فکر و انسان فداکار بسازید. از برملا کردن نقشه های دستگاه جبار علیه اسلام و مسلمانان غفلت نورزید، صدای برادران رنج دیده و مسلمان را به دنیا برسانید و با آنان همدردی کنید.(۲)

در این کلام امام خمینی رحمه الله به جنبه های مختلف مسئولیت جوانان اشاره شده است. دفاع از اسلام و ارزش های دینی، چیزی است که نسل جوان ضمن باور داشتن به آنها باید به دیگران نیز معرفی کند؛ یعنی جوان مسلمان هم باید به احکام دینی عمل کند و هم مبلّغ اسلام و قرآن باشد. چنان که جوانان صدر اسلام هم به دستورهای دینی عمل می کردند و هم مبلّغ آن بودند. این امر در زمان حاضر نیز از راه گفتار و نوشتار انجام شدنی است. جوانِ امروز، می تواند با حضور در شبکه های رادیو و تلویزیون، سخنرانی

۱- صحیفه نور، ج۱، ص۲۸۴.

۲- صحیفه نور، ج۱، ص ۳۲۹.

در مجامع عمومی، نوشتن کتاب و مقاله معارف اسلام را به دیگران منتقل سازد. امام خمینی رحمه الله در بیان دیگری می فرماید:

شما جوان هستید، شما قدرتمند هستید، شما برومندید. من این جوان های برومند را که می بینم، افتخار می کنم؛ لکن شما جوان ها، امروز جوان هایی هستید که پاسدار اسلامید. پاسداران اسلام باید احتراز کنند از تمام چیزهایی که برخلاف اسلام است. نفوس خودتان را تربیت کنید، تهذیب کنید. این دنیا پایان دارد و آنچه می ماند خوبی و بدی است. صفحه اعمالتان منور به نور اسلام باشید، عامل به احکام اسلام باشد تا در همه جا سعادتمند باشید.(۱)

شرکت در انتخابات و مراسم های ملی و اجتماعی در تقویت نظام اسلامی مؤثر است و نسل جوان از این راه می تواند پشتیبان نظام سیاسی خود باشد. جوان علاوه بر اینکه خود باید در امور سیاسی شرکت کند، دیگران را نیز باید به شرکت در آن تشویق کند، مانند شرکت در انتخابات مجلس، ریاست جمهوری و نظیر آن. تجربه نشان داده است شرکت نسل جوان در انتخابات بسیار سرنوشت ساز و تعیین کننده است و می توان گفت هر جناح سیاسی که جوانان گرایش بیشتر به آن داشتند، برنده انتخابات است. ازاین رو، جوانان ضمن شرکت در انتخابات باید آگاهانه شرکت کنند و آگاهانه رأی بدهند و افرادی را برگزینند که در حفظ اسلام و نظام اسلامی مفیدند.

دو ــ مسئولیت جوان در امور فرهنگی جامعه

دو ــ مسئولیت جوان در امور فرهنگی جامعه

مسئولیت فرهنگی جوان در جامعه مهم است و جنبه های مختلفی دارد که باید به همه آنها توجه کرد. امام خمینی رحمه الله می فرماید:

۱- صحیفه نور، ج۷، ص۴۹۱.

کوشش کنید که فرهنگ را فرهنگ اسلامی درست کنید. جوان هایی که در این فرهنگ تربیت می شوند، همان هایی هستند که مقدّرات کشور در دست آنهاست. اگر اینها درست بار بیایند، همه خدمت گزار به مردم و امین بیت المال باشند، سعادت جامعه تأمین می شود و همه اینها تحت رهبری اسلام تحقق پیدا می کنند.(۱)

جوان وظیفه دارد فرهنگ جامعه را اسلامی و ارزش های دینی را در اجتماع ترویج کند. اگر جوانان، خود، به فرهنگ اسلام عمل کنند، می توانند مبلّغ احکام الهی باشند؛ چراکه تأثیر تبلیغ زبانی همراه با رفتار عملی، به مراتب بیشتر از گفتار است.

امام صادق(ع) می فرماید: «کُونُوا دُعاةَ النّاسِ بِاَعمالِکُم و لاتکُونُوا دُعاةً بالسِنَتِکُم؛ با رفتارتان، مردم را به سوی حق دعوت کنید، نه صرفاً با زبان و گفتار».(۲)

خداوند امر به معروف و نهی از منکر را به این دلیل واجب کرده است که جاهل ارشاد شود و افراد مؤمن و اهل عمل، جاهلان و بی خبران را آگاه و به وظایفشان رهنمون سازند. علامه طباطبایی می فرماید: «بر هر مؤمنی واجب است که مردم را با بصیرت تمام به سوی خدا دعوت کند و به عنوان انجام یکی از واجبات الهی امر به معروف و نهی از منکر کند.»(۳) اگر فریضه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه احیا شود، مفاسد اجتماعی به کلی ریشه کن می گردد. امام علی(ع) در وصیت به فرزندانش حسن و حسین(ع) می فرماید: «لاتَترُکُوا الامرَ بالمَعرُوفِ و النَّهی عَن المُنکَرِ؛ امر به معروف و نهی از منکر را

۱- صحیفه نور، ج۸، ص۸۹.

۲- محمدرضا حکیمی و دیگران، الحیاه، ج ۱، ص ۵۲۲.

۳- خودشناسی عرفانی، ص۴۷.

ترک نکنید»؛(۱) زیرا در صورت اجرای این دستور الهی، ضمن هدایت نادان، هر نوع ظلم و فساد از بین می رود. اصل فلسفه تشریع امر به معروف و نهی از منکر، آگاه سازی توده مردم است. امام علی(ع) فرمود:

والأمرَ بِالمَعرُوفِ مَصلَحةً لِلعَوامِ و النَّهی عنِ المُنکَرِ رَدعاً لِلسُّفَهاءِ.

خداوند، امر به معروف را برای اصلاح توده های ناآگاه و نهی از منکر را برای بازداشتن بی خردان از زشتی ها واجب کرده است.(۲)

بنابراین، یکی از وظایف مهم نسل جوان، اصلاح امور فرهنگی است که باید اوضاع فرهنگی با تربیتی جامعه را با امر به معروف و نهی ازمنکر بهبود بخشند و قشرهای مختلف مردم را به کارهای نیک دعوت کنند. لقمان حکیم بعد از اقامه نماز به فرزندش دستور می دهد که مجری این دو فریضه الهی در جامعه باشد: «... و أمُرْ بِالْمَعْرُوف وَانْهُ عَنِ الْمُنْکِر...؛ ... و امر به معروف و نهی از منکر کن... .» (لقمان: ۱۷) ازاین رو، مناسب ترین راه در اصلاح مسائل فرهنگی جامعه، امر به معروف و نهی از منکر است؛ زیرا این راهکار هم پشتوانه دینی دارد که خداوند آن را واجب کرده و هم در جامعه از مقبولیت بالایی برخوردار است و توده مردم مسلمان، به احکام اسلامی معتقد و وفادارند. شاید تعداد اندکی مخالف اجرای دستورهای دینی در جامعه باشند که نمی توانند مانع اجرای آن شوند.

سه _ مسئولیت جوان در امور اقتصادی جامعه

بخش دیگری از مسئولیت های جوان در برابر جامعه، به مسائل اقتصادی مردم مربوط است که در این زمینه نباید بی اعتنا باشند. گذران زندگی با اقتصاد و پول و سرمایه ارتباط عمیقی دارد و امروزه از اهمیت ویژه ای برخوردار است. استقلال کشورهای اسلامی تا حد زیادی وابسته به وضعیت

۱- نهج البلاغه، ترجمه: دشتی، نامه ۴۷.

۲- نهج البلاغه، ترجمه: دشتی، کلمه قصار ۲۵۲.

اقتصادی آنهاست. اگر کشوری از نظر اقتصادی قدرتمند باشد، در حوزه سیاست و حاکمیت نیز مستقل خواهد بود. ازاین رو، تحریم اقتصادی به عنوان مهم ترین اهرم سلطه بر کشورها، در اختیار دولت های بزرگ دنیا قرار گرفته است. نسل جوان باید در زمینه اقتصاد کشور فعالیت گسترده داشته باشد تا ضمن تأمین نیازهای ضروری مردم، استقلال کشور را تضمین کند. علامه طباطبایی می فرماید:

بر جوانان جامعه اسلامی به حکم فطرت واجب است که همیشه و درهرحال تا آنجا که می توانند و به همان مقداری که احتمال می دهند دشمنشان مجهز باشد، جامعه خود را مجهز کنند؛ زیرا دشمن منافع جامعه اسلامی، دشمن منافع تمامی افراد مسلمان است و بر همه واجب است که قیام کنند و دشمن را از خود و از منافع خود دفع کنند.(۱)

به نظر علامه طباطبایی، نظام آفرینش بر اساس کار و فعالیت استوار است و کار و تلاش، تنها ضامن بقای هر آفریده ای است. انسان، موجودی است که نیازهایش به مراتب از نیازهای دیگر مخلوقات بیشتر است. ازاین رو، کار و فعالیت بر بشر لازم شده است. جوان باید متناسب با ذوق و استعداد خود، یکی از این همه حرفه و صنعت را که خدای متعال، فکر انسان را به سوی آنها هدایت فرموده است، انتخاب کند و از این راه هم رزق و روزی خود را به دست آورد و هم باری از بارهای اجتماع را به دوش کشد و در آسودگی مردم سهیم شود. جوان بیکار ارزش ندارد و اسلام از بیکاری و تنبلی به شدت نهی کرده است. جوان باید با فعالیت و تلاش، نیازهای فردی و خانوادگی و اجتماعی خود را تأمین کند.(۲)

۱- المیزان، ج ۹، ص ۱۵۱.

۲- خلاصه تعالیم اسلام، ص۲۰۴.

کـار و کوشـش، راهی است که خـدا پیش پـای جوان نهـاده است تـا او بـا پیمودن آن، سـعادت زنـدگی خود را دریابـد؛ زیرا انحراف از مجرای خلقت و طبیعت ـ اگرچه بسیار کم باشـد ـ جز به ضـرر انسان تمام نخواهد شد. به یقین، انحراف از امری که اساس زندگی بر آن استوار است، جز بدبختی دنیا و آخرت دربر نخواهد داشت.(۱)

اقتصـاد، عرصه های گوناگونی دارد و جوانان می تواننـد در همه آن عرصه ها نقش آفرینی کننـد و به ویژه فعالیت نسل جوان در زمینه کشاورزی اهمیت خاصی دارد. امروزه تولید محصولات کشاورزی می تواند جامعه را از وابستگی به بیگانگان نجات و آن را در مسیر رشـد و ترقی و توسـعه همه جانبه قرار دهـد. خودکفایی در نیازمنـدی های زندگی و دست یابی به اسـتقلال سیاسـی کشور با پیشـرفت در تولیدات کشاورزی ارتباط مستقیم دارد؛ زیرا فرآورده های کشاورزی، بخش بزرگی از نیازهای جـامعه را تـأمین می کنـد. اگر جـامعه ای در تولیـد گنـدم، حبوبـات، میوه جـات و دیگر محصولاـت پر مصـرف کشاورزی به خودکفایی برسد، بی شک، در بسـیاری از جنبه های سیاسـی و اجتماعی به اسـتقلال خواهد رسید. فعالیت کشاورزی علاوه بر اهمیت اقتصادی آن، از ارزش والای دینی نیز برخوردار است. پیامبر خدا می فرماید:

ما مِنْ مُسلمٍ یَغرِسُ غَرْساً او یَزرَعُ زرعاً، فیأکُلُ مِنْه انسانَ اَوْ طَیرٌ اَوْ بَهیمهٌ، إلا کانَتْ له به صَدَقهٌ... .(۲)

۱- خلاصه تعالیم اسلام، ص۲۰۶.

۲- منتخب میزان الحکمه، ص۲۲۶.

هر مسلمانی که نهالی بنشاند یا کِشْتی بکارد و انسان، پرنده یا حیوانی از آن استفاده کند، هرکدام صدقه ای برای او حساب می شود.

کشاورزی کار انبیا بود و امام صادق(ع) دراین باره می فرماید:

مَا فِی الَاعمال شَیءٌ أَحَبُ اِلَی اللهِ تَعالی مِن الزِراعَه وَ مَا بَعَثَ اللّه نَبیاً إِلا زَرّاعاً إلا إدریس فإنه کَاَن خَیّاطاً.(۱)

شغلی نزد خدای بزرگ محبوب تر از کشاورزی نیست و خداوند پیامبری را نفرستاد، مگر آن که او کشاورز بود، جز ادریس که حرفه خیاطی داشت.

۴. مسئولیت جوان در برابر طبیعت

اشاره

منظور از طبیعت، همه پدیده های پیرامون جوان است که به نوعی با آنها سروکار دارد و برای بقای خود از آن بهره می برد. جوان در دل طبیعت زندگی می کند و با انواع پدیده های طبیعی مأنوس است. در خانواده، جامعه، کوچه و خیابان، پارک و میدان، باغ و بوستان هرجا قدم می گذارد، در طبیعت راه می رود و از فرآورده های طبیعی استفاده می کند. خوراکی ها و پوشاک ها با انواع مختلف و رنگ های گوناگون از طبیعت استخراج می شود و به صورت زیبا و جذاب در برابر جوانان خودنمایی می کند.

خداوند همه مادیات را برای انسان آفریده است و دراین باره می فرماید: «هُو الَّذی خَلَقَ لَکُم ما فی الَارضِ جَمِیعاً... ؛ اوست آن کسی که همه آنچه را در زمین است، برای شما آفرید... .» (بقره: ۲۹) آنچه در زمین وجود دارد برای رفاه و آسایش بشر آفریده شده است تا بشر در زندگی خویش از آنها بهره ببرد و با

۱- منتخب میزان الحکمه، ص۵۰۹.

آسایش و خوشی زندگی کند. جوان در برابر همه آنها مسئولیت دارد و باید به وظیفه خود عمل کند. در استفاده از طبیعت، حفظ طبیعت و رعایت اعتدال در بهره برداری از محصولات طبیعی وظایف گوناگون دارد.

الف) مسئولیت حفظ محیط زیست

الف) مسئولیت حفظ محیط زیست

جوان علاوه بر مسئولیت در برابر خدا و دیگران، در برابر طبیعت و محیطی که در آن زندگی می کند، وظایفی دارد. یکی از مسئولیت های مهم جوان نسبت به طبیعت، حفظ آن محیط و پدیده های طبیعی پیرامون آن از نابودی است. اسلام دستورهای مختلفی درباره حفظ محیط زیست دارد که از قرآن کریم و روایت های معصومان(ع) به دست می آید و از مجموع آنها می توان برنامه دقیق و مناسبی برای حیات زیست محیطی تنظیم کرد. قرآن در موارد بسیار و به مناسبت های مختلف، درباره طبیعت سخن گفته و از زمین و آسمان و مخلوقات گوناگون نام برده است، ولی هدف قرآن از ذکر آنها، هدایت انسان به خدا و پرورش جنبه معنوی او بوده است.(۱) ذکر ماه و خورشید، ستارگان و کهکشان ها، زمین و آنچه در زمین است، پیام توحیدی روشنی دارد و به این نکته اشاره می کند که همه آنها ملک خدای متعال و در تدبیر و ربوبیت او هستند.(۲) ازاین رو، وقتی جوانان با این نگرش به زمین و آسمان بنگرند و از نور ماه و خورشید بهره ببرند و از نعمت های زمینی استفاده کنند، زمینه ای برای آنان پدید می آید که بیندیشند و توجه کنند که همه اینها نعمت خداست و برای آسایش آنها آفریده شده اند. اگر جوانان با

۱- کاصد یاسر الزیدی، الطبیعه فی القرآن الکریم، عراق، دارالرشید للنشر، ۱۹۸۰م، ص۴۶.

۲- کاصد یاسر الزیدی، الطبیعه فی القرآن الکریم، عراق، دارالرشید للنشر، ۱۹۸۰م، ص۴۹.

این توجه از مادیات بهره ببرند، علاوه بر پرورش اندیشه توحیدی، مسئولیت پذیری جوانان در برابر طبیعت نیز تقویت می شود.

جوانان می توانند از طبیعت بهره های گوناگون ببرند، مانند گردش در جنگل ها، پارک ها، مشاهده منظره های طبیعی، دیدن سبزه و چمن زارهای زیبا و باطراوت و کسب نشاط و شادابی از آنها، به گونه ای که نظیر این حالت در کودکان و بزرگ سالان کمتر مشاهده می شود؛ چون طبع جوان زیباپسند است و به زیبایی ها گرایش دارد. مشاهده طبیعت درحالی که برای جوان لذت بخش و نشاط آفرین است، نگه داری آن از اتلاف و آلودگی نیز وظیفه اوست. حفظ پاکیزگی و رعایت بهداشت در محیط های طبیعی و فضاهای تفریحی اهمیت زیادی دارد و اگر به این امر توجه نشود، ممکن است زمینه پیدایش بسیاری از بیماری های واگیری و درمان پذیر را فراهم آورد. ازاین رو، اسلام بر رعایت پاکیزگی به عنوان یک دستور عمومی تأکید فراوان داشته و آن را جزئی از ایمان شمرده است.(۱) اهتمام نسل جوان به رعایت پاکیزگی در محیط های عمومی و منظره های طبیعی، بی شک، مشمول این دستور کلی اسلام است و آنان موظف به انجام آن هستند.

بنابراین، رعایت پاکیزگی محیط زیست و فضاهای عمومی از دیگر مسئولیت های جوانان است؛ از جمله مکان هایی مانند محل تفریح و بازی، میدان ورزش و فوتبال، کوه و جنگل و هرجا را که به صورت فردی یا جمعی قدم می گذارند، نباید آلوده کنند، بلکه باید در حفظ سلامت و پاکیزگی آن بکوشند. آلودگی محیط زیست و نامناسب بودن

۱- رسول خدا صلی الله علیه و آله : «النظافه من الایمان؛ پاکیزگی از ایمان است.» (نهج الفصاحه، ص۱۱۴)

آب وهوای کشورها از مسائل مهم و قابل توجهی است که امروزه به بحران جهانی تبدیل شده است. به نوشته برخی نویسندگان، «فجایع زیست محیطی، همانند سرطان در اجزای سیاره ما در حال ریشه دواندن است که عدم توجه به آنها می تواند پایه های زندگی ساکنان این سیاره را در آینده ی نه چندان دور فرو ریزد.»(۱) همه مردم، به ویژه جوانان دراین باره مسئولیت بزرگ دارند و باید تا آنجا که می توانند برای نگه داری محیط زیست از آلودگی تلاش کنند.

پیامبر اسلام می فرماید:

تَنَظَّفُوا بکُلِّ ما استطعتُم فإنَّ اللهَ تَعالی بَنَی الِاسلامَ علی النَّظافهِ وَ لَن یدخُلَ الجنَّهَ اِلا کُلُّ نَظِیفٍ.(۲)

هر قدر می توانید پاکیزگی را رعایت کنید؛ زیرا خداوند دین اسلام را بر پاکیزگی بنا کرده است و وارد بهشت نمی شوند مگر پاکیزگان.

رعایت نکردن حفظ محیط زیست افزون بر آن که در به خطر انداختن بهداشت و سلامت جامعه نقش اساسی دارد، جنبه حقوقی نیز دارد؛ زیرا آلوده کردن محیط زیست، تجاوز به حقوق دیگران به شمار می آید و به انسان های دیگر ضرر می رساند. چه بسا ممکن است این امر، عامل مرگ افراد مبتلا به بیماری های تنفسی شود. چه اینکه مکان های عمومی، به فرد خاصی اختصاص ندارد و مربوط به همه مردم است، اعم از نسل جوان، خانواده ها و دیگر قشرهای جامعه. بنابراین، لازم است که جوانان در حفظ

۱- صادق اصغری لفمجانی، مبانی حفاظت محیط زیست در اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸، ص۲۲.

۲- نهج الفصاحه، ص۳۹۱.

پاکیز گی و بهداشت فضاهای عمومی و محیطی که در آن به سر می برند، نهایت اهتمام را داشته باشند و به وظیفه خویش در این زمینه عمل کنند.

ب) صرفه جویی در نعمت های الهی

ب) صرفه جویی در نعمت های الهی

خداوند نعمت های فراوانی به عموم انسان ها به ویژه جوانان ارزانی داشته است که نمی توان آنها را برشمرد. قرآن کریم می فرماید: «... و إن تعُدُّوا نعمةَ الله و لاتُحصُوها؛ و اگر نعمت های خدا را شماره کنید، نمی توانید آن را بشمارید... .» (ابراهیم: ۳۴) جوان در برابر نعمت های الهی باید شاکر و سپاس گزار باشد و قدر آنها را بداند. اگر او شکرگزار بود، خداوند ضمن برقراری نعمت های گذشته، رزق و روزی وی را نیز افزون می کند. خداوند می فرماید:

وَإذ تأذَّنَ ربُّكم لَئِن شكَرتُم لَأزِيدَنَّكُمْ و لَئِن كَفَرْتُم إنَّ عذابی لَشَدِيدٌ. (ابراهیم: ۷)

و آنگاه که پروردگارتان اعلام کرد که اگر واقعاً سپاس گزاری کنید،]نعمت[شما را افزون خواهم کرد و اگر ناسپاسی کنید، همانا عذاب من سخت خواهد بود.

بنابراین، شکر نعمت بر همه مردم، به ویژه جوانان که علاوه بر نعمت های مشترک با دیگران، از نعمت بزرگ جوانی نیز برخوردارند، واجب است و باید قدردان آن باشند.

صرفه جویی در نعمت های خداوند نیز در آیات و روایات سفارش شده است. نسل جوان نباید در استفاده از مواهب الهی زیاده روی کند و راه اسراف در پیش گیرد. قرآن کریم می فرماید: «وَكُلُوا و اشرَبُوا و لاتُسرِفُوا إنَّهُ لایحِبُّ المُسرِفین؛ و بخورید و بیاشامید،]ولی[اسراف نکنید که او اسراف کاران را دوست نمی دارد...». (اعراف: ۳۱) اسراف به معنای زیاده روی در استفاده از امکاناتی

است که در اختیـار جوان قرار دارد، بلکه هرگونه تصـرف غیر ضـروری در منـابع و فرآورده هـای مادی را دربر می گیرد. اگر جوانی در خوراک و پوشاک، آب و برق و گاز و ... بیش از رفع نیاز، اسـتفاده کند، اسـراف کرده و از نظر شـرع، حرام است. بر این اساس، وظیفه جوان است که ضـمن بهره برداری درست از امکانات، به صرفه جویی در آن حساس باشد و چیزی را بی جا و در موارد غیرضروری مصرف نکند؛ چراکه اسراف، گناه بزرگی است و خداوند اسراف کاران را دشمن می دارند.

خداونـد اعطای نعمت به جوانانی را که در زنـدگی خود صـرفه جویی می کنند و شـکرگزار نعمت های او هسـتند، تداوم می بخشد. پیامبر درباره صرفه جویی می فرماید:

ثلاثٌ فیهنَّ البرکه: البیع الی أجلٍ و المقارضهُ و اختلاطُ البُرِّ بالشَّعیر للبیت لا للبیع.(۱)

سه چیز برکت می آورد: نسیه فروختن، به یکدیگر وام دادن و آمیختن گندم به جو برای خوردن، نه برای فروختن.

مخلوط کردن گندم با جو در جاهایی که تولید جو بیشتر است، یک نوع صرفه جویی به شمار می رود و پیامبر آن را مایه خیر و برکت دانسـته است. جوانـان بایـد به خوراکی هـای سـاده و ارزان قیمت عادت کننـد تا در هنگام ضـرورت، به جز گنـدم از چیزهای دیگر، مانند جو نیز استفاده کنند.

۱- نهج الفصاحه، ص ۴۱۵.

ج) استفاده بهینه از سرمایه های طبیعی

ج) استفاده بهینه از سرمایه های طبیعی

استفاده بهینه به معنای آن است که جوان در عین صرفه جویی و بهره مندی از امکانات موجود، حداکثر استفاده از آن را ببرد؛ یعنی با حداقل امکانات، بیشترین کار را انجام دهد. این امر در شرایط امروز که جهان با افزایش جمعیت و کمبود منابع طبیعی روبه روست، اهمیت زیادی دارد و مصرف کنندگان باید به آن توجه کنند. چه بسا جوانانی که امکانات را هدر می دهند و با مصرف کردن آنها، نتیجه ای که به دست می آورند، بسیار اندك است. برای مثال، جوانی کشاورز ممکن است با مقدار آبی معیّن در مزرعه نتواند به اندازه ای کافی مزرعه را آبیاری کند، ولی جوان دیگری که تجربه بیشتری دارد و فنون کشاورزی را می داند، با همان مقدار آب تمام مزرعه را آبیاری می کند. نسل جوان باید شیوه بهره گیری از منابع را فراگیرد و بتواند از کمترین امکانات، بیشترین استفاده را ببرد. جوان سرمایه های بسیاری در اختیار دارد که توجه به آنها مهم است؛ زیرا ممکن است جوانی درك نکند هر آنچه می بیند و از آن استفاده می کند، سرمایه خدایی و نعمت الهی است.

بالاترین سرمایه برای جوان سرمایه عمر و جوانی اوست که نباید جوانی را به هدر دهد و بهره مناسبی از آن نبرد. هیچ چیز به ارزش جوانی نمی رسد و نباید آن را رایگان از دست داد. اسراف در عمر و نعمت جوانی بالاترین خسران را به همراه دارد که اصلاً جبران شدنی نیست؛ زیرا خسارت های مالی از هر نوع آن قابل جبران است، ولی عمر ازدست رفته را نمی توان برگرداند. ازاین رو، مراقبت و استفاده بهینه از سرمایه عمر و جوانی

بسیار مهم است و در روایات اسلامی فراوان بر آن تأکید شده است. علی(ع) می فرماید: «إنَّهُ لیس لأنفُسِکُم ثمنٌ إلا الجَنَّه فلاتَبیعُوها الّابها؛ برای جان های شما بهایی وجود ندارد، جز بهشت. پس خود را به غیر آن نفروشید.»(۱) در جمله ای دیگر می فرماید: «ثمنُ الجنَّهِ العملُ الصّالح؛ بهای بهشت، فقط عمل صالح و شایسته است.»(۲) به فرموده آن حضرت، بهشت را با اعمال صالح می توان خرید، نه با چیز دیگر. بر این اساس، وظیفه نسل جوان، استفاده بهینه از تمام سرمایه های زندگی، به ویژه سرمایه جوانی است که باید در مصرف آن کمال دقت و مراقبت را داشته باشد تا مبادا آن را رایگان از دست بدهد.

در استفاده از سرمایه های طبیعی و مادی نیز باید دقت کرد و با کمترین سرمایه، بیشترین بهره را برد؛ چراکه منابع طبیعی هر اندازه فراوان باشد، به سوی نابودی پیش می رود و اگر در استفاده از آن زیاده روی شود، ممکن است جهان با بحران انرژی روبه رو شود. بحران در زمینه نفت و گاز، آب و برق، با روش بهره برداری از منابع طبیعی و زیرزمینی رابطه مستقیم دارد. از آنجا که جوانان بنا به طبیعت خود، زیباپسند و نوعاً تجمل گرا هستند، اگر به دستورهای اسلام توجه نکنند به دام اسراف و تبذیر گرفتار می شوند و روش افراط گرایانه ای را نسبت به امکانات مادی در پیش خواهند گرفت.

۱- همان، ج ۷۰، ص ۱۳۲.

۲- منتخب میزان الحکمه، ص۱۰۵.

کتاب نامه

کتاب نامه

قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

نهج البلاغه.

۱.آذرتاش، آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی- فارسی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱.

۲.آمدی، عبدالواحد، شرح غررالحکم و دررالکلم، شرح: محمد خوانساری، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.

۳.آملی، سیدحیدر، تفسیر المحیط الاعظم، تحقیق: سید محسن موسوی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،۱۴۱۴ ه_ .ق.

۴.ابن سعد، الطبقات الکبری، بیروت، دار احیاء التراث العربی،۱۳۷۶ ه_ . ق.

۵.ابن شعبه، حرانی، تحف العقول، ترجمه: احمد جنتی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲.

۶.ابن هشام، سیره النبویه، ترجمه: هاشم رسولی، تهران، کتابخانه اسلامیه،۱۳۶۶.

۷.ابوشهبه، محمد، سیره النبویه، دمشق، دارالقلم، ۱۴۱۲ ه_ .ق.

۸.اتکینسون، ریتال و دیگران، زمینه روان شناسی، ترجمه: محمدنقی براهنی و همراهان، تهران، رشد، ۱۳۶۶.

۹. اصغری لفمجانی، صادق، مبانی حفاظت محیط زیست در اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.

۱۰.انیس، ابراهیم، المعجم الوسیط، قاهره، بی جا، ۱۳۹۲ ه_ .ق.

۱۱. پهلوان، منوچهر، جامعه شناسی جوانان، بابل، کمال الملک، ۱۳۸۴.

۱۲. حاجی ده آبادی، محمدعلی، بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵.

۱۳. حجتی، محمدباقر، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰.

۱۴.حر عاملی، محمد، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

۱۵. حسینی، سید مصطفی، معارف معاریف، انتشارات صدر،۱۳۷۶.

۱۶. خادمی کوشا، محمدعلی، جوان در پرتو اهل بیت:، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.

۱۷. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.

۱۸. رخشاد، محمدحسین، در محضر علامه طباطبایی، قم، انتشارات سماء قلم،۱۳۸۲.

۱۹. رمضان البوطی، محمد سعید، فقه السیره النبویه، بیروت، دارالفکر المعاصر، ۱۴۱۱ ه_ . ق / ۱۹۹۱م.

۲۰. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.

۲۱. سپهر، میرزا محمدتقی، ناسخ التواریخ، تهران، کتابچی، ۱۳۷۹.

۲۲. سید محمدی، یحیی، روان شناسی یادگیری، تهران، نشر روان، ۱۳۸۲.

۲۳. شاملو، سعید، آسیب شناسی روانی، تهران، شرکت سهامی چهر، ۱۳۶۴.

۲۴. شرفی، محمدرضا، جوان و بحران هویت، تهران، سروش، ۱۳۸۰.

۲۵. شعاری نژاد، علی اکبر، روان شناسی رشد، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۲.

۲۶. شولتر، دوآن، نظریه های شخصیت، ترجمه: یحیی سیدمحمدی، تهران، مؤسسه نشر هما، ۱۳۷۷.

۲۷. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۱۳ هـ.ق.

۲۸. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان (عربی)، قم، جامعه مدرسین، بی تا.

۲۹. ______________________ ، تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.

۳۰. ______________________ ، خلاصه تعالیم اسلام، تهران، انتشارات کعبه، چاپ دوازدهم، بی تا.

۳۱. طبسی مروّجی، محمدجواد، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت:، قم، بوستان کتاب،۱۳۸۳.

۳۲. عندلیب، حمزه، نحن و الاولاد، قم، دلیل ما، ۱۳۸۰.

۳۳. فرجاد، محمدحسین و دیگران، اعتیاد، تهران، بی نا، چاپ سوم، ۱۳۷۴.

۳۴. فلسفی، محمدتقی، گفتار فلسفی جوان، تهران، هیئت نشر معارف اسلامی، ۱۳۴۴.

۳۵. قزوینی، سیدکاظم، فاطمه من المهد الی اللحد، بیروت، دارالزهراء، ۱۴۱۵ هـ . ق.

۳۶. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، قم، ۱۳۷۶.

۳۷. کلینی، محمد، اصول کافی، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۳ه_ . ق.

۳۸. گروهی از نویسندگان، موسوعه احکام الاطفال و ادلتها، قم، مرکز فقه الائمه الاطهار:، ۱۴۲۸ه_ . ق.

۳۹. متقی هندی، علاءالدین، کنزالعمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ه_ . ق.

۴۰. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء ألتراث العربی، ۱۴۰۳ه_ . ق.

۴۱. مجله تربیت، وزارت آموزش و پرورش، شماره ۱، ۱۳۷۰.

۴۲. محمدی ری شهری، محمد، دوستی و محبت در قرآن و حدیث، ترجمه: سیدحسن اسلامی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۲.

۴۳. ______________ ، منتخب میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۰.

۴۴. ______________ ، حکمت نامه جوان، ترجمه: مهدی مهریزی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۵.

۴۵. مصباح، مجتبی، فلسفه اخلاق، قم، مؤسسه آموزشی _ پژوهشی امام خمینی=، ۱۳۸۱.

۴۶. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، صدرا، ۱۳۷۰.

۴۷.مظاهری سیف، حمیدرضا، خودشناسی عرفانی، بی جا، انتشارات نشاط، ۱۳۸۱.

۴۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.

۴۹. ________________ ، قصه های قرآن، قم، انتشارات مدرسه امیرالمؤمنین۷، بی تا.

۵۰. موسوی خمینی=، سید روح الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی=، ۱۳۷۸.

۵۱. نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، قم، کشف الغطاء، ۱۳۸۲.

۵۲. نراقی، ملامهدی، جامع السعادات، نجف، مطبعه الزهراء، چاپ سوم، ۱۳۸۳ه_ .ق.

۵۳. نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین، ۱۳۷۸.

۵۴. نهج الفصاحه، ترجمه: ابراهیم احمدیان، قم، گلستان ادب، ۱۳۸۵.

۵۵. هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.

۵۶. یاسر الزیدی، کاصد، الطبیعه فی القرآن الکریم، عراق، دار الرشید للنشر، ۱۹۸۰ م.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹